



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴ - ۶ رمضان ۱۴۴۷
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۵۲۲ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

در سبک آفتاب
مهدی مولایی

جای خالی زنگ تاریخ!

«پهلوی برمی‌گرده!» این یکی از شعارهایی است که در تجمعات چند روز اخیر عده معدودی از دانشجویان در برخی از دانشگاه‌ها سر داده شد. باید پرسید چگونه بخشی از نسل دانشگاهی، که باید آگاه‌ترین لایه جامعه تلقی شود، به تصویری آرمانی از گذشته‌های تاریخی گرایش پیدا می‌کند که روایت‌های مستند، چهره‌های استبدادی، سرکوبگری‌ها و تاریک از آن ارثه می‌دهند؟ | صفحه ۳

ویژه‌های جوان

دم خروس کودتاچیان بیرون زد

رسانه بیت‌المال یا آتش بیار معرکه؟!

صفحه ۲

یادداشت سیاسی

مصطفی قربانی

مایوس‌سازی دشمن با کنشگری فعالانه مردم و نخبگان

تشدید عملیات روانی - رسانه‌های دشمن به‌موازات تقویت آرایش نظامی او در سطح منطقه و هم‌زمان با اینها، تلاش برای شعله‌ور کردن دور جدیدی از آشوب در کشور، خطر وقوع حمله به ایران را بیش از پیش برجسته کرده است. با این حال، سؤال مهم آن است که چرا با وجود تشدید فشارهای دشمن در همه ابعاد و حوزه‌ها و با وجود برجسته‌سازی وقوع حمله دشمن به ایران، این اتفاق رخ نمی‌دهد. در پاسخ باید گفت که متغیرهای مختلفی، همان‌گونه که پیش‌تر نیز در همین جا نگارنده آنها را تشریح کرده است، بر امکان وقوع جنگ با ایران از سوی آمریکا اثرگذار است، اما به نظر می‌رسد که در میان آنها، مهم‌ترین متغیر، همانا وحدت و انسجام ملی ایرانیان است | صفحه ۲

یادداشت سیاسی

سید عبدالله متولیان

آرزوی محال دون کیشوت قمار باز

رئیس جمهور آمریکا متعجب است از اینکه ایرانی‌ها با دیدن ناوگان جنگی‌اش زانو نزده و برای تسلیم شدن صف نکشیده‌اند. انگار نه انگار که اینجا سرزمینی است که ۲۷ سال پیش با «مرگ بر آمریکا» متولد شد. دون کیشوت کاخ سفید باز هم به جنگ آسیاب‌های پادی رفته است. ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ، این روزها در مصاحبه با فاکس نیوز از «حیرت» رئیسش پرده برداشته: «تراب متعجب است چرا ایرانی‌ها با این حجم از فشار و قدرت در برابر یک مستقر کرده‌ایم، نیامده‌اند بگویند ما سلاح هسته‌ای نمی‌خواهیم.» گویی در جهان متوجهانه کاخ سفید «تسلیم شدن» تنها گزینه ممکن برای ملت‌هاست. این حیرت، ریشه در نشناختن دارد | صفحه ۲

یادداشت ورزشی

فریدون حسن آذین گروه ورزشی

توقع اخلاق

از فوتبال دوزاری نداشتن با شهید

آدم می‌ماند از بدون تماشاگر بودن مسابقات لیگ برتر فوتبال هوشحال باشند یا ناراحت. از یک طرف می‌گوییم که شور و هیجان فوتبال بدون حضور تماشاگر و هوادار کاملاً از بین می‌رود از طرف دیگر با دیدن رفتارهای جماعت فوتبالی در زمین مسابقه خدا را شکر می‌کنیم هواداری در ورزشگاه وجود ندارد تا آن نزدیک شاهد رفتارهای زشت و زنده بزرگ و کوچک فوتبال کنار زمین و داخل میدان باشد. آنچه یک‌شنبه شب در ورزشگاه‌های رخ داد، نمونه بارزی اخلاقی و افسارگسیختگی جماعت فوتبالی بود. وقتی ملاز یار زارع در نقش سرمربی ملوان و خداداد عزیززی در سمت سرپرست تراکتور به‌طور وحشیانه به طرف هم حمله می‌کنند و با الفاظی زشت یکدیگر را خطاب قرار می‌دهند باید هزاران بار شکر کنیم که تماشاگری در ورزشگاه حضور نداشت | صفحه ۱۳



دم‌زدن از یک بازمانده‌ی رژیم‌های منحوس و عامل عیان موساد، فحاشی و اسم آوردن از اسافل اعضا در جمع‌های مختلط، و نگاه‌های فاشیستی که در میان گروهی از دانشجویان در حوادث روزهای اخیر به هم پیوند زده شد، حقا که ترکیب درستی از ابتذال و ارتجاع بود و این نمی‌تواند پرچم یک دانشجوی اندیشه‌ورز و سواد آموز باشد، بلکه بیشتر به یک دسته از کسانی می‌ماند که مقهور پروژهای نفوذ و باز یچه دست ارتجاع و ابتذال شده‌اند | صفحه ۳

نفوذ ارتجاع و ابتذال در دانشگاه

گزارش میدانی و تحلیلی «جوان» از حوادث روزهای اخیر در برخی دانشگاه‌ها

نوری المالکی: از نامزدی نخست‌وزیری انصراف نمی‌دهم



نوری المالکی رئیس‌الائتلاف دولت قانون عراق به رغم فشار آمریکا برای انصراف از نخست‌وزیر شدن، گفته که از نامزدی برای این پست انصراف نخواهد داد. نوری المالکی روز دوشنبه در گفت‌وگو با خبرنگار فرانسوی گفت که قصدی برای کناره‌گیری از نامزدی ریاست دولت ندارد و البته ادامه داد که به ایالات متحده در مورد انحصار سلاح در دست دولت عراق اطمینان خاطر می‌دهد. المالکی گفت: «من به هیچ وجه قصد کناره‌گیری ندارم زیرا به کشوری که به آن تعلق دارم، حاکمیت و اراده آن احترام می‌گذارم. احدی حق ندارد به ما بگوید که به فلاتی رای ندهید و به فلاتی رای دهید.» او توضیح داد: «ما از هر گونه

مرز باریک اقتصاد پرسیک و جرم سازمان یافته بررسی شد



دوخته شده که قرار است نه تنها درباره سر نوشت متهمان، بلکه درباره چگونگی پاسخ نظام قضایی به یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های پیش‌فروش سال‌های اخیر تعیین تکلیف کند | صفحه ۱۴

اژه‌ای: باید هزینه ارتکاب فساد را بالا ببریم

معنای مبارزه با فساد نیز فقط بگیر و ببند و حبس نیست؛ این یک بخش از مقوله مبارزه با فساد است، اما آن بخش و مقوله‌ای که مهم‌تر است، شناسایی گلوگاه‌ها، ریشه‌ها و زمینه‌های فساد و انسداد آنها و اتخاذ شیوه‌های عالمانه برای جلوگیری از رویش و ایجاد منافذ فساد است

بقایی:

به حمله محدود هم پاسخ گسترده می‌دهیم

سخنگوی وزارت خارجه: گمانه‌زنی درباره نحوه و محتوای مذاکرات زیاد است اما هیچ کدام از اینها را ما تأیید نمی‌کنیم و جزئیات مذاکرات از جمله درباره توافق موقت هیچ مبنایی ندارد. تدوین هر متن مذاکره‌ای یک کار مشترک است. دیدگاه ما درباره خاتمه تحریم‌های امریکا و مباحث هسته‌ای روشن است و از دیدگاه طرف امریکایی هم مطلع هستیم

دشمنان از شکاف میان «انتظارات» و «پاسخگویی» سوءاستفاده می‌کنند

حسن فرامرزی

دکتر حسن بنیانیان، تحلیلگر فرهنگی در گفت‌وگو با «جوان» در جامعه ما از یک طرف انتظارات و توقعات در بین لایه‌های مختلف مردم رو به افزایش است و از طرف دیگر سرعت پاسخگویی ما متناسب با این توقعات رشد نمی‌کند



قدرت خرید واقعی وام ازدواج به یک چهارم کاهش یافت

اسران محمدی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با وضعیت وام ازدواج در بودجه ۱۴۰۵ گفت: وضعیت تورمی حال حاضر اقتصادی کشور به نحوی است که جوانان به سختی می‌توانند زندگی مشترک را شروع کنند و در این میان پرداخت وام ازدواج به شکل قرض الحسنه و با مدت زمان بازپرداخت هفت‌ساله یکی از اصلی‌ترین راهکارهای حمایتی از شروع زندگی جوانان بود ولی با عدم افزایش میزان وام ازدواج در بودجه ۱۴۰۵، عملاً تیر خلاص به جوانی جمعیت و ازدواج جوانان نیز زده شد

قبل از شهادت گفت سربازی من هم به آخر رسید

مهری خیل‌فرهنگا خبرنگار گروه باقرمقاومت



همسر شهید ولی‌الله صفری حق داشت که می‌گفت: «ما هم مشکلات اقتصادی و معیشتی داریم و به مشکلات موجود مثل گرانی اعتراض داریم اما راهش اغتشاش و آشوب و تخریب نیست. خیلی‌ها فکر می‌کنند حقوق نظامی‌ها بالاست و مشکلات اقتصادی ندارند اما اینطور نیست. حقوق آقا ولی‌الله کفاف هزینه‌های معمول زندگی را هم نمی‌داد. برای همین هر کاری که پیش می‌آمد انجام می‌داد تا کمکی به تأمین هزینه‌های زندگی باشد مثلاً کار کشاورزی می‌کرد در این مجال و در گفت‌وگو با همسر شهید و فرزندان

هویت کاذب در آینه‌های جیبی

سجاد شیخ‌اسلامی



بازی‌های دیجیتال می‌توانند ابزارهای یادگیری قدرتمندی باشند. مسئله، محتوای این بازی‌ها و پیام‌های پنهان در آنهاست. راه‌حل، در منع و محدودیت صرف نیست | صفحه ۱۲

انگیزه‌ها برای حمایت از ملت فلسطین بیشتر شده است



رمضان شریف، رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت روز جهانی قدس، با قاطعیت می‌توانم اعلام کنم که شرایط امروز ما در آستانه برگزاری روز جهانی قدس، به مراتب زنده‌تر، به‌روز‌تر و با انگیزه‌تر از گذشته است. فلسطین دیگر فقط مسئله اول امت اسلامی نیست بلکه مسئله اول جهان شده است. این موضوع بزرگ‌ترین شکست برای رژیم صهیونیستی است که با امپراتوری عظیم خود در تلاش بود این مسئله را به فراموشی بسپارد. هر چند رژیم صهیونیستی همچنان شعار قدیمی و غیرقابل دستیابی از لیل تا فارت را تکرار می‌کند، اما همه می‌دانند که دغدغه اصلی آنها

زن در شاهنامه نجیب، خردمند و جنگاور است



زینب افراتسه، مروج شاهنامه در گفت‌وگو با «جوان» کسی که به شاهنامه آشنا باشد، می‌داند نگاهی که این متن تاریخی ادبی و حماسی به زنان و دختران دارد، شاید شاید امروز و در سال ۲۰۲۴ در بین اغلب جوامع مدعی فمینیسم و رعایت حقوق زنان هم وجود ندارد و هنوز به این نگاه و تبیین جایگاه زن نزدیک هم نشده‌اند. این در حالی است که حکیم ایرانی و مسلمان دختر جنگجویی را که کماندار بوده و به عنوان مرزبان ایران خدمت می‌کرده و در این راه از خودش شجاعت و غیرت به خرج می‌دهد و به دل میدان می‌زند، نشان می‌دهد که چگونه از خرد زانه‌هاش

Advertisement for 'Javan' magazine featuring a book cover and promotional text. The text includes 'مسابقه پیامکی' (SMS contest) and 'علاقه مندان جهت شرکت در مسابقه می‌توانید عدد گزینه صحیح را به سامانه ۳۰۰۰۱۶۲۶ پیامک نمایید'.

Advertisement for 'Javan' magazine featuring a portrait of a woman and promotional text. The text includes 'هنرکار گرامی' (Honorable artist) and 'جناب آقای حسین معصوم‌پور' (Mr. Hossein Masoumpour).

مأیوس‌سازی دشمن با کشتگری فعالانه مردم نخبگان



مصطفی قزلباشی

کارشناس سیاسی

تشدید عملیات روانی – رسانه‌های دشمن به‌موازات تقویت آرایش نظامی او در سطح منطقه و هم‌زمان با اینها، تلاش برای شعله‌ور کردن دور جدیدی از آشوب در کشور، خطر وقوع حمله به ایران را بیش از پیش برجسته کرده است. با این حال، سؤالات مهم آن است که چرا با وجود تشدید فشارهای دشمن در همه ابعاد و حوز‌ها و با وجود برجسته‌سازی وقوع حمله دشمن به ایران، اما این اتفاق رخ نمی‌دهد.

در پاسخ باید گفت که متغیرهای مختلفی، همان‌گونه که پیشتر نیز در همین جا نگارنده آنها را تشریح کرده است، بر امکان وقوع جنگ با ایران از سوی امریکارتگذار است، اما منظر می‌رسد که در میان آنها، مهم‌ترین متغیر، همانا وحدت و انسجام ملی ایرانیان است. بر این اساس، امریکا تا بابت کسبیکشنگی جملعه‌ایران به‌اطمنحنان نرسد، نمی‌تواند بابت غلبه بر ایران اطمینان پیدا کند. به بیان دیگر، تا زمانی که نوعی بی‌تفاوتی و عدم‌احساس مسئولیت در قبال سرنوشت کشور در میان ایرانیان توسعه پیداکنند که نتیجه آن، تضعیف انسجام ملی و افزایش ضریب آسیب‌پذیری کشور در برابر دشمن باشد، امریکا نمی‌تواند و نمی‌خواهد ریسک حمله به ایران را بپذیرد. بر این اساس، امروزه مهم‌ترین رسالت همه نیروها و نخبگان سیاسی اجتماعی ایران آن است که فعالانه در برابر توطئه‌های دشمن

و به حمایت از کشور و اعلام موضع‌کننده زیر تأثیر تجربه‌های متعددی در تاریخ معاصر نشان می‌دهد که رخداد تحولات ناخواسته مانند کودتا، براندازی، حمله خارجی و… در ایران همواره در سایه بی‌تفاوتی عمومی و نخبگانی در قبال سرنوشت کشور رخ داده است. به‌نوعی یک نمونه برجسته تاریخی در این زمینه باید به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اشاره کرد. بعد از آنکه با دستور دکتر مصدق در شب ۲۵ مرداد، نصیری که حامل نامه عزل مصدق از نخست‌وزیری بود، دستگیر شد و موج اول کودتاختی شد، تا سه روز بعد که کودتاتمام شد، نخبگان و نیروهای سیاسی اجتماعی مؤثر با فرو رفتن در حالتی از بی‌تفاوتی و بی‌عملی زمینه را برای انجام کودتا با کمترین هزینه فراهم کردند. در این زمینه، غلامرضا نجاتی در کتاب «جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» می‌نویسد: «ر آن سه روز سرنوشت‌ساز که آینده سیاسی ایران تعیین می‌شد، مسئولان مملکت و رهبران احزاب سیاسی در انجام وظایف خطیری که به عهده داشتند، غفلت کردند و فرصت‌های گرانبها از دست رفت… مردم تهران که چندبار توطئه‌هایی علیه نهضت ملی را با قیام خود و پیشینیان از نهضت ملی خشنی کرده بودند، صبح روز ۲۸ مرداد، بدون رهبر و فرمانده شاهد تردید و نزول رهبران نهضت ملی و خیانت و سهل‌انگاری چند تن از فرماندهان نظامی و رؤسای سازمان‌های انقلابی بودند. پیروزی سریع کودتاجیان در روز ۲۸ مرداد نه‌تنها برای ملت ایران، بلکه برای کومیت و رژیم‌وزروندان کودتاپاور کردنی نبود.

با توجه به آنچه گفته شد، شرط اساسی مواجهه قدرتمندانه با دشمنی که اکنون با متراکمپاری فشارها و تهدیدها در میدان‌های اقتصادی، نظامی و رسانه‌ای به تهدید ایران و ایرانیان می‌پردازند، آن است که علاوه بر حفظ و ارتقای قابلیت‌های دفاع نامتقارن، نظر طبقه‌های مردمی و نخبگانی که به میدان بیاید و با نمایش وحدت و انسجام ملی، به دشمن سیلی زده شود؛ زیرا مهم‌ترین متغیر تعیین‌کننده امکان حمله دشمن به ایران، همان‌گونه که در بالا گفته شد، وضعیت داخلی ایران است. بدین ترتیب که اگر دشمن احساس کند که با حمله به ایران، مردم ایران با او همراهی می‌کنند یا حداقل نسبت به سلطه خارجی و دخالت بیگانگان در ایران، بی‌تفاوت می‌مانند، در حمله به ایران تردیدی به خود را نمی‌دهد.

خبر آخر

غریب آبادی در اجلاس عالی حقوق بشر در ژنو:

ما خونخواه همه خون‌های به ناحق ریخته شده هستیم

ما خونخواه تمام خون‌های به‌ناحق ریخته‌شده هستیم؛ مسیبیان اصلی این حوادث، به‌ویژه امریکا و رژیم صهیونیستی، باید پاسخگو این جنایت‌های خود علیه بشریت باشند.

کامط غربی‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه که به منظور شرکت در اجلاس عالی رتبه شورای حقوق بشر به ژنو سفر کرده است، روز گذشته در نخستین روز این نشست، طی سخنانی تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران کشوری مسئول و پاسخگو در حوزه حقوق بشر است؛ انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب حقوق بشری برای رهایی از دیکتاتوری و برقراری مردم‌سالاری بوده؛ بعد از ۴۷ سال، دیدید که دهها میلیون ایرانی با آمدن به خیابان‌ها، از انقلاب و استقلال خود به‌صورت گسترده حمایت کردند، اما متأسفانه، برخی فریبکاران مرتب‌از حقوق بشر مردم ایران دم می‌زنند.

مرید کالائیکلیس و فرانسه به همراه متحدان خود در طول جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم صدام علیه ایران، از این رژیم تمام‌مقد حمایت کردند که در نتیجه آن، بیش از ۸۲۰ هزار نفر شهید و مجروح شدند که ۱۱۷ هزار نفر از این میان، در اثر کاربرد سلاح‌های غیرانسانی شیمیایی اهدایی به صدام، به‌ویژه توسط آلمان، به شهادت رسیده و مجروح شدند. بیش از ۲۵ هزار نفر از مردم بی‌گناه ایران، شامل زنان و کودکان، توسط گروه‌کشی‌های تروریستی که امروزه در بهشت‌های امن کشورهای غربی حضور دارند، ترور و شهید شدند؛ حقوق بشر میلیون‌ها ایرانی، به‌ویژه حق حیات آنان، در اثر تحریم‌های یکجانبه‌گانه و غیرعادلانه همین مدعیان حقوق بشر به‌صورت گسترده نقض شده است و آنان مرتکب جنایت علیه بشریت شدند. در جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵ آمریکا رژیم صهیونیستی علیه ایران، بیش از هزار و ۶۰۰ نفر شهید و حدود ۶ هزار نفر مجروح شدند، در حالی که همین مدعیان حقوق بشر از متجاوزان حمایت کردند و حتی اجازه ندادند شورای امنیت و شورای حقوق بشر این تجاوز را محکوم کنند. کشورهایی که دم از حقوق بشر مردم ایران می‌زنند، آیا آن زمان درد حقوق بشر این مردم را ندانشند؟! آمریکا انگلیس و آلمان آن زمان کجا بودند؟! وی تصریح کرد: متأسفانه، شورای حقوق بشر به‌ایزای در دستمان مدعیان دروغین حقوق بشر تبدیل شده است؛ آن چیزی که برای این کشورها اهمیت ندارد، حقوق بشر است. جای تأسف است که مدعیان حقوق بشر به مردم ایران که ۴۷ سال پیش از شورش‌پخته آنکه برخی جریان‌های ضد حقوق بشری در خیال خود فکر می‌کنند می‌توانند این دموکراسی را از طریق بچه نتر دیکتاتور مخلوع و فراری به آلمان بیاورند! یا این خیانت‌دوین به دموکراسی نیست؟!

غریب آبادی اضافه کرد: متأسفانه، دشمنان ایران که در جنگ ۱۲ روزه شکست سخت و دردناکی را متحمل شدند، در صدد برآمدن آمدن یار با آشوب و اغتشاش، زمینه را برای یک عملیات نظامی دیگر فراهم کنند. برای همین، اعتراض‌های مسالمت‌آمیز مردم را واکنش به وضعیت اقتصادی را می‌داند و به آشوب کشاندند. اغتشاش‌گران و تروریست‌ها جنایت‌های داعش‌گونه‌ای نظیر سوزاندن افراد در آتش، سر بریدن و کشته‌سازی را در کنار استفاده گسترده از سلاح‌های گرم رقم زدند که منجر به شهادت هزار ۴۲۷ نفر از مردم بی‌گناه و محافظان نظام و امنیت، از مجموع ۳ هزار و ۱۱۷ جان‌بخش‌این حوادث شد. وی تأکید کرد: ما خونخواه تمام خون‌های به‌ناحق ریخته‌شده هستیم؛ مسیبیان اصلی این حوادث، به‌ویژه امریکا و رژیم صهیونیستی که یک بار دیگر با مردم ایران شکست خوردند و آلت‌دست آنان، بچه دیکتاتور مخلوع و فراری، باید پاسخگوی این جنایت‌های خود علیه بشریت باشند.

خبریک

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران: امریکا هر جنگی راه‌انداخته سرافکنده خارج شده‌است

این دشمن همان است که ۲۰ سال در ویتنام و افغانستان جنگید و دست آخر با سرافکنده‌گی بیرون رفت، در عراق و دیگر کشورها هم همین اتفاق یرای آنان افتاد. آنان یاد اعدا و ارباب وارد می‌شوند اما همواره با سرافکنده‌گی خارج می‌شوند. بنابراین، شکست دشمن حتمی است اما لازمه تحقق آن، برخورداری از درک روشن درباره وضعیت امروز جهان و ایستادگی و مقاومت ملت ایران است. امیر سرلشکر «امیر حاتمی»، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران روز گذشته در آیین دانش آموختگی دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، با تبریک به دانش آموختگان دانشگاه فاقوس آجا، اظهار کرد: در شرایط امروز، با توجه به تغییرات و تحولات رخ داده، مسئولیت ارتش جمهوری اسلامی ایران بدون تردید یک مسئولیت تعیین کننده است.

امیر سرلشکر حاتمی افزود: به خاطر داریم که در ماه گذشته، دشمن چندبار با طعم جدی برای آسیب زدن به ملت بزرگ ایران، کشور عزیزمان و نظام مقدس جمهوری اسلامی تلاش کرد اما هر بار با شکست مواجه شدو همین مسئله، مسئولیت امروز ارتش را دوچندان می‌کند.

ادعای شکست ناپذیری دشمن بیپهوده است

وی در ادامه با اشاره به ادعاهای دشمنان مبنی بر شکست‌ناپذیر بودنشان، گفت: آسان‌ادعای شکست‌ناپذیری دارند اما این ادعایی دروغین و بیپهوده است. این دشمن همان است که ۲۰ سال در ویتنام و افغانستان جنگید و دست آخر با سرافکنده‌گی بیرون رفت، در عراق و دیگر کشورها هم همین اتفاق برای آنان افتاد. آنان یاداعا و ارباب وارد می‌شوند اما همواره با سرافکنده‌گی خارج می‌شوند بنابراین شکست دشمن حتمی است اما لازمه تحقق آن، برخورداری از درک روشن درباره وضعیت امروز جهان و ایستادگی و مقاومت ملت ایران است.

فرمانده کل ارتش به تلاش همه‌جانبه دشمن برای جلوگیری از اتخاذ تصمیمات صحیح اشاره و از آن با عنوان «عدم قطعیت» یاد کرد و افزود: جنگ امروز به مراتب پیچیده‌تر و سخت‌تر از گذشته است ما با یک جنگ ترکیبی از شکست‌دهنده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، روانی و شناختی، مواجه هستیم، به طوری که علاوه بر ما، خانواده‌ها، فرزندان مان نیز در معرض این جنگ قرار گرفته‌اند.

وی راه عبور از جنگ ترکیبی دشمن را شناخت صحیح فداست و تصریح کرد: آنچه‌می‌تواند در مقابله با جنگ ترکیبی تمام عیار دشمن، به ما کمک کند شناخت است. دشمن با از عراب، تهدید و عملیات محدود، می‌کوشد حرف خود را به کرسی بنشاند ولی مهم این است که ما با شناخت کامل ابعاد و اهداف این جنگ، تصمیم درست بگیریم و بتوانیم نقش دشمن را خنثی کنیم.

فرمانده کل ارتش با تأکید بر لزوم ایستادگی مقابل دشمنان و خواسته‌هایشان خاطر نشان کرد: آنچه‌در

خبر

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت روز جهانی قدس گفت: شش‌ریاض امروز ما در آستانه بزرگاری روز جهانی قدس، سه مرتب زنده ت، به روز تو و سیا انگیزه ت عر از گذشتت است.

به گزارش دفاع پرس، «مضان شریف» روز گذشته در دومین نشست ستاد مرکزی بزرگداشت روز جهانی قدس با اشاره به اهمیت و گستردگی حمایت ایران اسلامی از ملت فلسطین و جبهه مقاومت اظهار داشت: در سال‌های گذشته، با انگیزه‌های مضاعف و حرارتی جدی، تر، حمایت خود را از ملت فلسطین و مبارزان سرزمین فلسطین به رخ جهانیان کشیدیم. ای وی افزود: انقلاب اسلامی ایران افتخار دارد دو مین راهپیمایی ملی کشور به مناسبت روز جهانی قدس را با حمایت رهبر معظم

پاسخ

|وزنامه جوان| شماره ۷۵۳۲ | |سومین سیاسی ۸۸۵۳۳۰۶۰

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران:

امریکا هر جنگی راه‌انداخته سرافکنده خارج شده‌است

این دشمن همان است که ۲۰ سال در ویتنام و افغانستان جنگید و دست آخر با سرافکنده‌گی بیرون رفت، در عراق و دیگر کشورها هم همین اتفاق یرای آنان افتاد. آنان یاد اعدا و ارباب وارد می‌شوند اما همواره با سرافکنده‌گی خارج می‌شوند. بنابراین، شکست دشمن حتمی است اما لازمه تحقق آن، برخورداری از درک روشن درباره وضعیت امروز جهان و ایستادگی و مقاومت ملت ایران است. امیر سرلشکر «امیر حاتمی»، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران روز گذشته در آیین دانش آموختگی دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، با تبریک به دانش آموختگان دانشگاه فاقوس آجا، اظهار کرد: در شرایط امروز، با توجه به تغییرات و تحولات رخ داده، مسئولیت ارتش جمهوری اسلامی ایران بدون تردید یک مسئولیت تعیین کننده است.



کشور وارد کند ولی شناخت و بصیرت عمیق، مانع تحقق این امر شد. امیر سرلشکر حاتمی تصریح کرد، ممکن است ما با اشکال دیگری از توطئه دشمن درباره وضعیت ایران اسلامی پرداخت و افزود دشمن تصور می‌کند که امروز ما در نقطه ضعف قرار داریم و او در نقطه قوت است. آدام‌گی ایستادگی و قوت ما، به دشمن می‌فهماند که اشتباه می‌کند و ایران بزرگ، قابل باعیده شدن نیست. امروز، در ایران اسلامی، میلیون‌ها سرباز، آماده جانشناسی در راه کشور هستند و بی‌شک بالاترین افتخار برای ما شهادت فی سبیل‌الله است.

وی در ادامه با اشاره به تلاش دشمن برای ایجاد نوعی «شبه کودتا در کشور» در جریان حوادث دی ماه، اظهار کرد: دشمن با محاسبات غلط خود، برنامه‌اش را در دی ماه اجرایی کرد ولی در نهایت باز هم شکست خورد هر چند که همه ما از عزادار کرد. انقلاب اسلامی، پاسخی قوی و دندان‌شکن به دشمن داده شد.

امیر سرلشکر حاتمی با بیان اینکه اقدامات دشمن در قالب برنامه‌ای تحت عنوان «سپایش راهبردی» است، گفت: تلاش دشمن در حقیقت آن است که هر بار با اقداماتش، ما را ضعیف‌تر کند ولی با توجه به اطلاع ما از برنامه کلی دشمن، مانع تحقق این امر خواهیم شد. دشمن می‌خواهد مردم را خسته و فرسوده کند، بنابراین می‌کوشیم مانع آن شویم و قطعاً در این مسیر موفق خواهیم شد. وی ادامه داد: دشمن در صدد است هزینه خدشه دار شدن تمامیات راضی را همچون برخی کشورهای منطقه به ما تحمیل کند اما بیاند و آگاه باشد که ملت ایران با انگیزه ممل خواهد ایستاد و اجازه نخواهد داد این زنده شوم اجرایی شود. فرمانده کل ارتش گفت: عدم قطعیت‌های، نصرت است و قطعاً شامل حال ما خواهد شد، چرا که با اخلاص تمام، فقط برای جلب رضای خدا، اقدام می‌کنیم. وی با تأکید بر اینکه ادامه رسالت راه و آرمان شهدا، همواره بر دوش ماست و ما می‌دانند که دروغه اصلی آنها حفظ امنیت منطقه برای آزادی قدس و گرفتن حقوق مردم مظلوم فلسطین می‌باشند.

وی با اشاره به سابقه ۴۶ ساله فعالیت‌های ستاد افزایش داده است، رئیس ستاد روز جهانی قدس با تأکید بر بیماری جهانی به‌دنبال عملیات طوفان الاقصی تصریح کرد: این بیماری سرزمه‌ای‌از نشمند است که آن شاه‌الله استمرار خواهد داشت؛ شرایط بسیار وخیمی در ابعاد مختلف بر رژیم صهیونیستی

تحمیل شده و جریان مقاومت به ویژه مردم غزه علی‌رغم آسیب‌ها همچنان پای آرمان فلسطین ایستاده‌اند. شریف تأکید کرد: رژیم صهیونیستی به هیچ یک از اهداف اعلامی خود نرسیده و حماس همچنان پابر جامست و مردم غزه پشتیبان این جنبش هستند و رهبران آن مصمم به ادامه مبارزه برای آزادی قدس و گرفتن حقوق مردم مظلوم فلسطین می‌باشند. رئیس ستاد روز جهانی قدس خاطر نشان کرد: خاطر ه دیوار بلند بتنی و عملیات برق آسای گذشته هنوز در ذهن عمومی باقی است و تکرار آن با تفاوت‌هایی در حال وقوع است. فلسطینی‌ها بار الهه قوی، حمایت امت اسلامی و عنایت خداوند متعال به پیروزی خواهند رسید.

لباس‌های متحدالشکل، اقدام به سردادن شعارهای ساختارشکنانه و همچنین به آتش کشیدن پرچم جمهوری اسلامی ایران کردند که با دخالت – اگر چه در هنگام – حراست دانشگاه‌ها، و همچنین حضور مسئولانه دانشجویان انقلابی دانشگاه، مانع از فتنه‌انگیزی آنها شدند. اما خبرگزاری ایسنا و پس از آن کنال روزنامه ایران، اقدام به انتشار اطلاعاتی‌های منتسب به انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف کردند که در آن ادعا شده بود برخی ناهنجاری‌های خارج از دانشگاه تماس‌هایی با دانشجویان باطرقایب و خانواده‌های آنها گرفته یا تهدید کرده‌د که به دانشگاه ممنوع الورد شده‌اند.

اکنون این سؤال اساسی مطرح است که برای رسانه‌ای که از بیت‌العمل و هزینه‌های دولتی پشتیبانی می‌شود، دعوت به آرامش و مرزبندی با فتنه‌گران اصل است یا همسرایی باشتی با مردم و تغه سلطنت‌طلبی که ملت ایران با انقلاب ۵۷ که اتفاقاً دانشجویان از پیششار آن حرکت انقلابی بودند، آنها را به زباله‌ان تاریخ فرستادند؟ ایسنا اگرچه روز گذشته اقدام به حذف این خبر تحریک‌آمیز کرد، چیزی از گناه و خطای مدیران آن کم نمی‌کند. چند روز پیش هم علاء الدین بروجردی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در انتقاد از فعال وزارت علوم در برخورد با اغتشاشگران رسوخ کرد در برخی دانشگاه‌ها، تأکید کرده بود باید وزیر نسبت به این بی‌تفاوتی و افعال پاسخگو باشد.

به دشمن می‌فهمانیم ایران قابل بعیدن نیست

عضو شورای دفاع در ادامه به مسئله تغییر تصور دشمن درباره وضعیت ایران اسلامی پرداخت و افزود دشمن تصور می‌کند که امروز ما در نقطه ضعف قرار داریم و او در نقطه قوت است. آدام‌گی ایستادگی و قوت ما، به دشمن می‌فهماند که اشتباه می‌کند و ایران بزرگ، قابل باعیده شدن نیست. امروز، در ایران اسلامی، میلیون‌ها سرباز، آماده جانشناسی در راه کشور هستند و بی‌شک بالاترین افتخار برای ما شهادت فی سبیل‌الله است.

وی در ادامه با اشاره به تلاش دشمن برای ایجاد نوعی «شبه کودتا در کشور» در جریان حوادث دی ماه، اظهار کرد: دشمن با محاسبات غلط خود، برنامه‌اش را در دی ماه اجرایی کرد ولی با توجه هم شکست خورد هر چند که همه ما از عزادار کرد. انقلاب اسلامی، پاسخی قوی و دندان‌شکن به دشمن داده شد. وی ادامه داد: دشمن در صدد است هزینه خدشه دار شدن تمامیات راضی را همچون برخی کشورهای منطقه به ما تحمیل کند اما بیاند و آگاه باشد که ملت ایران با انگیزه ممل خواهد ایستاد و اجازه نخواهد داد این زنده شوم اجرایی شود. فرمانده کل ارتش گفت: عدم قطعیت‌های، نصرت است و قطعاً شامل حال ما خواهد شد، چرا که با اخلاص تمام، فقط برای جلب رضای خدا، اقدام می‌کنیم. وی با تأکید بر اینکه ادامه رسالت راه و آرمان شهدا، همواره بر دوش ماست و ما می‌دانند که دروغه اصلی آنها حفظ امنیت منطقه برای آزادی قدس و گرفتن حقوق مردم مظلوم فلسطین می‌باشند.

امیر سرلشکر حاتمی با بیان اینکه اقدامات دشمن در قالب برنامه‌ای تحت عنوان «سپایش راهبردی» است، گفت: تلاش دشمن در حقیقت آن است که هر بار با اقداماتش، ما را ضعیف‌تر کند ولی با توجه به اطلاع ما از برنامه کلی دشمن، مانع تحقق این امر خواهیم شد. دشمن می‌خواهد مردم را خسته و فرسوده کند، بنابراین می‌کوشیم مانع آن شویم و قطعاً در این مسیر موفق خواهیم شد. وی ادامه داد: دشمن در صدد است هزینه خدشه دار شدن تمامیات راضی را همچون برخی کشورهای منطقه به ما تحمیل کند اما بیاند و آگاه باشد که ملت ایران با انگیزه ممل خواهد ایستاد و اجازه نخواهد داد این زنده شوم اجرایی شود. فرمانده کل ارتش گفت: عدم قطعیت‌های، نصرت است و قطعاً شامل حال ما خواهد شد، چرا که با اخلاص تمام، فقط برای جلب رضای خدا، اقدام می‌کنیم. وی با تأکید بر اینکه ادامه رسالت راه و آرمان شهدا، همواره بر دوش ماست و ما می‌دانند که دروغه اصلی آنها حفظ امنیت منطقه برای آزادی قدس و گرفتن حقوق مردم مظلوم فلسطین می‌باشند.

وی با اشاره به سابقه ۴۶ ساله فعالیت‌های ستاد افزایش داده است، رئیس ستاد روز جهانی قدس خاطر نشان کرد: خاطر ه دیوار بلند بتنی و عملیات برق آسای گذشته هنوز در ذهن عمومی باقی است و تکرار آن با تفاوت‌هایی در حال وقوع است. فلسطینی‌ها بار الهه قوی، حمایت امت اسلامی و عنایت خداوند متعال به پیروزی خواهند رسید.

آرزی مجال دون کیشوت قمار باز



سیدعبدالله متولیان

کارشناس سیاسی

ویتکاف از «حیرت» ترامپ می‌گوید:

رئیس‌جمهور امریکامتعجب‌است از اینکه ایرانی‌ها با دیدن نساوگان جنگی‌اش زانو نزده و برای تسلیم شدن صف‌نکشیده‌اند. انگار نه انگار که اینجا سرززمینی است که ۴۷ سال پیش با «هرگ بر امریکا» متولد شد. دون کیشوت کاخ سفید باز هم به جنگ آسیب‌های بادی رفته‌است. ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ، این روزها در مصاحبه با فاکس نیوز از «حیرت»

رئیشش برده برداشته: «ترامپ متعجب است چرا ایرانی‌ها با این حجم از فشار و قدرت در برایی که مستقر کرده‌ایم، نیامده‌اند بگویند ما سلاح هسته‌ای نمی‌خواهیم.» گویی در جهان بینی متوهمانه کاخ سفید «تسلیم شدن» تنها گزینه ممکن برای ملت‌هاست.

این حیرت، اما ریشه در نشناختن دارد. ترامپ طرفی که روبه‌روی او پای میز مذاکره نشسته را نمی‌شناسد، که اگر می‌شناخت، خاطر ه چهار دهه پیش مربوط به رهبر ایران را مرور می‌کرده؛ وقتی هانس دتیرش گنشر، اسطوره بی‌نظیر دیپلماسی آلمان پس از جنگ جهانی دوم، پس از دیدار با رئیس‌جمهور وقت ایران با چهره‌های برافروخته به قائم‌مقام وقت وزارت خارجه گفت «من روزمه او را خوانده‌ام و اثری از آموزش‌های کلاسیک مذاکره ندیده‌ام، اما او در این دیدار چند بار پشت مرا به خاک مالید و امتیاز گرفت. این هنر از کجا یاد گرفته‌است؟»

گنشر که بود؟ معمار اتحاد دو آلمان، کسی که دیوار برلین را فرو ریخت و آلمان را از قیمومیت امریکا و شوروی نجات داد. مردی که با هر ببری و هر شخصیت برجسته سیاسی جهان مذاکره کرده بود، پشتش را به خاک مالیده و امتیاز گرفته بود. اما در برابر آن چهره آرام آشنا به قرآن، در مانده شد. پاسخ آن روزر بودش: «این هنر در پناه اعتقاد قلبی و باور به نصرت الهی به دست می‌آید؛ آرامشی که از انس با قرآن گرفته، هرگز اجازه مرعوب شدن در برابر هیچ قدرتی را نمی‌دهد.»

حالا، چهار دهه بعد، همان شخصیت، امروز در جایگاه ولایت فقیه، تجربه‌ای چهل ساله از مواجهه با شیطان بزرگ را پشتوانه دارد. ترامپ در فنون مذاکره و درک واقعیت، انگشت کوچک گنشر هم نمی‌شود، اما با تکیه به بافت‌های کتاب خود: «هنر معامله» (The art of the deal) با در میدان جنگ دیپلماسی با ایران گذاشته است. قماربازی که با تشدید فشار اقتصادی، لفاظی، رسانه‌ای و نمایش ناو و تجهیزات نظامی، خیال مرغوب‌سازی و تسلیم کردن ایران را در سر می‌پروراند، بی‌شکتاب به دون کیشوتی نیست که با آسیب‌های دی می‌جنگید.

نکته مضحک ماجرا اینجاست؛ ویتکاف می‌گوید «ایرانی‌ها ممکن است یک هفته تا دستپایی به مواد ساخت بمب فاصله داشته باشند.» «خب اولاً این ادعا، سند رسوایی و بیانگر افشای دروغ شماسه که پیش از این ۲۱ بار بی‌بودی تمام درون هسته‌های ایران را در بوق و کرنا زده بودید، لاینا اگر یک هفته مانده پس این همه فشار برای چیست؟ و دیگر تهدید و تحریم چه معنایی دارد؟ مگر نه اینکه بازاندگی ایران دقیقاً در همین «توان بالقوه» و «راهه با بقلع» برای دفاع از خود خلاص می‌شود؟

ایران امروز (و این متکی به خیاباوری و نصرت الهی و خودباوری ملی) درایی‌های راهبردی ارزشمندی دارد؛ دانش هسته‌ای بومی، قدرت دفاعی و توان روشکی بازدارنده، و مهم‌تر از همه، سر مایه اصلی که همان ملتی است که ۴۷ سال مقاومت تاریخی کرده است. این‌ها بازراه‌های چانه‌زنی در میز مذاکره نیستند؛ این‌ها خطوط قرمز ملت شجاع و تمدن ایران است. دون کیشوت متوهم قرن ۲۱ باید داننا این فرمایش رهبر معظم انقلاب را در برابر خود ببیند که: «چه شما چه» و «هفتی‌سازی باید ادامه یابد.» دوران محاکمه و ابلاغ بکحرفه خواسته‌ها سپری شده است. امروز مذاکره اگر معنایی داشته باشد، بر اساس احترام متقابل و «یک قدم در برابر یک قدم» و رف نگرانی‌های دوجانبه است. بحث توانمندی هسته‌ای ایران در برابر بحث خروج امریکا از منطقه؛ این یعنی توازن واقعی قدرت، نه تسلیم در برابر زورگویی. تنها نقطه آسیب‌پذیر ایران در این میدان، نه تهدید و تحریم و نه ناوهای امریکا، بلکه جریان غرب باور داخلی است؛ همان‌ها که با پندآم و عوب قدرت با مجذوب زرق و برق مطلا و اغراق آمیز غرب شده‌اند، با به عنوان نفوذی، ضرورت سازش را در جامعه القامی کنند. آرزی دون کیشوت برای تسلیم شدن ایران، مجال است و برای امریکا نتیجه فراتر از جنگ با آسیب‌های بادی در بی نخواهد داشت. او باید بی‌پذیرد که طرف گفت‌وگویش مردمی هستند که «هرگ بر امریکا» و در واقع «هرگ بر زورگویی و سلطه طلبی» را فریاد زده و با این ایستادگی و تفاوت‌هایی با اهداف مقدس شهدا هستیم، تصریح کرد: ما در آتش، بار الهه قوت تاریخی خود، از استقلال، تمامیات راضی و نظام جمهوری اسلامی ایران تا آخرین نفس، دفاع خواهیم کرد.

گزیده‌خبر



مادر حاج احمد متولیان آسمانی شد

مادر جاویدالتر حاج احمد متولیان در شب پنجم ماه مبارک رمضان آسمانی شد.

حاجیه خاتم معصومه حسین‌زاده، مادر جاویدالتر حاج احمد متولیان، پس از ۴۳ سال چشم انتظار برای دیدار فرزندش، در شب پنجم ماه مبارک رمضان، آسمانی شد.

رئیس‌جمهور در پیامی با تسلیت درگذشت‌مادر بزرگوار سردار جاویدالتر حاج احمد متولیان، برای آن اسوه‌سیر و ایمان علو در جات و همشسنتی با صالحان و برای بازماندگانش تسلی خاطر و سلامتی مسلت کرد. در پیام دکتر مسعود پزشکیان آمده است: درگذشت حاجیه خاتم معصومه حسین‌زاده، مادر بزرگوار سردار جاویدالتر حاج احمد متولیان را به خاندان معزز متولیان و عموم بستگان آن مرحومه تسلیت می‌گویم. این عزت و مجاهدت در این سرزمین به ویژه در دوران دفاع مقدس پیوند است. اینجانب در این ماه نورانی، از درگاه خداوند متعال برای آن اسوه‌سیر و ایمان علو در جات و همشسنتی با صالحان و برای بازماندگانش تسلی خاطر و سلامتی مسلت دارم. رئیس قوه قضائیه، هم در پیامی، درگذشت والده مکرمه حاج‌الکریم احمد متولیان را تسلیت گفت. سرلشکر محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم با صدور پیامی ضمن تسلیت درگذشت حاجیه خاتم معصومه حسین‌زاده، والده مکرمه جاویدالتر بسردار حاج احمد متولیان نوشت: این‌مادر صبور، سالیان متمدای با ایمانی قلبی و اهدی از امید، رنج فرقی فرزند مجاهد و انقلابی خویش را تحمل کرد و با صبری زینبی، جلوه‌ای ماندگار از استقامت و وفاداری و به آرمان‌های انقلاب اسلامی را به نمایش گذاشت. دلمان پاک او پرورش‌دهنده سردار پرافتخاری بود که نامش در تاریخ عزت و مقاومت این سرزمین جاودانه است.

اگر در دهه چهل و پنجاه با جنبش‌های دانشجویی‌ای مواجه بودیم که با شعارهای چپ و آموزه‌های کمونیستی به مقابله با انقلاب نوپای اسلامی برمی‌خاستند، حالا با جمعیتی مواجهیم که با ارتجاع سلطنت و ابتذال فحاشی به دنبال مقابله با درخت تنومند انقلاب اسلامی ایران است!

این روایت هر شاهد عینی از دانشگاه تهران است؛ پردیس مهر گزی، جلوی دانشکده فنی این چند روز شلوغ‌تر از همیشه بود. شعارها ساختار شکنانه، الفاظ رکیک، پرتاب سنگ و بطری و زد و خورد از طرف کسانی که همه‌شان ماسک به صورت زده‌اند، انگشت میانه دستشان را به نشانه فحاشی رو به جمعیت مقابل تکان تکان می‌دهند و در جمع‌های مختلط هم با بی‌ای از فحاشی و اشاره به اسافل اعضای خود تدارکند! این طرف اما جمعیتی انبوه با شعارهایی نظیر «حیدر حیدر»، «یا مرگ یا خامنه‌ای»، «بی‌وطن بی‌وطن»، «سعی می‌کنند وحشیگری‌های گروه اندک و گستاخ مقابل را کنترل کنند تا آسپیی به کسی نرسد. وسط جمعیت یکی از بچه‌ها می‌گفت دیروز چشم یکی از دوستانم را آوردند، امروز تا چشم‌شان را در نیاروم، کوتاه نمی‌آیم. مسئول بسیج جلوی او گرفت و گفت هر کاری را که آنها کردند که ما نیاید تکرار کنیم؛ همینجا وایسا و فقط شعار بده تا جلوی سرد در نروند. منظورش جلوی سرد در دانشگاه تهران بود، چرا که آن جمعیت قلیل و گستاخ از همان اول می‌خواست خودش را جلوی سرد در دانشگاه تهران برساند تا رهگدران خیابان انقلاب را به تماشا وادارد و خوراکی جدید برای اینترنشنال بسازد.

■ ■ ■

روز گذشته هم دانشگاه‌ها شلوغ بود، اما کمتر از روزهای قبل. یک نضارت ولی ملموس بود؛ جمع‌تادوشنبه در مقایسه با تجمعات یک‌شنبه کمتر شده‌بود، اما هنگامی‌ها زد و خوردهابیشتر به چشم می‌آمد شعارهای ساختار شکنانه به قدری عجیب و غریب بود که حتی نوشتن آنها هم در اینجا نمی‌گنجد. آتش‌زدن پرچم هم از دستشان برمی‌آمد، اگر پسران و دختران بسیجی لطف‌های حواس‌شان برت می‌شد.

دو، سه روزی می‌شود که فضای دانشگاه تهران هم مثل چند دانشگاه دیگر شلوغ است. نکته جالب توجه‌تادوشنبه گذشته در دانشگاه تهران این بود که حراست دانشگاه، به‌جای اینکه جلودار هتاک‌های‌ها و پرتاب کردن سنگ و بطری و بی‌بسیج‌های جمعیت ماسک‌زده باشد، جلودار بچه‌های بسیج شده‌بود و مدام بر سر آنها فریاد می‌زد «آنها را عصبانی نکنید، آنها دنبال همین عصبانی کردن شما هستند»

خوشننداری بچه‌هایی که پرچم ایران به دست داشتند به حدی رسیده‌بود که ماسک‌زن‌ها را جسورتر کرده‌بود. آنها دانشگاه را با چاله میحاش اشتباه‌گرفته‌بودند، صد رحمت به چاله میدان فحاشی رکیک‌بسه دختران چادری، یقه‌گیری غلیی و تک‌کاری با ادوات در دست، جز نایب سمیت اندکی نمی‌گفته‌بود که انگار گذشته‌گرفته بودند، فضای دانشگاه را ملتهب کنند. به‌رغم همه این شلوغ‌کاری‌ها، کلاس‌های دانشگاه‌دایر بود. جمعیت

ما ایرانی‌ها مردمی خیر هستیم. مشارکت در انجام کارهای خیر و عام‌المنفعه با گوشت و خون مردم کشورمان آمیخته شده‌است. این موضوعی است که بارها در طول تاریخ این سرزمین اثبات‌شده و حالا هم با آمار و ارقامی که رئیس سازمان بهزیستی می‌دهد می‌توان دریافت حتی در شرایط سخت اقتصادی کنونی مردم پای‌هم رویکرد نیکوکارانه‌شان را حفظ کرده‌اند، چراکه به گفته‌وی امسال مشارکت‌های مردمی ۵۶ درصد رشد داشته‌است و مردم کشورمان تقصان در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بالغ بر ۸۱ میلیارد تومان کمک مردمی برای حمایت از افراد آسیب‌دیده به بهزیستی کمک کردند. همچنان‌کنه ایرانی‌ها همیشه در فراخوان‌ها برای شرایط خاصی همیشه مردم به صف می‌شوند و نه فقط برای هموطنان خود بلکه برای هموعان خود در سایر کشورها، آستین بالا می‌زنند.

■ ■ ■

سید جواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی کشور در نشست خبری خود ضمن تأکید بر این ویژگی ایرانی‌ها گفت: «بارها تأکید کرده‌ایم که تمایل به کار خیر در جامعه وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که حدود ۶۲ درصد مردم ایران در طول سال دست‌کم یکبار اقدام خیرخواهانه انجام داده‌اند، اما تنها حدود ۱۱ درصد این کمک‌ها در قالب شکل یافته و سازمان‌یافته صورت می‌گیرد. برش اساسی این است که سازمان چگونه می‌تواند این تمایل عمومی را به مشارکت پایدار و ساختاری تبدیل‌کند.»

■ **۸۱ میلیارد تومان کمک مردمی برای حمایت از افراد آسیب‌دیده جذب شد**

به‌گفته‌رئیس سازمان بهزیستی کشور هم‌زمان با شرایط ناشی از جنگ ۱۲ روزه، بالغ بر ۸۱ میلیارد تومان کمک مردمی برای حمایت از افراد آسیب‌دیده جذب شد. این تجربه نشان داد که در صورت سازماندهی و موعق و

گزارش میدانی و تحلیلی «جوان» از حوادث روزهای اخیر در برخی دانشگاه‌ها

نفوذ ارتجاع و ابتذال در دانشگاه

دم‌زدن از یک بازمانده‌ی رژیم‌های منحوس و عامل عیان موساد، فحاشی و اسم‌آوردن از اسافل اعضا در جمع‌های مختلط و نگاه‌های فاشیستی که در میان گروهی از دانشجویان

در حوادث روزهای اخیر به هم پیوند زده شد، حقاً که ترکیب درستی از ابتذال و ارتجاع بود و این نمی‌تواند پرچم یک دانشجویی اندیشه‌ورز و سوادآموز باشد

بلکه بیشتر به یک دسته‌از کسانی می‌ماند که مقهور پروژه نفوذ و باز یچه‌ی دست ارتجاع و ابتذال شده‌اند



دانشگاه‌های تهران سیاست‌های استعماری امریکا را محکوم کردند

برائت از دشمن، حمایت از وطن

جمهوری اسلامی را از قائل رفیع نهاد دانشگاه پایین‌بیاورد. «

هم‌زمان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف هم با حضور در صحن دانشگاه، سیاست‌های امریکا و رژیم صهیونیستی و اقدامات آشوب‌زآ را محکوم کرده، نماز ظهر را اقامه و با خواندن سرود «در روح و جان من می‌مانی ای وطن» همبستگی خود را ابراز کردند. دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، انزجار خود را از سیاست‌های امریکا و رژیم صهیونیستی اعلام کرده و اقدامات آشوب‌زا و

مختل‌کننده درون دانشگاه را محکوم کردند. هم‌زمان با اذان ظهر، دانشجویان نماز ظهر و عصر را اقامه کردند سپس شرکت‌کنندگان با خواندن سرود و شعر «در روح و جان من می‌مانی‌ای وطن» فضای همدلی و وطن‌دوستی را تقویت کردند.

دانشجویان دانشگاه تهران هم روز گذشته با حضور خودجوش در صحن مهر گزی، نماز جماعت ظهر و عصر را اقامه کردند. بر اساس این گزارش، دانشجویان دانشگاه تهران با در دست داشتن پرچم‌های ایران به صورت خودجوش در محوطه دانشگاه تهران حضور یافتند و نماز ظهر و عصر را در صحن مهر گزی این دانشگاه به اقامت یکی از دانشجویان اقامه کردند.

اصیل و انقلابی بافشاری کردند و نگذاشتند جمعیت هوچیگر شلوغ‌کاری را بیشتر از حد بگیرند. این وضعیت در سایر دانشگاه‌های مطرح هم به همین منوال بسود. عده‌ای برهیا‌هو با ساختار شکنی سعی

رشد ۵۶ درصدی مشارکت‌های مردمی

هم‌زمان با شرایط ناشی از جنگ ۱۲ روزه، بالغ بر ۸۱ میلیارد تومان کمک مردمی برای حمایت از افراد آسیب‌دیده جذب شد

■ **احداث یا تکمیل ۴۵۰ واحد مسکونی نیمه‌کاره** حسینی با اشاره به ظرفیت بالای مشارکت‌های مردمی در کشورمان ادامه داد: «به همین منظور، در ماه مبارک رمضان سال جاری، بر نامه‌ها با عدد و رقم مشخص در سطح استان و شهرستان اعلام شد. از جمله احداث یا تکمیل ۴۵۰ واحد مسکونی نیمه‌کاره، تهیه ۴ هزار و ۸۰۰ سری جهیزیه برای فرزندان ترخیص شده و در آستانه از دواج و تأمین ۲ هزار و ۴۰۰ دستگاه ویلچر، سهم هر استان و شهرستان بر اساس برش استانی تعیین و اجرای آن به‌صورت هدف‌مند پیگیری شد. همچنین مقرر شده‌است گزارش دقیق میزان مشارکت و نحوه هزینه‌بر کرده، به‌صورت شفاف در اختیار مردم و رسانه‌ها قرار گیرد.» به‌گفته رئیس سازمان

بهزیستی کشور در حوزه زیرساخت‌های فناوریانه نیز تحول مهمی رخ داده‌است. تا دو سال گذشته، سازمان

بهزیستی فاقد سکوی اختصاصی برای جذب مشارکت بود، اما اکنون «مشارکت، بهزیستی» به‌عنوان سکوی ملی جذب‌نیتهای عام، کمک‌های نقدی و غیرنقدی و داوطلبی راه‌اندازی شده‌است. در گام بعد، سامانه جامع جلب و جذب مشارکت‌ها نیز در دست تکمیل است که پیش‌بینی می‌شود تا تابستان ۱۴۰۵ به بهره‌برداری کامل برسد.

در این سامانه، هر فرد نیکوکار دارای پروفایل اختصاصی خواهد‌بود‌ومی‌تواند مشاهده‌کند.مشارکت او‌اعم از نقدی، غیرنقدی یا خدماتی-در کدام استان، شهرستان و حوزه هدف هزینه شده‌است. همچنین طراحی «نقشه جامع مسئولیت اجتماعی» در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها آغاز شده و تاکنون در پنج استان اجرا شده‌است تا ظرفیت‌های اجتماعی هر منطقه به‌صورت هدف‌مند فعال شود.

■ **رشد ۵۶ درصدی کمک‌های مردمی** بنا به تأکید رئیس سازمان بهزیستی کشور بر اساس گزارش عملکرد ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۴،

از فضای آموزشی و پژوهشی دانشگاه و همچنین صیانت از دانشجویان دو وظیفه راهبردی مدیریت آموزش عالی است و وزارت علوم اجازه نمی‌دهد فحاشی و خشونت که منافی فضای نقد و گفت‌وگو است در دانشگاه‌ها شکل بگیرد. وی در ادامه گفت: شورا‌های انضباطی با رفتارهای مغایر ارزش‌های دانشگاهی و نیز ساختار شکنانه‌از جمله فحاشی برخورد قانونی می‌کنند.

رئیس سازمان امور دانشجویان با اشاره به این‌که شرایط امروز کشور نیازمند مواجهه مسئولانه دانشجویان است، اظهار کرد: امروز در شرایطی که کشور در معرض یک تهدید خارجی است و صیانت از ایران رسالت جامعه دانشگاهی است شورا‌های انضباطی به وظیفه ذاتی خود در زمینه صیانت از آرامش دانشگاه عمل خواهند کرد.

وی با اشاره به شکایاتی که بابت رفتار تعداد معدودی از دانشجویان در روزهای اخیر به شورا‌های انضباطی دانشگاه‌ها رسیده و با رعایت عدالت در حال رسیدگی است، تأکید کرد: در این راستا برخی دانشجویان احضار شده‌اند و موارد اتهامی به آنها ابلاغ شده‌است. در نهایت ضوابط قانونی و مستندات مبنای قضاوت خواهد بود.

معاون وزیر علوم خاطر نشان کرد: با توجه به شکایات متعددی که به شورا‌های انضباطی رسیده و همچنین موارد نقض قوانین که رخ داده‌است، شورا‌های انضباطی به‌طور جدی در حال رسیدگی هستند و از سازوکارهای قانونی جهت صیانت از فضای دانشگاه و حفظ آرامش نهاد علم استفاده می‌کنند.

حییبا با اشاره به این‌که فعالیت اعتراضی در دانشگاه مجاز است به شرط آن‌که قوانین و مقررات دانشگاه رعایت شود و متضمن توهین، فحاشی و افترا نباشد، گفت: شان دانشگاه ایجاب می‌کند تارزش‌های نهاد علم مانند احترام و آزادی رعایت شود، متأسفانه شمار اندکی از دانشجویان که عمدتاً از ورودی‌های امسال بوده‌اند از ارزش‌های دانشگاهی تخطی داشته‌اند و به همین جهت احضار شده‌اند. وی در ادامه گفت: فحاشی و خشونت دو خط قرمز دانشگاه هستند و همه دانشجویان با هر گرایش و سلیقه‌ای موظف به رعایت ادب، احترام و شنو‌نات دانشگاهی می‌باشند، اگر حرمت دانشگاه رعایت نشود دانشگاه صدمه می‌بیند.

رئیس سازمان امور دانشجویان با تأکید بر این‌که همه ما دافعان جوانان از دست رفته هستیم و سوگواریم خاطر نشان کرد: دانشگاه‌هایی که دانشجویی از دست‌داده‌اند آیین گرمیاشدند را مطابق عرف و سنن ایرانی بر گزار می‌کنند، اما نباید جان از دست رفته عزیزانمان بهانه‌ای برای رفتارهای خلاف اخلاق و آداب دانشگاهی عده‌ای معدود شود. معاون وزیر علوم در پایان تأکید کرد: تمام تلاش من و همکارانم این است که اولاً از سلامت تک‌تک دانشجویان مراقبت کنیم و دوم ننگاریم فعالیت آنها در دانشگاه سبب عقوبت و پیگیری قضایی شود سازوکارهای داخل دانشگاه نسبت به سازوکارهای قضایی مناسبت‌تر و بسیار ملایم‌تر است، اما ما زمانی می‌توانیم از ورود دسته‌های قضایی به تخلفات دانشجویان جلوگیری کنیم که شورا‌های انضباطی به وظیفه قانونی رسیدگی به تخلفات عمل کنند. از این‌رو مطابق ضوابط به تخلفات اخیر به صورت فوری رسیدگی می‌شود.

درسلك آفتاب سترگ‌شنبه مهدی مولایی



جای خالی رنگ تاریخ!

«پهلوی برمیگرده!» این یکی از شعارهایی است که در تجمعات چند روز اخیر عده معدودی از دانشجویان در برخی از دانشگاه‌های تهران سر داده شد. تجمعاتی با اقدامات خشونت‌آمیز، فحاشی‌های رکیک و بلند کردن پرچم شیروخورشید در صحن دانشگاه‌های دولتی ایران. با شعارهایی که نه تنها در نقد وضع موجود، بلکه با رویکردی مضحک مطالبه بازگشت و ارتجاع به نظام معدوم شاهنشاهی بود. هر چند این تجمع‌ها از نظر تعداد شرکت‌کنندگان گسترده نبود، اما از حیث معنا و دلالت اجتماعی، برشی جدی‌راپیش‌روی جامعه فرهنگی و آموزشی کشور قرار داد؛ چگونه بخشی از نسل دانشگاهی، که باید آگاه‌ترین لایه جامعه تلقی شود، به تصویری آرمانی از گذشته‌های تاریخی گرایش پیدا می‌کند که روایت‌های مستند، چهره‌ای استبدادی، سرکوبگرآیانه و تاریک‌ان ارائه می‌دهند؟

پس‌خ این برش‌را شاید در «جای خالی تاریخ» باید جست‌وجو کرده‌خلنی اثرگذار که سال‌هاست در نظام آموزشی ما شکل گرفته و اکنون نشانه‌های خود را آشکارتر از همیشه نشان می‌دهد. تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه دوره پادشاهی پهلوی، از جمله مقاطعی است که فهم آن نیازمند آموزش دقیق، چندلایه و مبتنی بر اسناد است. این دوره تاریخی مجموعه‌ای از رخداد‌های سیاسی، نقض آزادی‌های مدنی، وابستگی شدید خارجی و سرکوب داخلی معترضان بوده‌است که پرداختن به همه آنها نیازمند آموزشی مستمر در کتب درسی است. با این حال، آموزش رسمی تاریخ غالباً یا به روایت‌های فشرده و گذرا محدود شده یا از پرداختن تحلیلی و گفت‌وگومحور به آن پرهیز کرده‌است. نتیجه آن شده است که نسل جدید، به‌جای مواجهه با حقیقت تاریخ، با روایت‌های گزینشی، پرآکنده و برساخته در فضای مجازی و رسانه‌ای، مواجه شده‌است. دانشجویی که تجربه زیسته‌ای از این دوران ندارد و در کلاس درس نیز با بررسی مستند و تفانکه آن آشنا نشده، طبیعی است که تاریخ را نه از مسیر پژوهش و مطالعه حقایق دوران استبداد، بلکه از دریچه تصویرسازی‌های نوستالژیک دریافت کند. در چنین فضایی، تاریخ معاصر به سرزمینی خیالی و مدینه فاضله تبدیل می‌شود؛ جایی که مشکلات امروز در آن دیده نمی‌شود و تنها ظواهر توسعه و پیشرفت و حرکت خیالی به سوی تبدیل شدن به زاپن دیده می‌شود؛ ابی آنکه سخنی از محدودیت‌های سیاسی، فقدان آزادی‌های اساسی، سانسور گسترده، شکنجه مخالفان در مقرهای مخوف ساواک، وابستگی به کشورهای غربی، فلاکت طبقات مردم و عیش و نوش دربار نشین‌هازه‌دود.

دانشجوی معترض ایرانی، که با بسط‌ید و خیال راحت در دانشگاه تجمع می‌کند، فریاد مرگ برای نظام اسلامی سر می‌دهد، پرچم معارض با پرچم رسمی کشور بلند می‌کند و به اموال دانشگاه آسیب می‌زند و تصورزدگی در نظام دیکتاتوری دارد و آرزوی بازگشت پهلوی می‌کند، از وقایع عصر پهلوی بی‌اطلاع است. او واقعه یورش کماندوها و چتر‌های ارتش به دانشگاه تهران در یکم بهمن ۱۳۴۰ را نشنیده. در بهمن ماه آن سال وقتی دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به تداوم تعطیلی مجلس، در دانشگاه تجمع کرده و به کلاس درس نرفتند، کماندوها و نیروهای ویژه ارتش از زمین و آسمان بر آنها فرود آمدند. دکتر احمد فرید، رئیس وقت دانشگاه تهران که پس از واقعه مذکور به همراه رؤسای ۱۲ دانشکده این دانشگاه استعفا کردند، در متن استعفانامه خود اینطور می‌نویسد «پس از حمله به دانشگاه، سربازان و چترپازان بدون فرق و تفاوت، یکسان به دانشجویان پسر و دختر حمله کردند، دانشجویان بسیاری را به قصد کشت مشروب نمودند. من هیچ‌گاه ندیده و نشنیده‌ام تا این حد بی‌رحمی، سادسیسم، خشونت و خرابکاری از ناحیه قوای دولتی اعمال شود.»

هو همچنین در شرح جنایات آن روز می‌نویسد: «هنگام کشتن در بناهای دانشگاه افضای نظیر هجوم قشون وحشی به خاک دشمن را در برابر چشمانمان مجسم ساخت. کتاب‌ها پار پار ه شده‌بودند، نیکمت‌های درس شکسته شده‌بودند، ماسکین‌های تحزیر شکسته‌شده و خرد شده بودند، تجهیزات آزمایشگاه‌ها خراب و غیرقابل استفاده شده‌بودند یا به سرفرت رفته‌بودند، حتی مجسمات دانشگاه از خرابکاری سربازان در امان نمانده‌بود و عده زیادی از سرپرستان و بیماران یا مشروب شده بودند یا مجروح.»

دانشجوی ایرانی نتنها از آموزش‌های لازم در تشریح چهره حقیقی حکومت پهلوی بی‌نصیب بوده بلکه گاهی با حضور استبدادی نظیر صادق زیباکلام در کلاس‌های درس دانشگاه، در معرض تظلمیر و سفیدشویی این رژیم جنایتکار قرار گرفت‌است. امروز بیش از هر زمان دیگری جای خالی مباحث صحیح تاریخی در نظام آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها احساس می‌شود؛ تا دانشجویانی که در تجمعات خود آشکارا فریاد بازگشت پهلوی سر می‌دهند بخوانند که حکومت مطلوبشان چه بلایی بر سر دانشجویان معترض همین دانشگاه آورده‌است!

گزارش ویژه

افزایش ۰/۶ درصدی معدل دبیرستانی‌ها

معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش با استناد بر گزارش‌های مرکز آمار ایران گفت: سال گذشته شاهد افزایش پوشش واقعی متوسطه اول از ۸۹/۷ به ۹۱/۷ درصد بودیم. در متوسطه دوم از ۷۹/۶ به ۸۲/۷ درصد رسیدیم. نرخ ترک تحصیل متوسطه اول از ۶/۴ به ۳/۳۹ کاهش یافت همچنین نرخ ترک تحصیل در متوسطه دوم نیز از ۲/۹ به ۱/۶۲ درصد کاهش یافت‌است. مصطفی آذری‌کلب با بیان اینکه ۷۳۶ منطقه آموزشی داریم، در سال گذشته شاهد افزایش پوشش واقعی در متوسطه اول از ۸۹/۷ درصد به ۹۱/۷ درصد بودیم. در متوسطه دوم از ۷۹/۶ درصد به ۸۲/۷ درصد رسیدیم. نرخ ترک تحصیل در متوسطه اول از ۶/۴ به ۳/۳۹ کاهش یافته‌است. در پنج استان دیگر -همچشمیتیم- همچنین نرخ ترک تحصیل در متوسطه دوم از ۲/۶ به ۱/۶۲ درصد کاهش پیدا کرد، یعنی شاهد بهبود شرایط بودیم.

خاتم بهناز حسن بیگی
(شماره ملی ۰۰۳۹۴۰۱۴۵۵۰۰)

کارشناس تحلیل کر سیستم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

با سلام و احترام

با عنایت به رای قطعی شماره ۹۴/هـ/س ب مورخ ۱۴/۱۱/۱۴۰۴ صادره از هیات سوم بدوی رسیدگی به **تخلفات اداری به اتهام غیبت غیر موجه متوالی از تاریخ ۰۶/۰۶/۱۴۰۴ لغایت ۰۴/۰۴/۱۴۰۴**، به مجازات توییخ کتبی با درج در پرونده پرسنلی محکوم گردیده اید. لذا آرای مذکور پس از انتشار در روزنامه کثیرالانتشار قطعی و لازم‌الاجرامی گردد.

م.الف: ۴۴۸۹
نشانه آگهی: ۲۱۴۸۰۵

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران آندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



نمازت دعوات می‌کنه

آیت‌الله مچهدی تهرانی (ره):

یه نماز اول وقت نخوندن، آدمو بیچاره می‌کنه، نماز نفرینت می‌کنه. سریع اول وقت نمازت رو بخون تا نماز دعوات کنه و همه کار و بارت درست بشه.



ایران امروز مدیون ایستادهی خامنه‌ای گبیر است

سیدامیرحسین هاشمی نوشت: از داغ ترک‌مانچای و گلستان تا شکست عباس‌میرزا از اشغال ایران در جنگ‌های جهانی تا جدایی بحرین در زمان پهلوی، دو قرن تلوان دادیم و زخمی شدیم، اما امروز ورق برگشته؛ معادله طوری تغییر کرده که ترامپ تا تصام هیمنه غربی اش می‌گه: «کنجکاکو چرا ابراینان تسلیم نمی‌شوند!» افتخار می‌کنم در عصری زندگی می‌کنم که وقتی آندگان تاریخ رخو می‌نویسند، خواهند گفت: «ایران امروز مدیون ایستادگی خامنه‌ای گبیر است!»



آرزو احمدی تویبست کرد: از آمریکا اومده جای که نهایت آرزوی غرب‌بزه‌هاست، ولی آرزوی خودش داشتن پاسپورت ایرانی بود. می‌گفت چون ایران امید مردم دنیاس.

کریس جنکسون، بسکت‌بالیست معروف لیگ NBAامریکا



یک کاربر نوشت: ویدئوی رقصی یکی از خانواده‌های جانب‌اخ‌تگان دی‌ماه، افتخاری ندارد که ضد انقلاب برای ما با آنها رجز می‌خواند! در تربیت دنیوی این افراد که زحمتی کشیده نشده است؛ لاقل برای آخرت آنها کمی تلاش شود، بلکه خداوند از سر نصیرات آنها بگذرد! این نمایش‌ها را هم برای خودتان نگه دارید؛ ما در دفاع مقدس و دفاع از حرم، مادرانی را دیدیم که خودشان کفن به تن فرزند می‌کردند و بعد از شهادت‌ش‌خم به ابرو هم نمی‌آوردند و فرزندان بعدی خود را نیز آماده اعزام می‌کردند!

رقص واقعی را فرزندان خمینتی و خامنه‌ای در برابر دشمن‌بعثی، صهیونی و داعشی در خطوط مقدم انجام دادند!



فواد ایزدی تویبست کرد: عکس آقای وزیر خزانه‌داری آمریکا و شوهرش: آقای وزیر با آقای جان فریمن در سال ۲۰۱۱ از دواج کردند. اسکا‌ت بسنت اخیراً گفته بود: «ما در ایران کمبود دلار ایجاد کردیم و این روند خیلی سریع به نتیجه رسید.» وزیر خزانه‌داری در آمریکا مسئول اعمال تحریم‌ها علیه مردم ایران است.

سه‌شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴ | ۶ رمضان ۱۴۴۷

گایران

روزنامه جوان | شماره ۷۵۲۲

چرا حمله به بیمارستان را تبلیغ می‌کنند



■ **حسین پاک**

در جنگ‌ها معمولاً بسیاری از تاکتیک‌ها دیگر محرمانه نمی‌ماند. طرف‌های درگیر به‌مرور الگوهای رفتاری یکدیگر را می‌شناسند. رژیم‌صهیونیستی‌سال‌هاست برخی تاکتیک‌ها را اجرا می‌کند، اما برای آنکه هزینه آن را در افکار عمومی جهانی نپردازد با عملیات‌ادراکی، دشمن را به همان اقدامات متهم می‌کند.

از حملات با گازهای ممنوعه در مناطق مختلف لبنان از جمله سفیر سفید که شخصاً با آن دست و پنجه نرم کرده‌ام تا پاشیدن موادسمی روی زمین‌های کشاورزی و حمله با اورانیوم ضعیف شده به مناطق مسکونی اینها یعنی از کارنامه‌ای است که بارها ثبت شده است، اما مهم‌تر از همه، ساخت زیرساخت‌های نظامی در پوشش مراکز درمانی است.

ممکن است، بپرسید مگر چنین چیزی امکان دارد؟ بله. رژیم‌صهیونیستی برخی بیمارستان‌ها را در سرزمین‌های اشغالی به‌گونه‌ای می‌سازد که بتواند از آنها استفاده نظامی و امنیتی ببرد. اساس برحسی پناهگاه‌های این رژیم در پناه بیمارستان‌هاست و این سیر انسانی در نگاه آنها ملامتی ندارد.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقرهای فرماندهی و کنترل گولانی و لشکر مفرهای فرماندهی که ترامپ تا تصام هیمنه غربی اش می‌گه: «کنجکاکو چرا ابراینان تسلیم نمی‌شوند!» افتخار می‌کنم در عصری زندگی می‌کنم که وقتی آندگان تاریخ رخو می‌نویسند، خواهند گفت: «ایران امروز مدیون ایستادگی خامنه‌ای گبیر است!»

ساخته شده‌اند. مفر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند. مفر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند. مفر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.

مقر اصلی فرماندهی جبهه شمال در زیر بیمارستان رامیام در حیفا قرار گرفته و مقرهای مرتبط با «آمان» نیز در کنار آن ساخته شده‌اند.



شهبالدین فروغی طی مطلبی در فضای مجازی با عنوان سراب صلح در تله «غنی‌سازی صفر»؛ چرا عقب‌نشینی، دعوت‌نامه رسمی جنگ است، نوشت:

■ **خطای استراتژیک در محاسبه هزینه - فایده**

در دنیای سیاست بین‌الملل، بزرگ‌ترین لغزش یک حاکمیت، درک نادرست از مفهوم «بازدارندگی» است. برخی تصور می‌کنند با واگذاری امتیازات بنیادین (مانند غنی‌سازی) می‌توان سایه جنگ را از سر کشور دور کرد، اما واقعیت سرد و یخ‌رحم تاریخ نشان می‌دهد که در برابر

یک قدرت سلطه‌گر، عقب‌نشینی نه تنها به صلح ختم نمی‌شود، بلکه «موتور مطالبات» رقیب را روشن‌تر می‌کند. گزاره «هسته‌ای می‌دهیم تا صلح کنیم»، آغاز فرآیندی است که در نهایت به «تحویلیت موشک‌ها و ورود جنگ به خاک ایران» ختم خواهد شد.

■ **تئوری «پرسش کابالمسی» و دومینوی خلق صلح**

امنظر روانشناسی سیاسی، واگذاری غنی‌سازی یک پیامد خطرناک دارد؛ تغییر ادراک دشمن از اراده ما، وقتی یک بازیگر از خط قرمز ۲۰ ساله خود عبور می‌کند، سیگنال «اسیب‌پذیری» مخایره می‌شود.

در استراتژی نظامی به این وضعیت «پرش کابالمسی» (Balmi Slicing) می‌گویند:

رقیب لایه‌های قدرت شما را یکی یکی جدا می‌کند. منطق ساده است: اگر امروز

حمایت کالیفرنیا از تغییر قواعد شبکه‌های اجتماعی

فرماندار کالیفرنیا از تعیین حداقل سن ۱۶ سال برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی حمایت کرد.

گاوین نیوسام، فرماندار ایالت کالیفرنیا، در یک نشست خبری اعلام کرد: از تلاش قانون‌گذاران کالیفرنیا برای تصویب قانونی که دسترسی افراد زیر ۱۶ سال به شبکه‌های اجتماعی را محدود می‌کند، حمایت می‌کند. این اظهارات در پاسخ به نگرانی‌های رو به افزایش درباره تأثیرات منفی شبکه‌های اجتماعی بر سلامت روان و رفتار نوجوانان بیان شد.

در این نشست، نیوسام در باره تجربه شخصی خود به‌عنوان پدر صحبت کرد و گفت که هنگام حضور در یک میهمانی تولد، مشاهده کرده بود که جمعی از نوجوانان به جای صحبت کردن با هم، تنها مشغول گوشی‌های موبایل

بوده‌اند، نشانه‌ای که به نظر او نیاز به تغییر دارد. قانون پیشنهادی که از سوی گروهی دموکرات و جمهوری‌خواه از اعضای مجمع ایالتی کالیفرنیا معرفی شد، هدف گذاری کرده تا حداقلی برای ساختن ناگهداری



علیرضا زاهد نوشت: فرح پهلوی به خوبی یکم بهمن ۱۳۴۰ را در خاطره دارد. من آن روز را از زبان احمد فرهاد معتمد رئیس دانشگاه تهران، بزرگ‌مشهور و نخستین کسی که دستگاه اردبولوری را به ایران آورد نقل می‌کنم.

- در اول بهمن ۱۳۴۰ در پی دعوت‌های مکرر جبهه ملی برای تجمع علیه دخالت‌های دولت در نتیجه انتخابات مجلس جمعیت‌های تهران برگزار شد. یکی از این تجمعات در دانشگاه تهران بود. چترپازان (نیروویژه) شاه وارد دانشگاه شدند و به دانشجویان هجوم آوردند. این حمله بیش از ۵۰۰ نفر مجروح و نقص عضو در پی داشت. دکتر احمد فرهاد رئیس دانشگاه تهران در نامه اعتراضی‌آمیز به نخست‌وزیر نوشت:

«من هیچ‌گاه ندیده‌و نشنیده‌ام که تا این حد بی‌رحمی، سادیسم، خشونت و خرابکاری از جانب قوای دولتی اعمال شود. بعضی از دختران را سرپازان در تالارهای درس دانشگاه‌ا له‌بکارت کردند و صحنه‌هایی نظیر هجوم فحش‌و وحشی به خاک ایران را در نظر مجسم ساختند.» تمام رؤسای دانشکده‌ها و نیز خود من استغای خود را به شما ابلاغ می‌کنم و این استغفانامه‌ها مادام که مسئولان این وحشی‌گری‌های حیوانی مجازات نشوند، معتبر خواهد بود.

هر کس خواهد ناراحت باشد و تسلیت بگوید، این جماعت حق ندارند. تاریخ فراموش شود همه هفت‌تیر کش می‌شوند. برید را من معرفی خارجی و داخلی قبل و بعد انقلاب یکم بهمن ۱۳۴۰ رو بخونید، ولی گول این‌رو نخورید. مقصر فقط آن دانشجو نبخه ۱۹، ۲۰، ۲۱ ساله دانشگاه شریف و امیرکبیر نیست که شعار جاوید شاه سر می‌دهد. او در نظام آموزشی «تست محور و کنکوری» تربیت شده است. او کجا از تاریخ سر کوب پهلوی در همین دانشگاه‌ها اطلاع دارد. او کجا‌هما ناطق می‌شناسد. استاد دانشگاهی که مورد تعرض ساواک قرار گرفت، مهندس بازرگان که زندانی ساواک بود. دکتر شریعتی که ۱۸ ماه در انفرادی کمیته مشترک ساواک بود. دانشجویانی که از سر کلاس به جرم داشتن کتاب جلال‌الد احمد بازداشت می‌شدند. بخش عمده‌ای از ۸ هزار زندانی سیاسی کمیته مشترک دانشجوی بودند. آن استاد دانشگاهی که بیش از سه دهه از جمهوری اسلامی حقوق کلفت گرفت و پهلوی را بزرگ کرد. آن نظام آموزشی که تاریخ برایش اهمیت نداشت. آن رسانه‌ای که تاریخ استبداد پهلوی را بیان نکرد. آن دستگاه‌های عریض و طویل فرهنگی با میلیاردها بودجه و... آنها مقصر نیستند؟

یکم بهمن ۱۳۴۰ در دوران ریاست دکتر معتمد نیروویژه از تش وارد دانشگاه شدند و چند دختر را هتک حرمت کردند. استبداد شدید و غلیظ پهلوی از این سه دانشگاه کینه داشت: تهران، امیرکبیر و شریف. مقصر فقط دانشجو نیست.

تاریخ فراموش شود همه هفت تیر کش می‌شوند

تاریخ فراموش شود همه هفت تیر کش می‌شوند

علیرضا زاهد نوشت: فرح پهلوی به خوبی یکم بهمن ۱۳۴۰ را در خاطره دارد. من آن روز را از زبان احمد فرهاد معتمد رئیس دانشگاه تهران، بزرگ‌مشهور و نخستین کسی که دستگاه اردبولوری را به ایران آورد نقل می‌کنم.

- در اول بهمن ۱۳۴۰ در پی دعوت‌های مکرر جبهه ملی برای تجمع علیه دخالت‌های دولت در نتیجه انتخابات مجلس جمعیت‌های تهران برگزار شد. یکی از این تجمعات در دانشگاه تهران بود. چترپازان (نیروویژه) شاه وارد دانشگاه شدند و به دانشجویان هجوم آوردند. این حمله بیش از ۵۰۰ نفر مجروح و نقص عضو در پی داشت. دکتر احمد فرهاد رئیس دانشگاه تهران در نامه اعتراضی‌آمیز به نخست‌وزیر نوشت:

«من هیچ‌گاه ندیده‌و نشنیده‌ام که تا این حد بی‌رحمی، سادیسم، خشونت و خرابکاری از جانب قوای دولتی اعمال شود. بعضی از دختران را سرپازان در تالارهای درس دانشگاه‌ا له‌بکارت کردند و صحنه‌هایی نظیر هجوم فحش‌و وحشی به خاک ایران را در نظر مجسم ساختند.» تمام رؤسای دانشکده‌ها و نیز خود من استغای خود را به شما ابلاغ می‌کنم و این استغفانامه‌ها مادام که مسئولان این وحشی‌گری‌های حیوانی مجازات نشوند، معتبر خواهد بود.

هر کس خواهد ناراحت باشد و تسلیت بگوید، این جماعت حق ندارند. تاریخ فراموش شود همه هفت‌تیر کش می‌شوند. برید را من معرفی خارجی و داخلی قبل و بعد انقلاب یکم بهمن ۱۳۴۰ رو بخونید، ولی گول این‌رو نخورید. مقصر فقط آن دانشجو نبخه ۱۹، ۲۰، ۲۱ ساله دانشگاه شریف و امیرکبیر نیست که شعار جاوید شاه سر می‌دهد. او در نظام آموزشی «تست محور و کنکوری» تربیت شده است. او کجا از تاریخ سر کوب پهلوی در همین دانشگاه‌ها اطلاع دارد. او کجا‌هما ناطق می‌شناسد. استاد دانشگاهی که مورد تعرض ساواک قرار گرفت، مهندس بازرگان که زندانی ساواک بود. دکتر شریعتی که ۱۸ ماه در انفرادی کمیته مشترک ساواک بود. دانشجویانی که از سر کلاس به جرم داشتن کتاب جلال‌الد احمد بازداشت می‌شدند. بخش عمده‌ای از ۸ هزار زندانی سیاسی کمیته مشترک دانشجوی بودند. آن استاد دانشگاهی که بیش از سه دهه از جمهوری اسلامی حقوق کلفت گرفت و پهلوی را بزرگ کرد. آن نظام آموزشی که تاریخ برایش اهمیت نداشت. آن رسانه‌ای که تاریخ استبداد پهلوی را بیان نکرد. آن دستگاه‌های عریض و طویل فرهنگی با میلیاردها بودجه و... آنها مقصر نیستند؟

یکم بهمن ۱۳۴۰ در دوران ریاست دکتر معتمد نیروویژه از تش وارد دانشگاه شدند و چند دختر را هتک حرمت کردند. استبداد شدید و غلیظ پهلوی از این سه دانشگاه کینه داشت: تهران، امیرکبیر و شریف. مقصر فقط دانشجو نیست.

تاریخ فراموش شود همه هفت تیر کش می‌شوند

تاریخ فراموش شود همه

یادداشت‌های محمدحسین‌لیلی

داو‌دها منتظر جالوتیان هستند

اخیر هفته‌های اخیر از لشکرکشی و شاید صف‌آرایی شیطان بزرگ بر کسی پوشیده نیست؛ همان دشمنی که به گواه اندیشمندان از حمله به افغانستان و عراق به جای حمله به ایران پس از بازی‌سازی انهدام برج‌های دولقو پشیمان شد، اما چه سود که فرصت برای‌شان از دست رفت و برای ما به ساخت سنجیل‌ها، عمادها و فتاح‌هانمجر شد. حال، او به تحریک باند جنایتکار صهیونی، خود به میدان آمده که با یا توافق ایران را تسلیم کند و سراغ پرونده اصلی خود یعنی مهر چین برود یا با ساقط کردن حکومت و جایگزین کردن حکومتی ضعیف یا افرادی ضعیف از داخل حکومت فعلی، مسئله ایران را فایضه دهد و به چین برسد.البته که اینجا نقطه افتراق رژیم و امریکاست، رژیم به دلایل خود، معتقد به تجزیه ایران است و به گواه برخی شواهد، امریکا متمایل به کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین روش مهاد است که فعلاً با تجزیه ایران و شکل‌گیری چندین حکومت نوپا، متناقض است.

اما در این سوی میدان، ملت امام حسین(ع) از خود می‌پرسد متی سرالله؟ با فرض اینکه این امت در حال حاضر شایسته دریافت امداد الهی در مواجهه با طغوت اصلی زمان باشد، در لایه‌ای عمیق‌تر از آن پرسش، باید پرسید که انتظار چگونه امدادی را باید داشت؟ در هفته‌های اخیر برخی فعالان مباحث تاریخ دین می‌گویند آنگاه که شمشر لشکر فرعون روی سر آخرین نفر بنی‌اسرائیل که به سمت نیل فرار کرده و به آن رسیده بود ظاهر شد، اولین نفر بنی‌اسرائیل از نیل گذشت و نصرت الهی اینگونه رسید، اما آیا اساساً موقعیت این امت همانند بنی‌اسرائیل - موسی - فرعون است؟ بنی‌اسرائیل در آن مقطع قوم تازو ظلم، ضعیف‌نگه داشته شده، با کمتر ین مرد جنگی ، کمترین سخت‌وربگ، کمترین روحیه، ازموده‌نشده و با کادر رهبری بسیار محدود موسی - هارون بود. آیا ایران اسلامی در حال حاضر کوچک‌ترین شباهتی به این حالت دارد؟ کادر رهبری و فرماندهان و رزمندگان پای کار و آزمون پس داده، نفرت متعدد در گوشه‌گوشه کشور که بعضاً حتی با دست‌خالی هم شده، در مقابل ترویس‌های تجزیه‌طلب مسلح در کف خیابان می‌ایستند، موشک‌هایی که از برد ۲۰۰ تا ۲هزار کیلومتر را پوشش می‌دهند و در سراسر کشور پراکنده هستند و سایر سازوربگ نظامی، بیشتر ششیه موقعیت طاوت- جالوت نیست؟ بنی‌اسرائیل در دوران تثبیت خود از خداوند خواست رهبری الهی برای مقابله با دشمن به آنها حاکم کند و طاوت، همان بود. در این مقطع تکلیف آنها صف‌آرایی در مقابل دشمن با وجود کمبود نفرت بود. با آن مایش‌هایی که می‌دانید و در نهایت روز جنگ رسید، نصرت الهی از لخطه‌ای که داود برخاست

و قلاب‌سنگ را به قصد سر جالوت به کار نگرفت، نرسید و آنگاه بود که سنگ را خداوند طوری بر سر جالوت نشاند که کار را یکجا تمام کرد. آیا همه آنچه امروز از ملت امام حسین(ع) ایران برمی‌آید فر به سمت نیل و انتظار برای شکستش پس از آن است؟ به کدام سمت شکافته شود؟ امروز آیا تکلیف، به خدمت گرفتن داو‌دها برای نشانه رفتن سر جالوت‌های نظام امریکا در همان اولین لحظات جنگ نیست؟ ماندن که اگر شاید کلفد تفکر جناح ونس در دولت ترامپ که در صحنه‌های اخیر او پیدا شد، یعنی آماده‌ی بودن دولت ترامپ برای پرداخت هزینه‌های تلفات انسانی و از بین رفتن ابهت و در موارد بعدی، هزینه‌های مالی را در نظر بگیریم، ایران اسلامی با اثبات اینکه سر خلاف عملیات عین‌الاسد و العدید، آماده وار د کردن تلفات سنگین به امریکاست، می‌تواند لشکر جالوت را ببیند از به صدا در آمدن شیور جنگ به عقب راند و مجدداً با چشم فتنه یعنی رژیم‌صهیونی رودرو شود.

نگاه انفعالی انتقاصل شکافته‌شدن نیسل در مقابل نگاه فعالانه آماده‌سازی داو‌دها برای شلیک به سر جالوت‌ها، نه از باب آمادگی روحی جامعه و نه از باب عملیات روانی روی جبهه دشمن، صحیح نیست بلکه در کنار آماده‌سازی داخلی، اتمام حجت با خانواده از تشیان امریکا از سوی عالی‌ترین مقامات کشور از طریق رسانه‌های عمومی و یس‌اد‌آوری گذشته‌ها، مقفودین و مجروح‌کنندگان گذشته امریکا به آنها و البته مشکلات تمام‌نشدنی کهنه‌سربازان می‌تواند جبهه دشمن را از درون دچار مشکل کند.

خجیر



فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

دانشجویان آینده را با یک نوستالژی آر‌تجاعی پیوند زند

معاون دانشجویی وزارت علوم دولت اصلاحات با تأکید بر پرهیز از بر‌خورد بیرونی یا تجمعات دانشجویی گفت: نهاد دانشگاه نسبت به مسئله دخالت نیروهای بیرونی حساس است، دانشجویان نیز نباید آینده را با یک نوستالژی آر‌تجاعی که در گذشته تجربه شده پیوند بزنند بلکه نگاه آنها باید همچنان شگفتی‌برانگیز و عدالت‌خواه باشد. غلام‌رضا ظریفیان خطاب به دانشجویانی که نسبت به وقایع کشور دیدگاهی غیرهمسو با فرات‌های رسمی دارند، اظهار داشت: دانشگاه همواره نبض دفاع از عدالت، آزادی و استقلال کشور است اما باید توجه کنیم مسئله ایران به مراقب‌باشی است و مراقب‌باشی که امنیت آن آسیب نینند، همچنین باید مراقب جریان‌هایی باشیم که در گذشته آزمون خود را پس داده و نشان داده‌اند هم‌دو‌کراسی‌ایستند و نمی‌خواهند ایران به استقلال و آزادی بر‌رسد. وی افزود: دانشجویان نباید آینده را با یک نوستالژی آر‌تجاعی که در گذشته تجربه شده پیوند بزنند بلکه نگاه آنها باید همچنان متکی بر آرمان‌ها، عدالت‌خواهی و مبارزه با تبعیض و فساد باشند و با گذشت به مردم و جمهوریت را از برخی مسئولان طلب کنند اما باید در این مسیر دو‌نگه را رعایت کنند:
۱) کار به خشونت کشیده نشود.
۲) با کسانی که اساساً دل در گرو استقلال و تمامیت ایران ندارند، بر‌زندی کنند. در فضای کنونی تمامیت ایران با خطر روبه‌رو است و دانشجویان ضمن حفظ روحیه آرمان‌خواهی باید به این مسئله توجه جدی کنند.

ظریفیان به ارزیابی دستور رئیس‌جمهور در زمینه واگذاری مسئولیت خطیر ریشه‌یابی اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ به نهاد دانشگاه پرداخت و گفت: ارجاع ریشه‌یابی مسائل بنیادین از جمله حوادث اخیر کشور به نهاد علم، بسیار عالمانه و هوشمندانه بود، دانشگاه نیز با انبوهی از استادان مختلف در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناسی توانمندی بالایی در این زمینه دارد، هر چند در ارزیابی این مسئله باید سراغ تمام ابعاد آن برود تا نتیجه‌گیری نهایی بتواند جامعه را اقناع کند، البته واگذاری این مسئولیت یک فرصت طلایی برای دانشگاه است تا بتواند نقش خود را در تبیین واقعی آنچه رخ داده است، ایفا کند.

روزنامه جوان | شماره ۷۵۲۲ | ۵ اسفند ۱۴۰۴ | ۶ رمضان ۱۴۴۷

ک قضایی

در نشست شورای عالی قوه قضائیه

سرورس سیاسی، ۰۶/۰۸/۸۵۲۳

اژه‌ای: باید هزینه ارتکاب فساد را بالا ببریم

ابلاغیه فسادستیزی و «باید‌های» مبارزه همه‌جانبه با فساد صادر شد



رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه امروز به‌واسطه شیظنت‌ها و عملیات روانی پر دامنه دشمن، باید بیش از پیش به مقوله مبارزه با فساد در ساحت‌های مختلف اعم از فساد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بیندو و حبس نیست، این توجیه کنیم، گفت: معنای مبارزه با فساد قانونی، دستور کار روشنی در برخی قوانین و مقررات مرتبط با مبارزه با فساد داریم، استنباط داشته و آن است که با همین ظرفیت‌های قانونی موجود، می‌توانیم عالمانه‌تر و وجدانه‌تر، به مقابله با فساد و انسداد ریشه‌های فساد را به‌پردازیم، با این حال، به دنبال عمیق و تدقیقی که داشتیم، جلسه‌ای را بر‌بخ از مقامات ذی‌ربط قضایی و حقوقدانان بر گزار کرد م و نکات مدنظر در حیطه مبارزه عالمانه‌تر و وجدانه‌تر با فساد را با آنان در میان گذاشتم؛ طی آن جلسه مقرر شد، مقامات ذی‌ربط قضایی، سلسله‌نشست‌هایی را با سایر مقامات و دستگاه‌های مسئول داشته باشند و با آنان نیز تفاهاتی در راستای بهینه کردن مقوله مبارزه با فساد حاصل شود. اژه‌ای با اشاره به تکلیف معاونت حقوقی قوه قضائیه در امر مبارزه با فساد اظهار کرد: معاونت حقوقی قوه قضائیه باید بازنگری و بازآرایی در حیطه مبارزه با فساد و مسائل و موضوعات مرتبط با این عرصه خطیر داشته باشد، باید از همه ظرفیت‌های قانونی موجود در امر مبارزه با فساد استفاده کرد و در صورت لزوم، به اصلاح و تکمیل قوانین در این عرصه مبادرت ورزید، در این راستا، معاون حقوقی قوه قضائیه، آقای هادی که یک روحانی جوان و فاضل و مرتبط با نهادهای حوزوی و مجامع دانشگاهی است، می‌تواند هر چه بیشتر از نخبگان حوزه و دانشگاه کمک و مساعدت دریافت کند. ■ **قوه قضائیه باید شفاف مقابل مردم باشد**

رئیس قوه قضائیه با برشمردن و تشریح شقوق مختلفی که در باب مبارزه کار آمدتر با فساد در حالی شبکه‌های براندازی با هم‌فروشی، دروغ‌بافی و سانسور و اوقیت‌ها، امریکا را حاسی ایران معرفی می‌کنند که در آن روی سکه و رویدادهایی متناقض با این دست شکارها، هدف اصلی امریکا یعنی فروپاشی و از بین بردن ماهیت ایران و ایرانی را افشا می‌کند، طی روزهای گذشته انتلاف چند گروه تجزیه‌طلب و تروریست نشان داد امریکا و رژیم‌صهیونیستی پس از ناکامی از وقایع تروریستی دی ماه، در حال تکمیل پازل کشتار و خشونت مسلحانه علیه ایرانیان هستند. گروهک‌های تجزیه‌طلب و سابقه‌دار از جمله پژاک، کومله، پاک، دموکرات و خبات با اعلام تشکیل «اتلاف نیروهای سیاسی کردستان» از پروژهای ضدلیرایی رونمایی کردند. این‌اتلاف هدف اصلی خود را سرنگونی جمهوری اسلامی، دستیابی به حق تعیین سر‌نوشت برای مردم کرد و ساخت نهادی ملی و دموکراتیک بر اساس اراده سیاسی ملت کرد اعلام کرد. این تروریست‌ها که مقراضی آنها در کردستان قرار دارد و تحت سرورس‌های موساد آموزش می‌بینند، هدف‌شان فقط سقوط حاکمیت نیست و فراتر از آن، به دنبال تجزیه ایران و فروپاشی هویت ایرانی هستند، مشی آنها هم همواره بر جنایت استوار بوده است و از ابتدای انقلاب با تکیه بر حمایت خارجی، از صدام حسین تا موساد با کشتار مردم بی‌گناه و جاسوسی و ترور، هیچ خط قرمزی نداشتند.

استراتژی کنونی امریکا و رژیم‌صهیونیستی که بعد از ۲۷کنتر علی و آشکار شد، فروپاشی نظم منطقه‌ای و تغییر آن به سمت حاکمیت خاکی و تسلط سیاسی رژیم اسرائیل در کل منطقه است. این ایده یک هدف ایدئولوژیکی صهیونیسم است، چنانکه هاکبی، سفیر امریکا در اسرائیل تصریح کرد که اسرائیل بر اساس کتاب مقدس سر دارد بر بخش گسترده‌ای از خاورمیانه حاکم باشد. هدف امریکا از آغاز جنگ با ایران هم در همین چارچوب قرار دارد و کاخ سفید تلاش می‌کند با برچیدن حاکمیت ایران و تصفیف همه

به‌گونه‌ای باشد که آنهایی که به‌اتحای مختلف از جمله با ترک‌فعل‌ها و اجرای معیوب قانون، چوب لای چرخ تولید کشور می‌گذارند، حساب کار دست‌شان نباید. قاضی‌القضات عنوان کرد: طی روزهای اخیر تعمیق و تدقیق در برخی قوانین و مقررات مرتبط با مبارزه با فساد داریم، استنباط داشته و آن ظرفیه را باالتعمیر یا بالقصور انجام نداده است، در اینجا تکلیف باید به لحاظ قانونی کاملاً روشن و شفاف و دستور کار قانونی و مشخصی در باب نحوه برخورد با مسئول ترک فعل کرده، ایجاد شود.

رئیس دستگاه قضا تصریح کرد: در مواردی شاهد هستیم که قانون وجود دارد، اما به درستی اجرایی‌شود و اساساً روش اجرای قانون، ایجاد مشکل و بعضاً فساد می‌کند، به اینگونه موارد نیز باید ورود جدی داشته باشیم و اجازه ندهیم شیوه نامطلوب و سانسوزی در اجرای قانون، پیاده‌سازی شود. در مواردی نیز قانون، ابهام و اجراء دارد و همین مهم و مجمل بودن، سبب اجرای نادرست و معیوب آن می‌شود، این موارد را نیز باید مرتفع کنیم.

رئیس عدلیه عنوان کرد: در مواردی، نوع و میزان مجازات مفسد از بازدارندگی و تأثیر لازم برخوردار نیست، در اینگونه موارد، فرد چنین محاسبه می‌کند که فلان عمل مجرمانه و مفسدانه امر تکب می‌شوم و به انتفاع مادی می‌رسم و نهایتاً مقدار مشخصی حبس تحمل می‌کنم یا مقدار مشخصی جریمه می‌پردازم! اما چنانچه فرد بداند در صورت ارتکاب آن عمل مجرمانه و مفسدانه، بهایی که باید بپردازد، بیش از انتفاع مادی‌اش است، طبیعتاً به سمت ارتکاب آن عمل نمی‌رود.

قاضی‌القضات افزود: در مقطعی، قانون مقرر کرده بود دارندگان و توزیع‌کنندگان انواع و میزان مشخصی از مواد مخدر، به ضبط تمامی

پایان

در نشست شورای عالی قوه قضائیه

سرورس سیاسی، ۰۶/۰۸/۸۵۲۳

اموال محکوم می‌شوند، اما این قانون تغییر کرد و مقرر شد فقط اموال حاصل از جرم توزیع مواد مخدر، ضبط شوند، حال باید بررسی شود که آیا تغییر این قانون، بازدارندگی آن تقلیل یافت یا افزایش پیدا کرد. در پاره‌ای از موارد، حبس‌ها تشدید می‌شوند، اما مجرم چنین می‌انگارد که این تشدید حبس‌ها، اجرایی نمی‌شود و با گذشت زمان، بر اساس قانون تخفیف‌هایی حاصل می‌شود، این فقره نیز در بازنگری و بازآرایی قوانین مرتبط با مبارزه با فساد باید ملحظ‌نظر قرار گیرد.

رئیس قوه قضائیه بیان داشت: در همین قضیه اغتشاشات، عده‌ای معتقدند کسانی که به‌اتحای مختلف، حامی و محرک اغتشاشات بودند، باید جریمه مالی سنگین شوند. سؤال آن است که آیا در این رابطه، قانون اجازه افزایش مبلغ جریمه به هر میزانی را می‌دهد؟ یا موضوع دیگر، بحث تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی است؛ محکومی را که طبق قانون باید سه سال حبس تحمل کند، نمی‌توان فی‌المثل ۱۰میلیارد تومان جریمه نقدی کرد، بعضاً ممکن است فرد چنین بر آورد و محاسبه کند که جریمه نقدی بدل از حبس، در برابر انتفاع مادی حاصل از ارتکاب جرم، برای او صرفه دارد، اینها مقلاتی است که در بازنگری و بازآرایی قوانین مرتبط با مبارزه با فساد باید مدنظر قرار گیرند.

مطرح است، بیان داشت: در عرصه مبارزه با فساد، مطلوب‌تر و کارآمدتر با فساد، عده‌ای بر مقوله ترک‌فعل‌ها تأکید و اصرار دارند، این قضیه ترک‌فعل‌ها باید شفاف شود، اکنون به لحاظ قانونی، دستور کار روشنی در این عرصه وجود ندارد، چنانچه مسئولی وظیفه‌ای را بر عهده داشته و آن وظیفه را بالتعمیر یا بالقصور انجام نداده است، در اینجا تکلیف باید به لحاظ قانونی کاملاً روشن و شفاف و دستور کار قانونی و مشخصی در باب نحوه برخورد با مسئول ترک فعل کرده، ایجاد شود.

رئیس دستگاه قضا تصریح کرد: در مواردی شاهد هستیم که قانون وجود دارد، اما به درستی اجرایی‌شود و اساساً روش اجرای قانون، ایجاد مشکل و بعضاً فساد می‌کند، به اینگونه موارد نیز باید ورود جدی داشته باشیم و اجازه ندهیم شیوه نامطلوب و سانسوزی در اجرای قانون، پیاده‌سازی شود. در مواردی نیز قانون، ابهام و اجراء دارد و همین مهم و مجمل بودن، سبب اجرای نادرست و معیوب آن می‌شود، این موارد را نیز باید مرتفع کنیم.

رئیس عدلیه عنوان کرد: در مواردی، نوع و میزان مجازات مفسد از بازدارندگی و تأثیر لازم برخوردار نیست، در اینگونه موارد، فرد چنین محاسبه می‌کند که فلان عمل مجرمانه و مفسدانه امر تکب می‌شوم و به انتفاع مادی می‌رسم و نهایتاً مقدار مشخصی حبس تحمل می‌کنم یا مقدار مشخصی جریمه می‌پردازم! اما چنانچه فرد بداند در صورت ارتکاب آن عمل مجرمانه و مفسدانه، بهایی که باید بپردازد، بیش از انتفاع مادی‌اش است، طبیعتاً به سمت ارتکاب آن عمل نمی‌رود.

قاضی‌القضات افزود: در مقطعی، قانون مقرر کرده بود دارندگان و توزیع‌کنندگان انواع و میزان مشخصی از مواد مخدر، به ضبط تمامی

اخبار

رؤیای تسلیم و کلافگی زمن

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۲۴۶ خود نوشته است: اخیراً یک رسانه صهیونیستی در مطبی درباره تهدیدات ترامپ علیه ایران نوشته بود: «بزرگ‌ترین خطا و اشتباه واشینگتن عدم درک ساختار و ماهیت قدرت در ایران است و همین مسئله مانع اصلی در روند مذاکرات است.» این گزاره به شکلی دیگر نیز توسط استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ، بیان شد. ویتکاف در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز از کلافگی و تعجب ترامپ درباره عدم تسلیم شدن ایران در برابر تهدیدها و نمایش قدرت امریکا گفت. این اظهار تعجب و سردرگمی ترامپ خود گویای این است که رئیس‌جمهور امریکا تصور می‌کند، ایران نیز مانند برخی دیگر از کشورهای ضعیف وابسته نظام بین‌الملل است که با هر تهدید یا وعده‌ای عقب‌نشینی کرده و منافع خود را رها کند.

دولتمردان امریکا می‌باید کنشگری خود را این فرض قرار داده‌اند که هر کشوری در برابر ترکیب تهدید نظامی و فشار اقتصادی دیر یا زود عقب می‌نشیند. اعزام ناوهای هواپیمابر، جنگنده‌های پیشرفته و تشدید تحریم‌ها قرار بود ایران را در وضعیت تنگنج و سردرگمی قرار دهد و تهران را به پذیرش خواسته‌های یک‌جانبه وادار کند.

رسانه‌های غربی نیز پیوسته از «آشفتگی» یا «بین‌ست» ایران سخن می‌گویند و به دنبال آن هستند که این تصویر را شکل دهند که تهران زیر فشار، راهی جز عقب‌نشینی ندارد و اصطلاح «سرگیجه راهبردی» را برای ایران به کار می‌برند. اما اکنون امریکایی‌ها اعتراف می‌کنند که نتیجه‌ای حاصل نشده و آنها هستند که دچار سرسر درگمی‌اند. وقتی رئیس‌جمهور امریکا با این حجم از ابزار قدرت از خود می‌پرسد چرا طرف مقابل کوتاه نیامده، معنایش آن است که معادله‌ای که در ذهن داشت فرو ریخته است.

مشکل اصلی واشینگتن در همین نگاه‌اندازگانه نهفته است. ترامپ با ذهنیت معامله‌گرانه تصور می‌کند همه چیز قابل خریدن است. در این چارچوب، فشار باید به تسلیم منجر شود، اما ایران طی چهار دهه گذشته نشان داده است که تصمیم‌های راهبردی خود را بر پایه ترس یا تطمیع اتخاذ نمی‌کند. ساختار سیاسی و امنیتی ایران، هویت خود را با مفهوم مقاومت گره زده و تسلیم در برابر فشار خارجی، نشانه ضعف است. همین منطق است که سیاست فشار را از درون تهی می‌کند. در همین زمینه، نشریه اتلانتیک نیز به تازگی در تحلیلی تصریح کرده بود: «ترامپ نمی‌تواند درک کند چرا فشار و تهدید، رهبر ایران را وادار به عقب‌نشینی نمی‌کند. در نگاه ترامپ، هر فردی نقطه شکستی دارد و هر ملتی را می‌توان با ترکیبی از تهدید و امتیازدهی یامی آورد. اما این تحلیل در برابر واقعیتی قرار گرفته که با آن سازگار نیست.»

اثبات تجزیرات نظامی امریکا در منطقه با هدف تسلیم کردن ایران و ارباب صورت گرفته اما نتیجه طبق پیش‌بینی کاخ سفید پیش نرفته است. واقعیت این است که «سرگیجه راهبردی» در واشینگتن شکل گرفته است؛ جایی که سیاست‌گذاران هنوز نمی‌خواهند بپذیرند قدرت ایران صرف‌آد توان نظامی خاصه نمی‌شود، بلکه در پیوند اراده سیاسی، انسجام داخلی و تجربه طولانی مقابله با فشار خارجی ریشه دارد. این صرف‌آد توان نظامی خاصه نمی‌شود، بلکه در پیوند اراده سیاسی، انسجام داخلی و تجربه طولانی مقابله با فشار خارجی ریشه دارد. ایران در سال‌های گذشته شدیدترین تحریم‌ها و تهدیدها را پشت سر گذاشته و نه تصعیف شده و نه بر سر اصول خود معامله کرده است. طراحی و اجرای کودتای پیچیده دی ماه نیز نتوانست امریکا را از مقاصد شوم خود در ایران برساند. همین اقتدار و ثبات رفتاری اکنون به معنایی برای کاخ سفید تبدیل شده است. ترامپ که گمان می‌کرد با افزایش فشار می‌تواند نتیجه مطلوب را در زمانی کوتاه به دست آورد، حالا با واقعیتی مواجه شده که در چارچوب ذهنی او نمی‌گنجد.

«کنجکاوی» او در حقیقت نشانه حیرت از ناکارآمدی ابزار‌هایی است که تصور می‌کرد بی‌رقب هستند. مسئله اصلی، خطای محاسباتی امریکاست. ترامزای که واشینگتن نپذیرد ایران را نمی‌توان با تهدید و ارباب وادار به تسلیم کرد، این سرگیجه راهبردی ادامه خواهد یافت و منجر به تصمیمات و اقدامات غلط خواهد شد. ایران مسیر خود را بر اساس منافع و سیاست‌های مستقل خود دنبال می‌کند و تجربه نشان داده است که فشار به جای تغییر این مسیر، آن را تثبیت کرده است. اکنون این کاخ سفید است که باید میان تداوم فشار بی‌نتیجه با بازنگری در نگاه خود یکی را انتخاب کند.

اخبار



وزیر دفاع در دیدار وزیر دفاع بوری‌کینافاسو:

روابط با کشور های مستقل و انقلابی آفریقا گسترش می‌یابد

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در دیدار همتای بوری‌کینافاسویی خود نیز اتخاذ سیاست اصولی توسعه روابط با کشورهای مستقل و انقلابی در منطقه غرب آفریقا به‌ویژه بوری‌کینافاسو تأکید کرد. به گزارش ایرنا از وزارت دفاع، سرتیب خلبان عزیز نصیرزاده در دیدار ژنرال «سلستین سیمپوره» وزیر دولت، جنگ و دفاع از میهن بوری‌کینافاسو در تهران، از مواضع دولت بوری‌کینافاسو در محکومیت اقدام مزدبوهانه رژیم‌صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران و ارسال پیام همدردی و تسلیت خطاب به وزیر دفاع قدر دانی کرد.

وی با اشاره به اهمیت و جایگاه قاره آفریقا و به ویژه کشورهای مستقل این قاره در سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، بر اتخاذ سیاست اصولی توسعه روابط با کشورهای مستقل و انقلابی در منطقه غرب آفریقا به‌ویژه بوری‌کینافاسو تأکید کرد.

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح همچنین انقلاب‌های منطقه مدیترانه بوری‌کینافاسو در دیدار با وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، ضمن ابراز همدردی با ملت ایران و احترام به شهدای جنگ ۱۲ روزه، مقاومت مردم ایران را مدح می‌کند و ستایش فراوانی را در وصف کرد؛ مقاومت مردم ایران را برج می‌کند. علاوه بر این اقدامات، سیاه پاسداران با حملات موشکی مؤثر به مقر جاسوسان رژیم‌صهیونیستی و تروریستی تجزیه‌طلب کرد در کردستان عراق و همچنین گروهک تروریستی فشاری‌های کشورهای غربی را مورد اشاره قرار داد.

امیر نصیرزاده در ادامه با اشاره به تداوم توطئه کشورهای غربی با هدف خنده‌دار کردن حاکمیت و استقلال بوری‌کینافاسو، بر حمایت جمهوری اسلامی ایران از کشورهای مستقل تأکید کرد.

ژنرال «سلستین سیمپوره» وزیر دولت، جنگ و دفاع از میهن بوری‌کینافاسو در دیدار با وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، ضمن ابراز همدردی با ملت ایران و احترام به شهدای جنگ ۱۲ روزه، مقاومت مردم ایران را مدح می‌کند. علاوه بر این اقدامات، سیاه پاسداران با حملات موشکی مؤثر به مقر جاسوسان رژیم‌صهیونیستی و تروریستی تجزیه‌طلب کرد در کردستان عراق و همچنین گروهک تروریستی فشاری‌های امریالیسیم نگه داشت.

وی گفت: اعتماد داریم دنیا می‌تواند در یک صلح کامل باشد، اگر روابط سلطه‌گری بین کشورها شکسته و فضای بیشتری به عدالت و صلح داده شود.

وزیر دفاع در دیدار وزیر دفاع بوری‌کینافاسو:

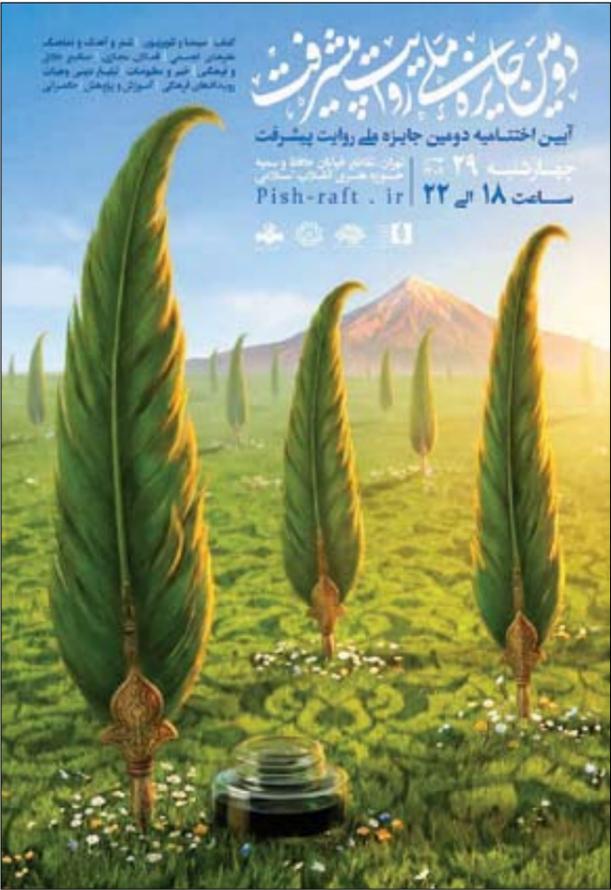
«تجزیه ایران» پیش‌نیاز خاورمیانه بزرگ صهیونی

و نیز تحولات دی‌ماه، بار دیگر نشانه‌هایی از عملکرد مشابه دو گروهک تجزیه‌طلب کومله و دموکرات در رسانه‌ها بازتاب یافت؛ رفتارهایی که یادآور خشونت‌ورزی و جنایت‌های این گروه‌ها در سال‌های نخستین انقلاب اسلامی بود. این گروهک‌ها از حملات اسرائیل به ایران در جنگ ۱۲ روزه هم علی‌حتمت حمایت کردند. گروهک پژاک فراخون بسیج عمومی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر و مکرر دو مکررات کردستان نیز تأکید کرد که «لولویت اصلی، حذف کامل این نظام است». از سوی دیگر، کومله حملات اسرائیل را «پاسخ به تهدیدات جمهوری اسلامی» خواند و خواستار قیام سراسری شد.

■ **تکرار شکست ائتلاف پوشالی ترور‌بیست‌های شرقی**
حرت گروهک‌های تجزیه‌طلب کردستان به سمت نمایش اتحاد، یادآور ائتلاف گروهک‌های تروریستی شرق کشور بعد از جنگ ۱۲ روزه است؛ الگویی که از سوی موساد برای هماهنگی و هم‌افزایی بیشتر آنها طراحی شده و هدفی جز زنجارنمایی و عرض‌اندام در برابر جمهوری اسلامی ندارد، اما در عمل، کارایی و اثرگذاری آنها برای اجرایی کردن عملیات ناچیز و بدون نتیجه بوده است. زیرا نیروهای انتظامی و امنیتی مستقر در شرق و غرب کشور با انجام تاکتیک‌های مختلف از جمله رصد و پایش مرزها، اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی و همچنین عملیات سخت با هم‌افزایی وزارت اطلاعات و استفاده از یگان‌های پیاده و پهبادی، ضربات سختی را به تروریست‌ها در این منطقه وارد کرده است. در داخل نیز سرویس‌های امنیتی همراه با عملیات پیچیده اطلاعاتی، شبکه‌های جاسوسی وابسته به موساد را که قصد انجام اقدامات خرابکارانه در داخل دارند، شناسایی و منهدم می‌کنند. علاوه بر این اقدامات، سیاه پاسداران با حملات موشکی مؤثر به مقر جاسوسان رژیم‌صهیونیستی و تروریستی تجزیه‌طلب کرد در کردستان عراق و همچنین گروهک تروریستی جیش‌الظلم (جیش‌العدل) در خاک پاکستان، پایگاه‌های حیاتی و اتاق فکر آنها را منهدم کرد.

گزارشی از دومین جایزه ملی روایت پیشرفت

روایت اراده، رویش و بالندگی یک ملت



روایت پیشرفت به زبان هنر، رسانه و گفت‌وگوی عمومی مردم نزدیک شده و به محورهایی چون معرفی طرح‌ها و حرکت‌های امیدآفرین، آموزش روایتگری، و تولید آثار مستند و هنری بر پایه تجربه‌های واقعی مردم در نقاط مختلف کشور پرداخته شود. بر همین اساس هم در نخستین دوره، کارگاه‌های آموزش روایت‌پردازی، نشست‌های تخصصی درباره «چگونه امید و خودباوری را در قالب روایت منتقل کنیم» بر گزار و آثار منتخب از

نقاط مختلف کشور معرفی شدند. مهم‌ترین ویژگی این رویداد، نگاه فرهنگی و روایی آن بود و شرکت‌کنندگان هم از هنرمندان، مستندسازان، فعالان رسانه و گروه‌های جهادی مأموریت داشتند تا داستان واقعی تلاش‌های مردم برای ساختن ایران توانمند را به تصویر بکشند. به بیان دیگر، این رویداد در سال ۱۴۰۲ با پایه‌گذار جریان‌هایی که می‌خواهد پیشرفت را نه فقط به‌عنوان سیاست توسعه، بلکه به‌عنوان داستان

مطرح شدن پیشرفت‌های یک کشور در عرصه‌های مختلف از علم و فناوری گرفته تا فرهنگ، اقتصاد یا دفاع آثار عمیقی بر فضای ملی و بین‌المللی آن جامعه دارد. در سلسله داخلی، این روایت افزایش اعتمادبه‌نفس، امید اجتماعی و همبستگی عمومی را به دنبال دارد و مردم را به این یقین می‌رساند که حاصل تلاش و استعدادشان دیده می‌شود و کشور در مسیر رشد است. از سوی دیگر این روایت در حوزه بین‌الملل دستاورد مثبتی دارد چراکه مطرح شدن موفقیت‌ها نوعی قدرت نرم به‌حساب می‌آید و پیامی را به جهانیان مخابره می‌کند که این کشور مستقل و توانمند است و می‌تواند بر پایه ظرفیت‌های خود مسیر توسعه را طی کند. چنین تصویری می‌تواند نگاه کشورها و سرمایه‌گذاران خارجی را تغییر دهد، جایگاه جهانی را ارتقا بخشد و حتی در معادلات سیاسی، عمق نفوذ و بازدارندگی ملی را بیشتر کند.

بر همین اساس هم مقام معظم رهبری بنا بصیرت و آینده‌نگری بر این نکته تأکید دارند که پیشرفت ایران اسلامی روایت‌شود. البته روایت پیشرفت در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، صرفاً یک مفهوم کلی نیست، بلکه منظومه‌ای از پیشرفت همه‌جانبه‌انسانی، علمی و معنوی است. ایشان همواره تأکید دارند، جمهوری اسلامی باید الگوی تمدن‌نوین معنوی خودباوری و استقلال را در کنار یکدیگر پیش ببرد. از این منظر، پرداختن به پیشرفت تنها وظیفه دولت‌ها و سیاستمداران نیست، بلکه یک مأموریت فرهنگی و تمدنی برای همه مردم و به‌ویژه نخبگان و هنرمندان است. رهبر انقلاب بر این باورند که هنر نیز باید این حرکت رو به جلو را روایت کند؛ هنری که امید، خودباوری، تولید علم، و اقتدار ملی را بازتاب دهد، می‌تواند موتور فرهنگی پیشرفت باشد و به روایتی بپردازد که بر پایه ایمان، تلاش و اعتماد به جوانان شکل می‌گیرد و آینده‌های روشن برای ایران اسلامی ترسیم می‌کند.

در این میان رسانه‌های شدن دستاوردها هم، انگیزه نسل جوان را برای تلاش علمی و کارآفرینی تقویت کرده و تصویر مثبتی از آینده می‌سازد. بر همین اساس حوزه هنری انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۲ به همت مرکز روایت پیشرفت با برنامه‌ریزی رویدادی تحت عنوان «روایت پیشرفت» تصمیم گرفت تا از نگاه مردم و هنرمندان ایرانی موفقیت و دستاوردهای این آب و خاک را روایت کند و از طرح‌های دانش‌بنیان و ابتکارات جوانان در حوزه فناوری و تولید گرفته تا حرکت‌های اجتماعی در حوزه فرهنگ، آموزش و محرومیت‌زدایی را معرفی و یادآوری کند. در این دوره که شامل بخش‌های گزارش‌نویسی، نقاشی دیجیتال پوستر، فیلم کوتاه و کلیپ، نماهنگ، عکاسی و مستند بود، تلاش شد

نگاهی به مستند «روزگار رضا خانی»

نقد یک پر تره کلیشه‌ای از حکومت پهلوی اول

رضیه سیف مستند «روزگار رضاخانی» تلاشی برای بازنمایی دوره سلطنت رضاشاه است و سعی دارد روایت‌هایی متفاوت از مسائلی مانند نوسازی و تجدید بیان کند. این اثر از نسوی حوزه هنری انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۹۶ تولید شده و سعی دارد تصویر تظہیر شده دوران رضاشاهی را بشکند.

در تقویم تاریخ ایران، سوم اسفندماه را به‌عنوان سالروز کودتای ۱۲۹۹ و سرآغاز برآمدن قدرت رضاشخان میرنپنج در حافظه خود ثبت کرده است؛ واقعه‌ای که نقطه عزیمت دگرگونی‌های ساختاری وسیعی در برهه حساس و فراتر از یک یادآوری تقویمی، ضرورتی برای درک ریشه‌های مدرنیته ایرانی و چالش‌های دولت-ملت‌سازی در دوران معاصر است. به همین مناسبت، در این نوشتار به بررسی مجموعه مستند «روزگار رضاخانی» پرداخته‌ایم؛ اثری که می‌کوشد با عبور از پوسته سخت روایت‌های رسمی و کلیشه‌های رایج، به نقد و واکاوی میراث پهلوی اول بپردازد.

مستند «روزگار رضاخانی» به کارگردانی مهدی فارسی، مستندی ۱۶ قسمتی درباره دوران سلطنت رضاشاه پهلوی است از سوی مرکز مستندسوره حوزه هنری در سال ۱۳۹۶ تولید و منتشر شده. روزگار رضاخانی یا نگاهی نقادانه به دوران سلطنت رضا شاه، از ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران روایت می‌کند.

به طور کلی مستند بانگاهی نقادانه و پژوهشی محور، به دنبال مقابله با جریان‌یکه سعی دارند دوران رضاشاه را سفیدشویی کنند. برخلاف روایات رایج که نوسازی و تجدید را مثبت یا خنثی نشان می‌دهند، روزگار رضاخانی از خنثونت ساختاری، تضعیف جامعه و سرکوب در راستای این سیاست‌ها سخن می‌گوید و از مسائلی مانند حجاب اجباری، تضعیف شمشیر و وابستگی به غرب پرده برمی‌دارد.

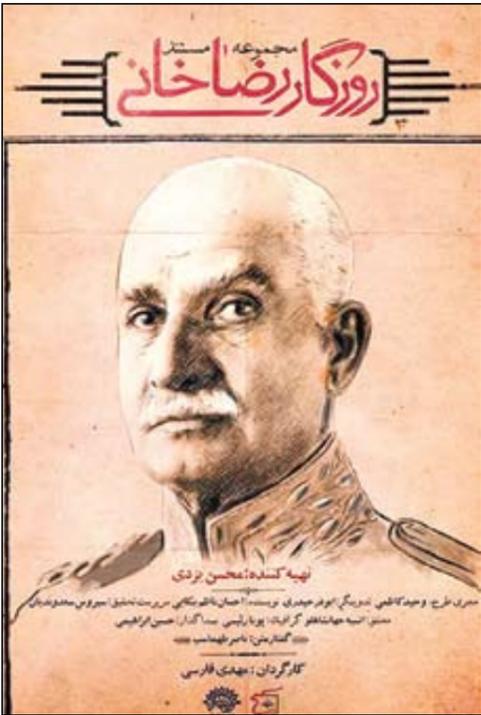
از منظر روایت می‌توان گفت این مستند با تکیه بر گفتار تحلیلی و استفاده از اسناد تاریخی و نظر کارشناس همسوس می‌کند

مستند «روزگار رضاخانی» تلاشی برای بازنمایی دوره سلطنت رضاشاه است و سعی دارد روایت‌هایی متفاوت از مسائلی مانند نوسازی و تجدید بیان کند. این اثر از نسوی حوزه هنری انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۹۶ تولید شده و سعی دارد تصویر تظہیر شده دوران رضاشاهی را بشکند.

در تقویم تاریخ ایران، سوم اسفندماه را به‌عنوان سالروز کودتای ۱۲۹۹ و سرآغاز برآمدن قدرت رضاشخان میرنپنج در حافظه خود ثبت کرده است؛ واقعه‌ای که نقطه عزیمت دگرگونی‌های ساختاری وسیعی در برهه حساس و فراتر از یک یادآوری تقویمی، ضرورتی برای درک ریشه‌های مدرنیته ایرانی و چالش‌های دولت-ملت‌سازی در دوران معاصر است. به همین مناسبت، در این نوشتار به بررسی مجموعه مستند «روزگار رضاخانی» پرداخته‌ایم؛ اثری که می‌کوشد با عبور از پوسته سخت روایت‌های رسمی و کلیشه‌های رایج، به نقد و واکاوی میراث پهلوی اول بپردازد.

مستند «روزگار رضاخانی» به کارگردانی مهدی فارسی، مستندی ۱۶ قسمتی درباره دوران سلطنت رضاشاه پهلوی است از سوی مرکز مستندسوره حوزه هنری در سال ۱۳۹۶ تولید و منتشر شده. روزگار رضاخانی یا نگاهی نقادانه به دوران سلطنت رضا شاه، از ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران روایت می‌کند.

به آن دوران انتقادکننده؛ از جهتی این مدل پرداخت باعث عدم توجه به تنوع دیدگاه‌ها می‌شود و بیشتر به سمت بیانیه می‌رود. از جهت دیگر مهم‌ترین ویژگی مستند را می‌توان وسعت و جامعیت آن دانست که صرفاً به یک رویداد نمی‌پردازد، بلکه تلاش می‌کند یک پرتره کامل از آن دوره تاریخی روایت کند. اثر از نسقوط حکومت قاجار و اوضاع آشفته ایران در اواخر آن دوره و کودتای سال ۱۲۹۹ و دخالت انگلستان برای به قدرت رسیدن رضاخان آغاز می‌شود و به تحولات اجتماعی و فرهنگی آن دوره مانند کشف حجاب اجباری،



تأسیس دانشگاه و راه‌آهن و دیگر مسائل اقتصادی و سیاسی می‌پردازد و سپس مسئله سقوط رضا شاه تبعید و اشغال ایران از سوی متفقین را شرح می‌دهد. مستند از جهات زیادی مانند کتلی تاریخی است؛ چراکه به صورت طبقه‌بندی شده و مرتب به وقایع تاریخی می‌پردازد و تمام وقایع بر اساس اسناد و مدارک به جامانده از آن دوران تاریخی است و لکتنت موضع در آن وجود ندارد. این مسال باعث شده روایتی پیوسته و منطقی ارائه شده و مخاطب دچار سردرگمی نشود. روایت منسجم و پیروزی از

ایمان و تلاش ملت روایت کند، آن هم روایتی از دل تجربه‌های زیسته مردم.

با توجه به دستاوردها و تأثیراتی که نخستین دوره روایت پیشرفت به دنبال داشت، دومین دوره آن با هدف شناسایی و تقویت جریان روایتگری از تجربه‌های پیشرفت ایران معاصر در سال ۱۴۰۴ بر گزار شد. در این میان ماجرای جوابیه و نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به نامه رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی مبنی بر گزارشی از برگزاری دومین آیین جایزه ملی روایت پیشرفت عرق ملی در روایتگری را تقویت کرد چراکه رهبر معظم انقلاب در پاسخ به محمدمهدی دادمان، روایان پیشرفت را بخشی از عناصر پیشرفت توصیف کرده و توصیه کردند کاری کنید، ایمن روایت به گوش جوانان ما برسد و امید را در دل‌های آنان بشکند. همین جویبه نور امیددی در دل خدمتگزارانی که در راه تعالی جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند، روشن کرد؛ نوری که موکدا اهمیت روایت را گوشزد کرد.

بر همین اساس و در واداروسین روزهای بهمن ماه با روایت پیشرفت معرفی برگزیدگان خود در بخش‌های کتاب (زندگینامه، خاطره، ادبیات مستند، رمان و داستان)، شعر، آهنگ و نماهنگ (شعر، ترانه، تصنیف، سرود و نماهنگ)، هنرهای تجسمی (نقاشی، گرافیک، تصویرسازی، عکس و کارکاتور)، سینما و تلویزیون (فیلم‌های داستانی و مستند، سریال‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و پویانمایی‌ها)، صنایع فرهنگی و خلاق (بازی‌های گروهی، اسباب‌بازی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و آنلاین و سایر محصولات فرهنگی خلاق)، تبلیغ و هیئت و محتواها و فعالیت‌های خلاقانه تبلیغی و هیئت‌ها)، رسانه‌های نوین (صفحات شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های پیام‌رسانی)، خبر، گزارش و مطبوعات (آثار رسانه‌ای خبری، گزارش‌ها و تحلیلی)، آموزش و پژوهش (طرح‌های آموزشی، کارگاه‌ها، متون درسی و مقالات پژوهشی) و رویدادهای فرهنگی و اجتماعی (اردوها، نمایشگاه‌ها، نشست‌ها و همایش‌ها) به شروع سومین دوره نزدیک شد.

این رویداد در دومین دوره اثبات کرد که جریان روایت استوار پیشرفت ایران، افسانه نیست، تاریخ امروز ماست که باید به صورت مستمر به آن پرداخته شود. روایت آگاهانه و واقعی از پیشرفت‌ها نه فقط تبلیغ، بلکه مدیریت امید، هویت و اقتدار ملی است؛ آثاری که اگر درست و صادقانه به کار رود، جامعه را به سوی آینده‌ای روشن‌تر هدایت می‌کند. استمرار بر روایت پیشرفت به عنوان یک گفتمان راهبردی حلالا به برنامه‌ای مورد تأکید تبدیل شده تا با تمرکز بر دستاوردهای ملموس، زمینه را برای تولید محتوای مؤثر فراهم آورد و از ایرانی‌تایان در عرصه موفقیت‌های جهانی پیگوید.

روایت پیشرفت، رویش و بالندگی یک ملت

تفکری واحد، باعث تقلیلی مستقیم با جریان تحریف تاریخ شده است که پیام خود را بدون ابهام منتقل می‌کند و آن را به اثری گفتمان ساز مبدل می‌سازد. درحالی که بسیاری از منابع و جزئیات سعی می‌کنند دوران معاصر ایران را تظہیر نمایند و رضاشاه را با سازندگی و نظم خلاصه کنند، مستند روزگار رضاخانی تصویری افشاگرانه و تبیینی از آن دوران به مخاطب نشان می‌دهد. در واقع سازندگان تلاش کردند تصویر رضاشاه به عنوان مجری مدرنیته ایران را به چالش بکشند و ابعاد دیکتاتوره آن را به تصویر بیاورند. بهره‌گیری از عکس‌ها، فیلم‌ها و اسناد دوره پهلوی اول باعث معتبر شدن روایت می‌شود و نقد آن را صرفاً شکاری یا انتزاعی جلوه نمی‌دهد. همچنین عبور از روایت پیشرفت ظاهری و پرداختن به تأثیر سیاست‌های رضاخان و سیاستمداران آن دوره بر زندگی مردم عادی، روایتی نو و زاویه دیدی انسانی است که به مسائلی مانند امنیت روانی جامعه و هویت اجتماعی بها می‌دهد.

شاید بتوان یکی از ایرادات مستند روزگار رضاخانی را نگاهی تک‌بعدی به تاریخ دانست؛ گویا نویسنده تنها از یک جهت به وقایع نگاه کرده و مسائل دیگر را در نظر نگرفته. یک سویه بودن روایت می‌تواند باعث عدم جذب مخاطب بنگاه متفاوت شود، شاید اگر نگاهی ایده می‌شنید که چرا نوسازی بدون توسعه سیاسی در ایران، فرجامی جز سقوط ناگهانی در شهر یور ۱۳۲۰ نداشت. مستند به درستی اشاره می‌کند، وقتی تمام ارکان قدرت در چکمه‌های یک نظامی خلاصه شود، با خروج او، کل ساختار دچار فروپاشی می‌شود. این بخش از اثر، تلنگری به خوانش‌های تقلیل‌گرایانه از تاریخ است که «منبت» را صرفاً در گروی سرکوب و «نظم» را تنها در گروی یونیفرم‌های یکدست می‌بینند. در واقع، مستند از این منظر، به یک مطالعه موردی در باب شکست «نوسعه‌بروز» تبدیل می‌شود که می‌خواست ایران را نه از درون که بازور بخشنامه و کلاه شاپو به جهان جدید برتاب کند.

روزگار رضاخانی، اثری آغشته به نگاه انتقادی است که با جاسارت به دنبال به چالش کشیدن روایت‌های مسلط و باز کردن پنجره تازه برای گفت‌وگو درباره مسائل مهم تاریخی زمان رضاخان است.

به بهانه انتشار کتاب «دوازده صفر سه»

ثبت حقیقت ۵ اسفند

حماسه وداع با سید حسن نصرالله

فاطمه شریفی

در عصر «انفجار اطلاعات» و «عمر کوتاه پیام» تاریخ بیش از آن‌که در کتابخانه‌ها ساخته شود، در لحظات آنی رسانه‌ها شکل می‌گیرد. اما پارادوکس بزرگ اینجاست: هرچه حجم تولید محتوا بیشتر می‌شود، خطر «تحریف» و «فراموشی» نیز عمیق‌تر می‌شود. در جهانی که روایت‌های رسمی ازسوی غول‌های رسانه‌ای غرب مهندسی می‌شوند، ثبت و ضبط دقیق وقایع تاریخی دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک «جهاد تبیین» و ضرورتی برای بقای هویت ملی و اعتقادی است.

اگر واقعه‌ای روایت نشود، در غبار زمان گم می‌شود و اگر غلط روایت شود، به ابزاری علیه صاحبان آن واقعه بدل می‌شود. سالگرد ۵اسفند، نه فقط یادبود یک وداع حماسی با پیکر مطهر شهید سیدحسن نصرالله، بلکه سالگرد «تثبیت یک روایت حق» در برابر امواج سهمگین بایکوت خیزی است.

اهمیت ثبت تاریخی در عصر روایت‌های موازی

امروزه ما در عصر «پسا-حقیقت» زندگی می‌کنیم، جایی که تصویر واقعه، از خود واقعه تعیین‌کننده‌تر است. اهمیت نگارش آثاری که مستقیماً از دل واقعه بیرون آمده‌اند، در چند محور خلاصه می‌شود:

جلوگیری از قلب واقعیت: دشمن تلاش می‌کند تشییع‌های میلیون‌ریا به «تجمعات سازمان‌یافته» تقلیل دهد. ثبت جزئیات، چهره‌ها و اشک‌های بی‌ریا، این حربه را باطل می‌کند.

انتقال حس به نسل‌های بعد: تاریخ صرفاً داده‌محور، سرد است. اما روایتی که بوی باروت، صدای ناله و گرمای حضور مردم را منتقل کند، در ذهن‌ها ماندگار می‌شود.

مستندسازی برای قضاوت آیندگان: آیندگان نباید نصرالله را تنها از قاب شبکه‌های عبری-عربی بشناسند؛ آنها باید بدانند در ۵اسفند بر جغرافیای مقاومت چه گذشت.

نفوذ به قلب واقعه

در میان تلاش‌های صورت گرفته برای زنده نگه‌داشتن این حافظه تاریخی، کتاب «دوازده صفر سه» نوشته محمداصادق علیزاده، جایگاهی ویژه دارد. این اثر که ازسوی انتشارات سورمه‌پر روانه بازار نشر شده، فراتر از یک گزارش خبری ساده، یک «روایت زیسته» است. علیزاده در مقام یک خبرنگار اما با نگاهی جست‌وجوگر و انسانی، سفر خود به لبنان را در برهه‌ای روایت می‌کند که جهان در بهت ترور سید مقاومت فرو رفته بود. «دوازده صفر سه» خود گویای لحظه‌ای است که گویی زمان برای محور مقاومت ایستاد یا از نو آغاز شد.

ویژگی‌های شاخص این روایت:

۱. نگاه از درون: نویسنده تنها به توصیف جمعیت نمی‌پردازد؛ او به کوچه پس کوچه‌های ضاحیه می‌رود، با مردم دادگار همکلام می‌شود و «ترس و شجاعت» را در هم تنیده به تصویر می‌کشد.

۲. صراحت خبرنگارانه: علیزاده از دشواری‌های سفر از فضای امنیتی و از انبهامات نمی‌گذرد. این صراحت، به متن اعتبار می‌بخشد و مخاطب را با خود همراه می‌کند.

۳. تجسم حماسه تشییع: بخش‌های مربوط به مراسم تشییع در کتاب، به گونه‌ای بازنمایی شده است که گویی خواننده در میان لایه‌های متراکم جمعیت حضور دارد و لرزش‌شانه‌های بیروت را حس می‌کند.

فراتر از یک وداع

تشییع سید حسن نصرالله در ۵اسفند، پیامی فراتر از یک آیین سوگواری داشت. این رخداد، «فراندوم مقاومت» در میانه آتش بود. حضور طوایف مختلف لبنانی و نمایندگان ملل مسلمان نشان داد که نصرالله، مرزهای مذهبی را درنوردیده و به نماد «عزت شروق» تبدیل شده است. ازسوی دیگر اسرائیل گمان می‌کرد با حذف فیزیکی سید، بدنه مقاومت فرو می‌پاشد. اما ۵اسفند ثابت کرد «نصرالله شهید» برای دشمن خطرناک‌تر از «نصرالله زنده» است و هر قدمی که در بدرقه او به آسمان برداشته شد، گامی به سوی آزادی فلسطین تعبیر شد.

کتاب‌هایی نظیر «دوازده صفر سه» قطعات پازل ادبیات مقاومت هستند. سورمه مهر با انتشار این اثر، نشان داد درک درستی از «زمان‌شناسی» در نشر دارد. ثبت روایت‌های اول شخص از وقایعی که هنوز داغ هستند، مانع از آن می‌شود، روایت‌های جعلی دست‌دوم جایگزین حقیقت شوند.

نصرالله، رسانه‌ای که با شهادت تکثیر شد

در تحلیل این حماسه، نباید از یاد برد که خود شهید سیدحسن نصرالله، یک «بررسانه» بود. او با تسلط بر زبان بدن، فن بیان و درک دقیق از روانشناسی مخاطب (چه دوست و چه دشمن)، معادلات منطقه را تغییر می‌داد. وقتی چنین شخصیتی به شهادت می‌رسد، دشمن گمان می‌کند «منبع پیام» را کور کرده است. اما حماسه تشییع نشان داد، پیام او از مرحله «سال» به مرحله «ایمان» عبور کرده است.

در عصر حاضر، ثبت وقایع تاریخی به معنای کدگذاری دوباره این پیام‌هاست. اگر محمداصادق علیزاده در کتاب «دوازده صفر سه» از فضای سنگین بیروت می‌نویسد، در واقع در حال ترسیم پیکر بندی جدیدی از قدرت در منطقه است. قدرتی که دیگر نه در موشک‌ها، بلکه در «اراده زنی که فرزندش را فدای مسیر سید کرده» یا «جوانی که زیر سایه پهلپادهای اسرائیلی، تابوت نمادین رهبرش را به دوش می‌کشد» تجلی می‌یابد. اینجاست که ثبت تاریخی، از یک گزارش ساده به یک «بیتابه سیاسی» بدل می‌شود.

واکاوی سبک روایت

کتابی که ازسوی سورمه‌پر منتشر شده از منظر فرمی نیز قابل بررسی است. علیزاده در این اثر، از «دانی کل» فاصله گرفته و در قامت یک «شاهد عینی» ظاهر شده است. این هوشمندی باعث می‌شود، مخاطب به روایت اعتماد کند. در بخشی از کتاب، نویسنده به توصیف لحنظانی می‌پردازد که میان بیم و امید در نوسان است؛ ترس از بمباران‌های مجدد و امید به تداوم راه. او در «دوازده صفر سه»، بیروت را نه یک شهر توریستی، بلکه یک «جزئیات» همه چیز هستند. توصیف زیست و روزمره جوانان لبنانی یا نحوه نگاه یک رزمنده حزب‌الله در مراسم، اطلاعاتی به ما می‌دهد، هیچ تحلیلگر سیاسی نمی‌تواند به آن دست یابد. این کتاب، «تاریخ شفاهی یک لحظه سرنوشته‌ساز» است.

تقابل روایت‌ها: حقیقت در برابر فیک‌نیوز

باید به یاد آوریم که رسانه‌های جریان اصلی (Mainstream Media) چگونه تلاش کردند این حماسه را بایکوت یا منحرف کنند. آنها بر «تویرانی‌ها» تمرکز کردند تا «ایستادگی» دیده نشود. آنها از «پایان یک دوران» سخن گفتند تا «آغاز یک عهد» بنهاند.

ثبت وقایع ازسوی خبرنگاران، پادزهر این حمله رسانه‌ای است. وقتی کتابی مثل «دوازده صفر سه»

در قفسه کتابخانه‌ها قرار می‌گیرد، در واقع یک «سند جسم» است. مستندسورمه‌پر با چاپ این اثر، به نرم مقاومت کمک کرده است؛ چراکه قدرت واقعی در قرن ۲۱، در دست کسی است که بتواند «روایت» خود را بهتر و صادقانه‌تر روایت کند.

چرا باید امروز بنویسیم؟

در اولین سالگرد این وداع حماسی، بازخوانی این کتاب و تعمق در چرایی ثبت وقایع، به ما یادآوری می‌کند نبرد اصلی، نه در ضاحیه، بلکه در «صفحات کاغذ» و «قاپ» رسانه‌ها» در جریان است. سیدحسن زنده است، تا زمانی که روایت او زنده بماند.

مطالعه کتاب «دوازده صفر سه» برای هر کسی که می‌خواهد عمق استراتژیک عواطف انسانی در جغرافیای مقاومت را درک کند، یک ضرورت است. این کتاب، سندی است بر اینکه حقیقت، حتی زیر آوارها و در میانه دود و آتش، راه خود را به سوی ابدیت باز می‌کند.

محمد صادق علیزاده، مؤلف کتاب «دوازده صفر سه»



پیش‌گزارش

نظر و گذری بر خاطرات شادروان ولی‌الله چهپور

«همراه پیر پاک» در گذر زمان

■ **سمانه صادقی**



انتری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، خاطرات زنده‌یاد ولی‌الله چهپور را در خود دارد. این مجموعه از سوی روی تدوین یافته‌ و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته

است. تاریخ‌نمای ناشر در اشاره به مضمون و محتوای این کتاب نکات بی‌ آمده‌ را از نظر دور نداشته‌ است: «روایت‌خاطرات در تبیین ابعاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران از جایگاه ویژه‌ای بر خوردار است. اسناد، تصاویر و حتی ثبت وقایع، هرگز به‌تنهایی نمی‌توانند بیان‌کننده‌ روایات پیداستاد و پنهان تاریخ باشند، چراکه انگیزه‌ها و آرمان‌ها اخلاصی‌ها و اینارها و تصمیمات پنهانی از چشم و گوش عکاس و مورخ مخفی، اسما در اذهان باقی می‌مانند. خاطرات می‌توانند منابع‌مکتوب تاریخ را گویا کنند و آنچه را که از دیدگاه پنهان مانده آشکار کنند، خصوصاً افرادی که خود جزو تاریخ‌سازان بوده‌اند. مرکز اسناد انقلاب اسلامی به‌خاطر رسالتی که در تدوین تاریخ انقلاب به عهده گرفته‌است، صدها ساعت‌خاطره را از شاهدان تحولات و وقایع ضبط کرده‌است و تاکنون چندین کتاب‌از آن را با هماهنگی‌راویان منتشر کرده‌است. ولی‌الله چهپور از جمله مبارزانی است که با نخستین زمره‌های انقلاب به‌ جرگه مبارزان پیوست و در کنار آیت‌الله طالقانی به فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی پرداخت. کتاب حاضر شرح زندگی ایشان و روند کوشش‌ها و مجاهدت‌های وی در راستای پیروزی انقلاب اسلامی است...»

مؤلف فقیهدر دیباچه‌ای بر یادمان‌های خویش، چنین‌نگاشته‌ است: «اسنان در بیشتر تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های خود آزاد و مختار است و جزو و فشاری او را به‌جهتی‌خلاف میل و اراده‌اش ملزم نمی‌نماید. گاهی ناخواسته یا ناخودآگاه در مسیری فرار می‌گیرد که او را به پایانی که هرگز



▼ **فروردین ۱۳۵۸**، چاکرود رامسر، ولی‌الله چهپور در گفت‌وگو با آیت‌الله طالقانی

به فکرش نمی‌رسید، ختم می‌نماید یا با اشخاصی همراه و همکار می‌شود که آنان فکر و اندیشه‌اش را تغییر داده، جهت‌حرت‌با شیوه‌زندگی او را متحول می‌کنند. خود نیز یکی از این افراد هستم. جوانی که به علت فوت زود هنگام پدر مجبور به ترک تحصیل می‌شود و برای مداوای پای سوخته‌اشش به علت نداشتن هیچ پولی، ماکت‌اردبوی دست‌ساز خود را به دکترش اهدا می‌نماید و به دنبال آن عرصه‌زندگی بر او سخت‌تر می‌شود؛از براسئولیت‌آثاره‌زندگی خود، به‌ناچار خیلی زودتر از همسن‌وسالن خود راهی بازار کار و درآمد می‌شود. آشنایی با نحوه رفتار صاحبان مغازه‌ها و استادکارها که معمولاً و مطلق با فرهنگ رایج با نوعی تحقیر شخصیت و توهمین، سختی کار، حق‌کشی و بی‌عدالتی در پرداخت دستمزد و غیره همراه است؛ او را مصمم به ادامه تحصیل مجدد می‌نماید تا بیشتر بداند و بفهمد که چگونه می‌شود نگرش دیگران را نسبت به خود با طی مدارج علمی تغییر داد. این جوان مسئول و نان‌آور خانواده – که مراحل شازگردی و کارآموزی را طی کرده‌است- اینک نمی‌تواند با دستمزد ناچیزی در حد هفت‌ریال حقوق روزانه خانواده تحت تکفل خود اداره کند. بنابراین اراده می‌کند تا روی پای خود ایستاده، برای خودش فعالیت کند و دسترنجش‌نصبی دیگران نشود. ابتدا با خرید یک باب مغازه‌اوراوق فروشی، قطعات خودرو همراه یک نفر شریک و با پرداخت مبلغ ۱هزار تومان پس‌انداز خود کسب‌وکار را شروع می‌نماید و چندی بعد با خرید سهم شریکش – که با حمایت یکی از سرمایه‌داران خبر ممکن می‌شود- به‌طور مستقل فعالیت در بازار را شروع می‌نماید و به‌زودی بازارش رونق گرفته و کاسب پر درآمدی می‌شود. قرار گرفتن مغازه‌اش در جوار همسایگیانی مؤمن، متعهد و از جان گذشته در راه اسلام و سپس آشنایی با دوستان و همفکران این همسایگان از علل اصلی تحول فکری و تغییر در بینش این جوان است...»

■ **نیما احمدپور**

در روزهایی که بر ما گذشت، زنده‌یاد حاج ولی‌الله چهپور از مبارزان انقلاب اسلامی و خیرین پر تلاش، روی از جهان بر گرفت و به‌سپار ابدیت شُد. وی در روزهای اوج‌گیری نهفتست، عهده‌دار امور مالی دفتر زنده‌یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی بود و از آن مقطع، خاطراتی شنیدنی داشت. در مقال پس‌آمده، بخش‌هایی از یادمان‌های آن فقید سعید مورد بازخوانی تحلیلی قرار گرفته‌اند؛ روحش شاد و یادش گرامی باد.

■ ■ ■

■ **اگر به فرزندان مان می‌گوییم به سینما نروید، باید برای آن به فکر جایگزین باشیم**

زنده‌یاد حاج ولی‌الله چهپور در سالیان منتهی به انقلاب اسلامی در عرصه‌های گوناگون مبارزاتی فعالیت داشت که یکی از آنها میدان فرهنگ بود. او با تهیه و پخش فیلم در مدارس اسلامی سعی داشت تا آن را جایگزینی برای رفتن به سینما از سوی نوجوانان و جوانان قشر مذهبی سازد:

«آقای بهشتی می‌گفت: «به فرزندان مان می‌گوییم سنینما نروید، تلویزیون نبینید؛ خب شما بیابید یک چیزی جایش بگذارد...». ما هم (با دکتر توانایی فر که استاد دانشگاه بود)، یک شرکت فیلم در خدمت دین درست کردیم... من خودم در مدارس اسلامی مانند مدرسه علوی، مدرسه فقه، مدرسه معرفت و...، هفته‌ای یک‌دفعه می‌رفتم و برای بچه‌ها فیلم ۱۶ میلی متری پخش می‌کردم؛ از این پرده‌های بسیار داشتیم. یک جاهایی که خلاف بود، فیلم را می‌چیدیم؛ کو تینت مادر و برادرزاده‌های تینتس بر او تحمیل جوری که این فیلم‌ها فرامی‌دادم. آقای هاشمی رفسنجانی، نمونه‌ای از این فیلم‌ها را دید. گفت اینها را بخش نکنید، اگر ساواکی‌ها این را ببینند، همه‌تان را می‌گیرند؛ با مضمون این فیلم‌ها مردم را به جهاد و مبارزه تشویق می‌کردیم. این کارها را من در خانه انجام می‌دادم. آیارات ۱۶ داشتیم... بعد از انقلاب، صادق قطب‌زاده مجموعه‌ای از آنها را از من گرفت، همان اول که به صداوسیما رفت و دیگر هم به ما پس‌نداد...»

■ **در ۱۷ شهریور، زنان جلوتر از مردان حرکت کردند و در خون خود غلطیدند**

راوی خاطرات به دلیل اقامت در خیابان ایران، در زمره آنان بود که در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (معروف به جمعه سیاه)، خود را سریع‌تر از بسیاری به میدان شهدا رساند و امداد رسانی به مجروحان این فاجعه را آغاز کرد. وی



در روزهای اوج‌گیری انقلاب، شرایط بسیار حساس بود و هر لحظه احتمال می‌رفت که مأموران رژیم به دفتر آیت‌الله طالقانی حمله کنند؛ به همین دلیل ما اسم دفتر را گذاشته بودیم **بمب ساعتی!** تلفن‌های دفتر، به‌شدت کنترل می‌شدند. یک روز که من و آقای رفیق دوست‌داشتیم تلفنی باهم صحبت می‌کردیم، منو چه‌ری با زن جوی ساواک روی خط آمد و گفت: شما را شناسایی کرده‌ایم و نابودتان خواهیم کرد!

تاریخ

تاریخ ۰۴/۰۲/۱۳۵۳



«روزهای رقم خوردن تاریخ در مقطع اوج‌گیری انقلاب اسلامی»

در آیینه خاطرات زنده‌یاد ولی‌الله چهپور

دفتر آیت‌الله طالقانی جایگزین نهادهای رسمی شده‌بود

بخشی از مشاهدات عینی خویش را به شرح ذیل به

تاریخ سپرده‌است:

«من در روز ۱۷ شهریور در میدان شهدا بودم و مجروحان آن فاجعه را همراه با مردم به منزل دکتر واعظی در ابتدای کوچه روحی بردم. در آنجا متوجه شدم، بارچه، پنبه و وسایل پانسمان خیلی کم است. رقتیم و به مردم اعلام کردیم و هنوز ساعتی نگذشته بود که کوهی از ملافه و وسایل پانسمان در منزل دکتر واعظی جمع شد؛ همراهی و همدلی مردم در آن روزها بی‌نظیر بود. مأموران گارد در سر کوچه‌های فرعی خیابان ۱۷ شهریور مستقر شده بودند و به سمت هر کسی که عبور می‌کرد، تیراندازی می‌کردند. در هر حال در منزل دکتر واعظی و به شکلی خودجوش، ستادی برای درمان مجروحان ۱۷ شهریور تشکیل شد و شهید دکتر فیاض‌بخش و چند پزشک دیگر برای کمک آمده بودند. در این میان، سه نفر آدم مشکوک توجه مرا به خود جلب کردند؛ رقتم و پرسیدم اینجا چه کار دارید؟ دلیل قانع‌کننده‌ای نداشتند و یکی از آنها گفت چون در کوچه و خیابان تیراندازی می‌کنند، به اینجا پناه آورده‌ایم! مانده بودم که چگونه رفتن آنها را از آنجا کم‌کم؛ بالاخره یک کاسه آب یخ برداشتم و از خانه بیرون رفتم و آن کاسه آب را به سربازهایی که سر کوچه ایستاده بودند، دادم و گفتم سه نفر در خانه هستند که حال خوبی ندارند و باید زودتر خودشان را به درمانگاه و مراکز پزشکی برسانند، اجازه بدهید که آنها بروند. سربازها قبول کردند و به این شکل شر آن سه نفر را از سر مجروحان کم کردیم؛ یکی از موارد جالب این بود که در روز ۱۷ شهریور کمی قبل از شروع تیراندازی یک سرگرد شهربانی با عجله و نگرانی آمد و به مردم هشدار داد: امروز وضع خطرناک است و هر چه زودتر از اینجا بروید، اما هشتمی این فیلم‌ها مردم را به جهاد تشویق می‌کردیم. این کارها را من در خانه انجام می‌دادم. آیارات ۱۶ داشتیم... بعد از انقلاب، صادق قطب‌زاده مجموعه‌ای از آنها را از من گرفت، همان اول که به صداوسیما رفت و دیگر هم به ما پس‌نداد...»

■ **در ۱۷ شهریور، زنان جلوتر از مردان حرکت کردند و در خون خود غلطیدند**

راوی خاطرات به دلیل اقامت در خیابان ایران، در زمره آنان بود که در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (معروف به جمعه سیاه)، خود را سریع‌تر از بسیاری به میدان شهدا رساند و امداد رسانی به مجروحان این فاجعه را آغاز کرد. وی

▼ **زنده‌یاد ولی‌الله چهپور**

هر بار که مسعود رجوی می‌خواست نزد آیت‌الله طالقانی برود، اسلحه‌اش را می‌گرفتیم و می‌گفتم اجازه نمی‌دهم با اسلحه بروی! آقا هم از هر ۱۰ بار، یک بار او و رفقاییش را راه می‌داد؛ ایشان معتقد بود، اینها دستگاه منسجمی دارند و باید حتی‌الامکان مدیریت شان کرد که به فعالیت‌های مخفی نپردازند که آن وقت کنترل‌شان فوق‌العاده دشوار می‌شود و صدمات زیادی به انقلاب می‌زنند؛ کما اینکه در آینده همین‌طور هم‌ شد

رفتار مرحوم طالقانی، بدون ذره‌ای ترس از ماشین پیاده شدند و به طرف مأموران گارد رفتند. آنها وقتی چشم‌شان به یک روحانی افتاد، دست و پای خودشان را جمع کردند. فرمانده‌شان هم آیت‌الله طالقانی را شناخت و جلو آمد. ایشان سؤال کردند چراین جوان را می‌زنی؟ گفت تو همین کرده‌است. پرسیدند مثلاً چه گفته‌است؟ جواب داد گفته است مرگ بر شاه. آقا گفتند دروغ نگفته‌است، همه می‌میرند، شما نمی‌میری؟ من نمی‌میرم؟ برای حرف‌حق که نباید کسی را کتک زد. بعد هم نیم ساعت برای آنها حرف زدند. مردم هم کم‌کم جمع شدند و به حرف‌های ایشان گوش دادند. حرف‌های‌شان به‌قدری دلسوزانه و صمیمی بود که حتی بعضی از مأمورین و مردم به‌گریه افتادند؛ سخنان ایشان که تمام شد، فرمانده گاردی‌ها گفت به خدا خودمان هم نمی‌دانیم تکلیف‌مان چیست و چه باید بکنیم؛ مرحوم طالقانی گفتند به شما اسلحه ندادند که به خاطر یک آدم جنایتکار به جان مردم بفتیند؛ بعد هم به آنها گفتند خانه من در همین نزدیکی سر بیچ شیران است؛ هر وقت مسئله‌ای برای‌تان پیش آمد، بیایید با هم حرف بزنیم و آن مسئله را حل کنیم. به خانه که برگشتم؛ مرحوم طالقانی گفتند بهتر است از حالا به بعد بیشتر به میان مردم برویم...»

■ **منوچهری در میانه‌مکالمه من روی خط آمد و گفت نابودتان می‌کنیم**

آیت‌الله طالقانی به دلیل وقایع متنوع دفتر خویش در دوره‌اوج‌گیری انقلاب اسلامی، به ولی‌الله چهپور توصیه کرده بود که خاطرات این دوره را بنویسد. پرداخت و پس از چندی، مسئولیت امور مالی آن را بر عهده گرفت: «در آبان سال ۷۰، رژیم برای اینکه کمی سر و صداها را بپراپاند، عده‌ای از زندانیان سیاسی را آزاد کرد که اتفاقاً جواب برعکس داد؛ مخصوصاً آزادی مرحوم آقا (آیت‌الله سیدمحمود طالقانی) خیلی به‌ضرر رژیم تمام شد؛ چون در غیاب حضرت امام، دفتر مرحوم آقا در روزها وضعیت خیلی حساس بود و در هر همه کارها از دعوای زن و شوهرها گرفته تا رسیدگی به وضعیت افرادی که سرمد دستگیر می‌کردند و می‌آوردند تا حتی کار بعضی از وزار‌تخانه‌ها در این دفتر انجام می‌شد. این روند تا جایی پیش رفت که آسایش آقا در منزل خودشان به کلی مختل شد و ناچار شدند به آپارتمان خلیل رضایی در خیابان طالقانی بروند. البته در آنجا هم نتوانستند زیاد بمانند و به من گفتند: «فکر می‌کنم آقا خیلی زود این انقلاب بر می‌خورند...»

بنده آقا را به منزل خودم آوردم که نسبتاً وسیع بود و اغلب جلسات مهم از جمله جلسات شورای انقلاب در آنجا تشکیل می‌شد. از آنجا که احتمال می‌دادیم دوباره زندانی می‌شویم، تمهیداتی را اندیشیدیم. منزل ما دو تا در داشت و گاهی شب‌ها از در پشتی به خانه می‌رفتیم و نگرانی آمد و به مردم هشدار داد: امروز وضع خطرناک است و هر چه زودتر از اینجا بروید، اما هشتمی این فیلم‌ها مردم را به جهاد تشویق می‌کردیم. این کارها را من در خانه انجام می‌دادم. آیارات ۱۶ داشتیم... بعد از انقلاب، صادق قطب‌زاده مجموعه‌ای از آنها را از من گرفت، همان اول که به صداوسیما رفت و دیگر هم به ما پس‌نداد...»

■ **شی در میان نیروهای گارد شانشاهی**

بی‌تردید شادروان چهپور، منبعی شاخص برای «طالقانی پژوهی» به شمار می‌رفت. چه در دوره‌ای خطیر در زمره نزدیکان آن بزرگ قلمداد می‌شد، وی از این مصاحبت‌ها ماجراهایی شنیدنی بازگو می‌کرد که خاطره‌یی آمده در زمره آنهاست:

«یک بار بعد از آزادی از زندان آخر، آقا یک شب به من گفتند مرا به خیابان بر، ببینیم چه خبر است! به دروازه شیرمان رقتیم و دیدیم یک مأمور گارد جوانی را حسابی کتک می‌زند و به طرف ماشین گارد می‌بردا مرحوم طالقانی به من فرمودند با ماشین برو وسط گاردی‌ها! گفتیم آقا! خطرناک است ما را با تیر می‌زنند. ایشان گفتند ترس برا من ماشین را بردم جلوی مأموران گارد و یکی از آنها به طرف‌مان نشانه‌اش می‌زدند آنها را به دفتر مرحوم طالقانی می‌آوردند و اکثر اصرار می‌کردند که طرف را همانجا اعدام کنیم؛ ما باید مدام بسرای آنها توضیح می‌دادیم که اینها اگرچه خطاکارند، اما فریب‌خورده و آلت دست رژیم شاه بوده‌اند؛ باید ذهن آنها را نسبت به ماهیت رژیم شاه روشن کرد تا از این راه بر گردند. یک بار تعدادی از زنان بدکاره را دستگیر کردند و آوردند و اصرار داشتند که اینها در همانجا اعدام شوند؛ بعد از اینکه از آنها بازجویی کردیم، متوجه شدیم نفری ۵۰۰ تا ۲هزار تومان گرفته بودند تا در تظاهرات علیه انقلاب اسلامی (که به عنوان تظاهرات قانون اساسی شهرت یافته بود) شرکت کنند؛ یادم هست که بیش از نیم ساعت به شروع حکومت نظامی باقی نمانده بود و ما هم در دفتر جاو مکانی برای دستگیرشدگان نداشتیم. سرانجام تصمیم گرفتیم که روی سر آنها چادر ببندیم و آنها را در اتومبیل کسانی که داشتند از دفتر به خانه‌های‌شان می‌فرتند، جا و از

جوان

روزنامه جوان | شماره ۷۵۳۲

مهلکه نجات بدهیم...»

■ **کمک به همه افشار با افتتاح حسابی قرض الحسنه**

در غیاب امام‌خمینی، بسیاری از مسائل مربوط به انقلاب اسلامی از سوی دفتر آیت‌الله طالقانی حل‌وفصل می‌شد. این مهم با کمک‌های مالی و تدارکاتی مردمی میسر می‌گشت که امکان آن را فراهم می‌ساختند. چهپور در باب نحوه سامان یافتن فعالیت‌های مالی آن دفتر به نکات بی‌آمده اشارت برده‌است:

«ما همه جور مراجعاتی به دفتر داشتیم. از یک طرف نقش کمیته امداد را داشتیم و سعی می‌کردیم که به آدم‌های در مانده و بی‌بضاعت کمک کنیم. از طرف دیگر، مردم پول، خوراک، وسایل درمان و هر چیزی را که فکر می‌کردند ممکن است به درد دیگران بخورد، می‌آوردند. جالب اینجاست که گاهی هم می‌آمدند و پول قرض می‌گرفتند؛ مثلاً یک بار، خانمی گردنبندی آورد و پیشم گرو گذاشت و هزار تومان پول خواست! تک‌تک دریافتی و پرداختی‌ها را با ذکر جزئیات یادداشت می‌کردم. آقا وقتی فهمیدند که این کار را می‌کنم، گفتند یک وقت اگر خدای ناکرده انقلاب بیرون نشود و این دفتر به دست مأموران بیفتد، این بندگان خدا که حسابی به در دسر می‌افتند! گفتم پس این همه پول را چه کنیم؟ فرمودند بگذار در صندوق قرض‌الحسنه و اگر تو را گرفتند بگو متعلق به فلائی است؛ آن دفتر را از بین بردم و پول‌ها را در صندوق قرض‌الحسنه بازار گذاشتم و بخش زیادی از حقوق کارمندی که اعتصاب کرده بودند از همین محل پرداخت شد. از جمله یک بار شهید بهشتی آمدند و گفتند در اراک کارگران کارخانه‌ای اعتصاب کرده‌اند و به شدت در مضیقه هستند، ممکن است به این دلیل اعتصاب‌شان را بشکنند؛ آقا فرمودند پول کافی برادر و به اراک برو و به آنها حقوق بده تا بتوانند مقاومت کنند؛ من هم همین کار را کردم...»

■ **به رجوی گفتم اجازه نمی‌دهم که با اسلحه نزد آیت‌الله بروی**

نخوه تعامل آیت‌الله طالقانی با سازمان موسوم به مجاهدین خلق، همواره محل گمانه‌زنی و تنوع تحلیلی بوده‌است. با این همه مشاهدات ولی‌الله چهپور در این‌باره می‌تواند ساحت این موضوع را شفاف سازد:

«هر بار که مسعود رجوی می‌خواست پیش آقا برود، اسلحه‌اش را می‌گرفتم و می‌گفتم اجازه نمی‌دهم؛ با اسلحه پیش ایشان بروی! آقا هم خندایش از هر ۱۰ بار یک بار او و رفقاییش را راه می‌داد؛ نظر آقایین بود که اینها دستگاه عریض و طویل و منسجمی دارند و باید حتی‌الامکان مدیریت‌شان کرد که به فعالیت‌های مخفی نپردازند که آن وقت کنترل‌شان محال بافوق‌العاده دشوار می‌شود و صدمات زیادی به انقلاب می‌زنند؛ کما اینکه همین‌طور هم شد. نیروهای کارآمد و مفیدی را که اینها در فاصله سه چهار سال از بین بردند، شاه در کل حکومتش از بین برد؛ ما هم آقا می‌گفتند باید به هر نحو ممکن، جلوی این جور خسارت‌ها را گرفت. مرحوم آقا معتقد بودند اکثر این جوان‌ها، زیر بار تبلیغات سنگین سازمان مجاهدین و حامیان آنها گول خورده‌اند و باید سعی کرد تا این عده با روشنگری و ملاحظت برگردند. به قول حضرت علی (ع)، آنها به خاطر عقاید باطل‌شان ایستادگی می‌کردند و حتی فحش و کتک می‌خوردند، اما را روی حرف حقمان نمی‌ایستادیم؛ خیلی زرنگ بودند و همه جا هم آدم داشتند...»

■ **هسرم گفت آقا سید احمد خمینی در به در دنبال شما می‌گردد**

مسافرت اعتراضی آیت‌الله طالقانی از تهران در پایان فروردین ۱۳۵۷، در زمره سرفصل‌های کارنامه سیاسی وی در دوره برقراری نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. زنده‌یاد چهپور، ایشان را در آن سفر همراهی می‌کرد و شاهد حاشیه و متن آن بود:

«هرم آقا بر سر قضیه دستگیری مجتبی، فبری خسته و دلخور شده بودند و گفتند بهتر است چند روزی از تهران بیرون برویم. ما هم ایشان را به چاکرود رامسر بردیم. بنده پس از یک روز، به راه رفتن تا خرید کنیم، دیدم سر این قضیه راهبیمایی راه افتاده‌است؛ به خانه زنگ زدم و خانم گفت آسیداحمد خمینی دارد در در دنبال شما می‌گردد. به‌زم گفت زدم؛ مرحوم سیداحمد گفت امام گفته‌اند به آقای طالقانی بگویید، مجاهدین تحت عنوان حمایت از ایشان آشوب‌را نماندند و می‌گویند ایشان هر چند نیرو بخواد در اختیارش قرار می‌دهیم، هر کاری که می‌خواهد بکنند؛ گفتم آقا واقعاً هستند و دو سه روزی باید استراحت کنند؛ در هر حال یک بعد از نصف شب بود که با اجازه مرحوم آقا، آقا سیداحمد آمد. مرحوم آقا به ایشان خیلی علاقه داشت و از دیدنش خوشحال شد. احمد آقا هم خیلی آقا را دوست داشت. در عرم ندیده بودم که احمد آقا پای کسی را بیوسد، ولی پای آقا را بیوسید؛ آقا پرسیدند جای مرا از کجا پیدا کردی؟ احمد آقا لو نداد که چهپور گفته‌است و به شوخی گفت مأمورانی داریم که خبر می‌دهند؛ راستش دیده بودم، اوضاع مملکت به هم ریخته و پای انقلاب در میان است و جاندار جای آقا را نگویم. مرحوم آقا به احمد آقا گفتند حیفت از این آب و هوای خوب نمی‌آید؛ خودت هم یکی دو روزی بمان و استراحت کن. بعد می‌رویم. احمد آقا گفت نه آقا! اوضاع به هم ریخته‌است، گروه‌ها راهبیمایی راه انداخته‌اند. آقا واقعاً ابعاد این راهبیمایی‌ها را نمی‌دانستند و وقتی فهمیدند، فوراً به راه افتادند. به‌قم رفتیم و مرحوم آقا با حضرت امام ملاقات کردند. بعد هم در مدرسه فیضیه سخنرانی کردند و مجاهدین عمل‌خلاق سلاح شدند...»

▼ **۱۲ شهریور ۱۳۵۷**، فرودگاه مهرآباد تهران، ولی‌الله چهپور در کنار آیت‌الله سیدمحمود طالقانی



آسیب‌شناسی تب‌های اجتماعی در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر حسن بنیانیان، تحلیلگر فرهنگی

دشمنان از شکاف میان «انتظارات» و «پاسخگویی» سوءاستفاده می‌کنند



محمد بنیانیان، مدیر جوان

حسن فرامرزی

همچنان که سرسرحال‌ترین بدن‌ها در گیر بیماری و ضعف می‌شوند، خاصیت جوامع زنده انسانی این است که گاه موج‌های آشوب در شریان‌های جامعه بالا و پایین می‌شود، با این همه مهم این است که ما در ک و ببینش درستی نسبت به تب‌های اجتماعی داشته باشیم. گفت‌وگوی ما با دکتر حسن بنیانیان، تحلیلگر برجسته فرهنگی بر این موضوع متمرکز شده است که چگونه می‌توانیم با اعتراض‌های اجتماعی مواجهه درستی داشته باشیم.

اخیراً عبارتی از آقای رئیس‌جمهور دیدم با عنوان «طبایب اجتماعی» که اگر اشراف نسبت به آن نداشته باشیم، زخم‌های اجتماعی ترمیم نخواهد شد. از طرفی رخدادهای تلخی در دی‌ماه اتفاق افتاد. به عنوان یک تحلیلگر فرهنگی و اجتماعی دیدگاه‌تان نسبت به امکان طبایب اجتماعی چیست؟

در جامعه ما از یک طرف انتظارات و توقعات در بین لایه‌های مختلف مردم رو به افزایش است و از طرف دیگر سرعت پاسخگویی ما متناسب با این توقعات رشد نمی‌کند، یعنی شکاف افزایش انتظارات و سرعت پاسخگویی عامل نارضایتی است. حالا وقتی این نارضایتی شکل می‌گیرد- این راه در نظر بگیرد که ایران مسیر متفاوتی از فضای حاکم بر جهان را طی می‌کند- دشمنانی که منفعت خود را در از بین رفتن نظام جمهوری اسلامی می‌بینند با استفاده از رسانه‌های مدرن و در قالب جنگ شناختی از شکاف میان انتظارات و پاسخگویی ما استفاده می‌کنند.

به زعم شما چرا سرعت توقعات بالاتر از سرعت پاسخگویی است؟

ما یک مردم‌سالاری ناقص به لحاظ شکل کار کرد داریم. توجه کنید که اصل مردم‌سالاری زیر سؤال نیست اما نوع سازماندهی که ما در این سال‌ها کار انجام می‌دهیم و طی آن افراد بدون اینکه تعهداتی برای خود حس کنند متلا وارد جریان انتخابات می‌شوند، خواه‌ناخواه به نیازها دامن می‌زنند. این دامن زدن به نیازها در بستر فرهنگی روی می‌دهد که وابسته به درآمدهای نفتی است، در حالی که در شکل طبیعی مردم می‌فهمند هر توفیقی داشته باشند، باید مبتنی بر تولید و ارزش‌افزوده باشد، یعنی دولت‌ها مالیات بگیرند و به این انتظار پاسخ بدهند. امروز اگر در انگلستان فردی از حزبی این شمار انتخاباتی را داشته باشد که من دریافت مالیات را کاهش می‌دهم، بلافاصله مردم می‌گویند تو می‌خواهی چه خدمتی را کمتر ارائه کنی که از آن طرف مالیات کم دریافت کنی، اما در کشورهایی مثل ما که یک منبع درآمدی خارج از اقتصاد وجود دارد، به نام درآمدهای نفت و گاز، ما عملاً در ورطه اقتصاد برون‌زا افتاده‌ایم، مثل پدری که از بی‌پدری و اورسیده و لازم نیست پدر و اعضای خانواده کار کنند بلکه آن ارث در میان اعضای خانواده توقع آفرین است و اعضا مرتب به پدر فشار می‌آورند که این ارث را نقد کن که ما زندگی کنیم و از مواهب زندگی برخوردار باشیم.

یعنی شرایط حاکم بر اقتصاد ما سلسله‌ای از رفتارهای اجتماعی و فرهنگی را به دنبال می‌آورد.

بله، شخصیت‌های بزرگ ما چه در خطبه‌های نماز جمعه، چه در انتخابات ریاست جمهوری چگونه سخن می‌گویند، نامزد نمایندگی مجلس راحت می‌گویند من اگر به مجلس راه پیدا کردم، راهاندازی قطار سریع‌السیر را در فلان منطقه پیگیری می‌کنم، احداث فلان اتوبان یا ورزشگاه ۵۰هزار نفری را پیگیری می‌کنم، بدون اینکه مجبور باشد همان وقت بگوید برای تأمین منابع مربوط به این پروژه‌ها از این قشرها مالیات خواهیم گرفت، البته یکسری توقعات نرم‌افزاری هم وجود دارد.

منظورتان از توقعات نرم‌افزاری چیست؟

وقتی ما مبتنی بر مبنای دینی خودمان در مردم و نسبت به مدیران جامعه انتظار تعریف می‌کنیم که مدیران ما چطور باید زندگی کنند، مدیران ما چقدر در برخورد با مردم خوش‌برخورد و متواضع باشند، یا همه افشار نشست و برخاست کنند و دسترسی‌ها به مدیران در جمهوری اسلامی راحت باشد، وقتی شما این توقعات را مطرح می‌کنی و از آن طرف در عمل نمی‌توانی برآورده و اجرا کنی، تبدیل به عامل نارضایتی می‌شود. از طرف دیگر امکان فریب افکار عمومی هم وجود دارد. وقتی رسانه‌هایی که از طریق ماهواره و شبکه‌های تلویزیونی تصویر کشورهای توسعه‌یافته را که ۴۰۰سال است منابع دنیا را می‌بلعند و پوسته‌های چشمگیر برای کشور خود ساخته‌اند و بزرگ‌ترین برج‌های دنیا را با آن امکانات در اختیار دارند و این بخش‌های زیبا را در تلویزیون خودشان نشان می‌دهند، اینها در کشورهای ما تبدیل به انتظارات می‌شود. جالب این است که این انتظارات آفرینی اینطور هم طرح نمی‌شود که اگر شما این سطح از رفاه را می‌خواهی، خودت چقدر کار می‌کنی و کارت چقدر مفید است. توجه می‌کنید؟ وقتی ما به اقتصاد کشور نگاه می‌کنیم، می‌بینیم درصد بزرگی از نیروی اشتغال ما در کنار خیابان‌ها و مغازه‌هایی هستند که کار واسطه‌گری و دلالی دارند، یعنی کار تولیدی و اقتصادی ندارند. الان شما در خیابان‌های شهرها

می‌بینید از هر ۱۰ مغازه، یک مغازه نقش تولیدارزش‌افزوده را ندارد و مشکلی از اقتصاد حل نمی‌کند. در واقع می‌گویید چون اقتصاد ما درون‌زا و مولد نیست خواه ناخواه شرابیطی را به وجود می‌آورد که نوعی گسست میان مردم و حاکمیت پدید می‌آورد که مثلاً مدیران و سیاستمداران احساس نیاز به مردم نمی‌کنند، چون می‌گویند ما پول نفت داریم، یعنی حاکمیت آموزش ندیده که برای رفتارهای خود مردم را اقتناع کند.

اقتناع در حوزه فرهنگ هم در عملکردها تعریف می‌شود و هم در اینکه چطور با مردم گفت‌وگو کنیم. مثلاً شما در حوزه عملکرد مدیران دولتی نمی‌بینید یک مدیر کل صنعتی با کارشناسان خود راه بیفتد، برود یک شهرک صنعتی، برود بخش خصوصی و بگوید شما مشکلی ندارید من بر طرف کنم؟ بلکه برعکس او در دفتر خود نشستگه تا بخش خصوصی بلند شود بیاید و با سختی، خودش را به آن مدیر دولتی برساند و مشکل خود را بگوید یا تصور کنید فرمانداری با امام جمعه به صورت نمادین هفته‌ای یک روز به واحدهای تولیدی، کشاورزی و صنعتی سر بزنند و بگویند ما آمده‌ایم از شما تشکر کنیم و بپرسیم در تولید چه مشکلی دارید؟ این رفتارها باز خورد همان اتکا بر درآمدهای نفتی است که به رفتارهای فرهنگی در جامعه ما تبدیل شده است. ۲۰سال است ما به درآمدهای نفتی تکیه کرده‌ایم و اصلاح‌آدمان شده که کارخانه تولیدی باید به بانک مراجعه و التماس کند بانک به آن واحد وام و تسهیلات بدهد، اما وقتی به یک کشور دیگر می‌رویم، می‌بینیم رئیس‌جمهور آنجا هر دو ماه یک بار با مدیران بخش خصوصی جلسه برگزار می‌کند و با دقت به مشکلات آنها گوش می‌دهد. آن وقت امروز یک مدیر صنعتی در یک استان بخواهد خودش را به دفتر استاندار برساند، چقدر با مشکلات و موانع عجیبی روبرو خواهد بود و مدت‌ها در صف نوبت قرار خواهد گرفت که استاندار او را ببیند یا نه، البته این راه هم بگویم که در چند سال اخیر با تأکیدات حضرت آقا در اهمیت دادن به تولید و رفع موانع، وضعیت قدری بهتر شده اما هنوز ریشه‌ای و سیستماتیک حل نشده است، چون اگر استاندار هم به تولید اهمیت بدهد، کارکنانی که باید مسئله را حل کنند، همچنان در همان فرهنگ گذشته به سر می‌برند و تولیدگر را فریدی نمی‌دانند که باید به او احترام گذاشت و از او حمایت کرد. حالا این نوع بحث‌ها در زیرمجموعه فرهنگ اقتصادی قابل طرح است. در حال موانع فرهنگ اقتصادی ما باید به درستی شناسایی شود که راه تولید باز شود. اگر یادتان باشد چند سال پیش حضرت آقا گفتند اگر کسی می‌خواهد در این کشور تولید کند، باید از هفت‌خان بگذرد، یعنی آن تولیدگر برای تولید چقدر باید فرایندهای طولانی را طی کند. از طرفی ساختارهای ما اقتدر که برای واردات کالا روان هستند، برای صادرات کالا روان نیستند و شما

می‌بینید از هر ۱۰ مغازه، یک مغازه نقش تولیدارزش‌افزوده را ندارد و مشکلی از اقتصاد حل نمی‌کند. در واقع می‌گویید چون اقتصاد ما درون‌زا و مولد نیست خواه ناخواه شرابیطی را به وجود می‌آورد که نوعی گسست میان مردم و حاکمیت پدید می‌آورد که مثلاً مدیران و سیاستمداران احساس نیاز به مردم نمی‌کنند، چون می‌گویند ما پول نفت داریم، یعنی حاکمیت آموزش ندیده که برای رفتارهای خود مردم را اقتناع کند.

اقتناع در حوزه فرهنگ هم در عملکردها تعریف می‌شود و هم در اینکه چطور با مردم گفت‌وگو کنیم. مثلاً شما در حوزه عملکرد مدیران دولتی نمی‌بینید یک مدیر کل صنعتی با کارشناسان خود راه بیفتد، برود یک شهرک صنعتی، برود بخش خصوصی و بگوید شما مشکلی ندارید من بر طرف کنم؟ بلکه برعکس او در دفتر خود نشستگه تا بخش خصوصی بلند شود بیاید و با سختی، خودش را به آن مدیر دولتی برساند و مشکل خود را بگوید یا تصور کنید فرمانداری با امام جمعه به صورت نمادین هفته‌ای یک روز به واحدهای تولیدی، کشاورزی و صنعتی سر بزنند و بگویند ما آمده‌ایم از شما تشکر کنیم و بپرسیم در تولید چه مشکلی دارید؟ این رفتارها باز خورد همان اتکا بر درآمدهای نفتی است که به رفتارهای فرهنگی در جامعه ما تبدیل شده است. ۲۰سال است ما به درآمدهای نفتی تکیه کرده‌ایم و اصلاح‌آدمان شده که کارخانه تولیدی باید به بانک مراجعه و التماس کند بانک به آن واحد وام و تسهیلات بدهد، اما وقتی به یک کشور دیگر می‌رویم، می‌بینیم رئیس‌جمهور آنجا هر دو ماه یک بار با مدیران بخش خصوصی جلسه برگزار می‌کند و با دقت به مشکلات آنها گوش می‌دهد. آن وقت امروز یک مدیر صنعتی در یک استان بخواهد خودش را به دفتر استاندار برساند، چقدر با مشکلات و موانع عجیبی روبرو خواهد بود و مدت‌ها در صف نوبت قرار خواهد گرفت که استاندار او را ببیند یا نه، البته این راه هم بگویم که در چند سال اخیر با تأکیدات حضرت آقا در اهمیت دادن به تولید و رفع موانع، وضعیت قدری بهتر شده اما هنوز ریشه‌ای و سیستماتیک حل نشده است، چون اگر استاندار هم به تولید اهمیت بدهد، کارکنانی که باید مسئله را حل کنند، همچنان در همان فرهنگ گذشته به سر می‌برند و تولیدگر را فریدی نمی‌دانند که باید به او احترام گذاشت و از او حمایت کرد. حالا این نوع بحث‌ها در زیرمجموعه فرهنگ اقتصادی قابل طرح است. در حال موانع فرهنگ اقتصادی ما باید به درستی شناسایی شود که راه تولید باز شود. اگر یادتان باشد چند سال پیش حضرت آقا گفتند اگر کسی می‌خواهد در این کشور تولید کند، باید از هفت‌خان بگذرد، یعنی آن تولیدگر برای تولید چقدر باید فرایندهای طولانی را طی کند. از طرفی ساختارهای ما اقتدر که برای واردات کالا روان هستند، برای صادرات کالا روان نیستند و شما

می‌بینید از هر ۱۰ مغازه، یک مغازه نقش تولیدارزش‌افزوده را ندارد و مشکلی از اقتصاد حل نمی‌کند. در واقع می‌گویید چون اقتصاد ما درون‌زا و مولد نیست خواه ناخواه شرابیطی را به وجود می‌آورد که نوعی گسست میان مردم و حاکمیت پدید می‌آورد که مثلاً مدیران و سیاستمداران احساس نیاز به مردم نمی‌کنند، چون می‌گویند ما پول نفت داریم، یعنی حاکمیت آموزش ندیده که برای رفتارهای خود مردم را اقتناع کند.

اقتناع در حوزه فرهنگ هم در عملکردها تعریف می‌شود و هم در اینکه چطور با مردم گفت‌وگو کنیم. مثلاً شما در حوزه عملکرد مدیران دولتی نمی‌بینید یک مدیر کل صنعتی با کارشناسان خود راه بیفتد، برود یک شهرک صنعتی، برود بخش خصوصی و بگوید شما مشکلی ندارید من بر طرف کنم؟ بلکه برعکس او در دفتر خود نشستگه تا بخش خصوصی بلند شود بیاید و با سختی، خودش را به آن مدیر دولتی برساند و مشکل خود را بگوید یا تصور کنید فرمانداری با امام جمعه به صورت نمادین هفته‌ای یک روز به واحدهای تولیدی، کشاورزی و صنعتی سر بزنند و بگویند ما آمده‌ایم از شما تشکر کنیم و بپرسیم در تولید چه مشکلی دارید؟ این رفتارها باز خورد همان اتکا بر درآمدهای نفتی است که به رفتارهای فرهنگی در جامعه ما تبدیل شده است. ۲۰سال است ما به درآمدهای نفتی تکیه کرده‌ایم و اصلاح‌آدمان شده که کارخانه تولیدی باید به بانک مراجعه و التماس کند بانک به آن واحد وام و تسهیلات بدهد، اما وقتی به یک کشور دیگر می‌رویم، می‌بینیم رئیس‌جمهور آنجا هر دو ماه یک بار با مدیران بخش خصوصی جلسه برگزار می‌کند و با دقت به مشکلات آنها گوش می‌دهد. آن وقت امروز یک مدیر صنعتی در یک استان بخواهد خودش را به دفتر استاندار برساند، چقدر با مشکلات و موانع عجیبی روبرو خواهد بود و مدت‌ها در صف نوبت قرار خواهد گرفت که استاندار او را ببیند یا نه، البته این راه هم بگویم که در چند سال اخیر با تأکیدات حضرت آقا در اهمیت دادن به تولید و رفع موانع، وضعیت قدری بهتر شده اما هنوز ریشه‌ای و سیستماتیک حل نشده است، چون اگر استاندار هم به تولید اهمیت بدهد، کارکنانی که باید مسئله را حل کنند، همچنان در همان فرهنگ گذشته به سر می‌برند و تولیدگر را فریدی نمی‌دانند که باید به او احترام گذاشت و از او حمایت کرد. حالا این نوع بحث‌ها در زیرمجموعه فرهنگ اقتصادی قابل طرح است. در حال موانع فرهنگ اقتصادی ما باید به درستی شناسایی شود که راه تولید باز شود. اگر یادتان باشد چند سال پیش حضرت آقا گفتند اگر کسی می‌خواهد در این کشور تولید کند، باید از هفت‌خان بگذرد، یعنی آن تولیدگر برای تولید چقدر باید فرایندهای طولانی را طی کند. از طرفی ساختارهای ما اقتدر که برای واردات کالا روان هستند، برای صادرات کالا روان نیستند و شما

می‌بینید از هر ۱۰ مغازه، یک مغازه نقش تولیدارزش‌افزوده را ندارد و مشکلی از اقتصاد حل نمی‌کند. در واقع می‌گویید چون اقتصاد ما درون‌زا و مولد نیست خواه ناخواه شرابیطی را به وجود می‌آورد که نوعی گسست میان مردم و حاکمیت پدید می‌آورد که مثلاً مدیران و سیاستمداران احساس نیاز به مردم نمی‌کنند، چون می‌گویند ما پول نفت داریم، یعنی حاکمیت آموزش ندیده که برای رفتارهای خود مردم را اقتناع کند.

اقتناع در حوزه فرهنگ هم در عملکردها تعریف می‌شود و هم در اینکه چطور با مردم گفت‌وگو کنیم. مثلاً شما در حوزه عملکرد مدیران دولتی نمی‌بینید یک مدیر کل صنعتی با کارشناسان خود راه بیفتد، برود یک شهرک صنعتی، برود بخش خصوصی و بگوید شما مشکلی ندارید من بر طرف کنم؟ بلکه برعکس او در دفتر خود نشستگه تا بخش خصوصی بلند شود بیاید و با سختی، خودش را به آن مدیر دولتی برساند و مشکل خود را بگوید یا تصور کنید فرمانداری با امام جمعه به صورت نمادین هفته‌ای یک روز به واحدهای تولیدی، کشاورزی و صنعتی سر بزنند و بگویند ما آمده‌ایم از شما تشکر کنیم و بپرسیم در تولید چه مشکلی دارید؟ این رفتارها باز خورد همان اتکا بر درآمدهای نفتی است که به رفتارهای فرهنگی در جامعه ما تبدیل شده است. ۲۰سال است ما به درآمدهای نفتی تکیه کرده‌ایم و اصلاح‌آدمان شده که کارخانه تولیدی باید به بانک مراجعه و التماس کند بانک به آن واحد وام و تسهیلات بدهد، اما وقتی به یک کشور دیگر می‌رویم، می‌بینیم رئیس‌جمهور آنجا هر دو ماه یک بار با مدیران بخش خصوصی جلسه برگزار می‌کند و با دقت به مشکلات آنها گوش می‌دهد. آن وقت امروز یک مدیر صنعتی در یک استان بخواهد خودش را به دفتر استاندار برساند، چقدر با مشکلات و موانع عجیبی روبرو خواهد بود و مدت‌ها در صف نوبت قرار خواهد گرفت که استاندار او را ببیند یا نه، البته این راه هم بگویم که در چند سال اخیر با تأکیدات حضرت آقا در اهمیت دادن به تولید و رفع موانع، وضعیت قدری بهتر شده اما هنوز ریشه‌ای و سیستماتیک حل نشده است، چون اگر استاندار هم به تولید اهمیت بدهد، کارکنانی که باید مسئله را حل کنند، همچنان در همان فرهنگ گذشته به سر می‌برند و تولیدگر را فریدی نمی‌دانند که باید به او احترام گذاشت و از او حمایت کرد. حالا این نوع بحث‌ها در زیرمجموعه فرهنگ اقتصادی قابل طرح است. در حال موانع فرهنگ اقتصادی ما باید به درستی شناسایی شود که راه تولید باز شود. اگر یادتان باشد چند سال پیش حضرت آقا گفتند اگر کسی می‌خواهد در این کشور تولید کند، باید از هفت‌خان بگذرد، یعنی آن تولیدگر برای تولید چقدر باید فرایندهای طولانی را طی کند. از طرفی ساختارهای ما اقتدر که برای واردات کالا روان هستند، برای صادرات کالا روان نیستند و شما

می‌بینید از هر ۱۰ مغازه، یک مغازه نقش تولیدارزش‌افزوده را ندارد و مشکلی از اقتصاد حل نمی‌کند. در واقع می‌گویید چون اقتصاد ما درون‌زا و مولد نیست خواه ناخواه شرابیطی را به وجود می‌آورد که نوعی گسست میان مردم و حاکمیت پدید می‌آورد که مثلاً مدیران و سیاستمداران احساس نیاز به مردم نمی‌کنند، چون می‌گویند ما پول نفت داریم، یعنی حاکمیت آموزش ندیده که برای رفتارهای خود مردم را اقتناع کند.

اقتناع در حوزه فرهنگ هم در عملکردها تعریف می‌شود و هم در اینکه چطور با مردم گفت‌وگو کنیم. مثلاً شما در حوزه عملکرد مدیران دولتی نمی‌بینید یک مدیر کل صنعتی با کارشناسان خود راه بیفتد، برود یک شهرک صنعتی، برود بخش خصوصی و بگوید شما مشکلی ندارید من بر طرف کنم؟ بلکه برعکس او در دفتر خود نشستگه تا بخش خصوصی بلند شود بیاید و با سختی، خودش را به آن مدیر دولتی برساند و مشکل خود را بگوید یا تصور کنید فرمانداری با امام جمعه به صورت نمادین هفته‌ای یک روز به واحدهای تولیدی، کشاورزی و صنعتی سر بزنند و بگویند ما آمده‌ایم از شما تشکر کنیم و بپرسیم در تولید چه مشکلی دارید؟ این رفتارها باز خورد همان اتکا بر درآمدهای نفتی است که به رفتارهای فرهنگی در جامعه ما تبدیل شده است. ۲۰سال است ما به درآمدهای نفتی تکیه کرده‌ایم و اصلاح‌آدمان شده که کارخانه تولیدی باید به بانک مراجعه و التماس کند بانک به آن واحد وام و تسهیلات بدهد، اما وقتی به یک کشور دیگر می‌رویم، می‌بینیم رئیس‌جمهور آنجا هر دو ماه یک بار با مدیران بخش خصوصی جلسه برگزار می‌کند و با دقت به مشکلات آنها گوش می‌دهد. آن وقت امروز یک مدیر صنعتی در یک استان بخواهد خودش را به دفتر استاندار برساند، چقدر با مشکلات و موانع عجیبی روبرو خواهد بود و مدت‌ها در صف نوبت قرار خواهد گرفت که استاندار او را ببیند یا نه، البته این راه هم بگویم که در چند سال اخیر با تأکیدات حضرت آقا در اهمیت دادن به تولید و رفع موانع، وضعیت قدری بهتر شده اما هنوز ریشه‌ای و سیستماتیک حل نشده است، چون اگر استاندار هم به تولید اهمیت بدهد، کارکنانی که باید مسئله را حل کنند، همچنان در همان فرهنگ گذشته به سر می‌برند و تولیدگر را فریدی نمی‌دانند که باید به او احترام گذاشت و از او حمایت کرد. حالا این نوع بحث‌ها در زیرمجموعه فرهنگ اقتصادی قابل طرح است. در حال موانع فرهنگ اقتصادی ما باید به درستی شناسایی شود که راه تولید باز شود. اگر یادتان باشد چند سال پیش حضرت آقا گفتند اگر کسی می‌خواهد در این کشور تولید کند، باید از هفت‌خان بگذرد، یعنی آن تولیدگر برای تولید چقدر باید فرایندهای طولانی را طی کند. از طرفی ساختارهای ما اقتدر که برای واردات کالا روان هستند، برای صادرات کالا روان نیستند و شما

می‌بینید از هر ۱۰ مغازه، یک مغازه نقش تولیدارزش‌افزوده را ندارد و مشکلی از اقتصاد حل نمی‌کند. در واقع می‌گویید چون اقتصاد ما درون‌زا و مولد نیست خواه ناخواه شرابیطی را به وجود می‌آورد که نوعی گسست میان مردم و حاکمیت پدید می‌آورد که مثلاً مدیران و سیاستمداران احساس نیاز به مردم نمی‌کنند، چون می‌گویند ما پول نفت داریم، یعنی حاکمیت آموزش ندیده که برای رفتارهای خود مردم را اقتناع کند.

می‌بینید از هر ۱۰ مغازه، یک مغازه نقش تولیدارزش‌افزوده را ندارد و مشکلی از اقتصاد حل نمی‌کند. در واقع می‌گویید چون اقتصاد ما درون‌زا و مولد نیست خواه ناخواه شرابیطی را به وجود می‌آورد که نوعی گسست میان مردم و حاکمیت پدید می‌آورد که مثلاً مدیران و سیاستمداران احساس نیاز به مردم نمی‌کنند، چون می‌گویند ما پول نفت داریم، یعنی حاکمیت آموزش ندیده که برای رفتارهای خود مردم را اقتناع کند.



نرم‌افزارهای اداره جامعه هستند، نیازمند پیگیری‌های پیوسته‌اند، در حالی که مدیران ما عموماً دوساله هستند و وقتی عوض می‌شوند، سیاست‌ها و حساسیت‌های‌شان هم تغییر می‌کند.

مثال می‌زنید؟

مثلاً امروز شما در استانداری، استاندار دارید و می‌دانید که او مهندس عمران و قبلاً مدیر کل مسکن و شهرسازی بوده، حالا این استاندار تأکید دارد که به زیرساخت‌های عمرانی استان بپردازد، چون گرایش، علاقه و تجربه‌اش در کارهای عمرانی است. حالا چند صباح بعد استاندار این استان عوض و کسی جایگزین می‌شود که دکترای علوم سیاسی دارد و حالا او وقت می‌گذارد مسائل سیاسی استان و گرایش‌های مختلف سیاسی را مورد توجه قرار دهد، بنابراین کارهای عمرانی رها می‌شود. حالا اگر طرف دکترای اقتصادی داشته باشد و قبلاً معاونت مالی- اداری استانداری بوده باشد، حالا که استاندار شده است، روی مسائل مالی متمرکز می‌شود. خوب آسیب مدیریت‌های دوساله در این است که خطوط مدیریتی مدام در میان گرایش‌ها تغییر می‌کند و این پدیده تقریباً در میان همه مدیریت‌ها دیده می‌شود.

پس تکلیف استانداران بالادستی که بالای سر مدیران وجود دارد چه می‌شود؟

تحقق اهداف استاندار بالادستی نیازمند مدیر بست‌آبادت و سیستم‌های نظارتی کارآمد است. آن وقت شما می‌توانید ردیابی آن سند بالادستی مثلاً طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش را در مدرسه ببینید، در آن صورت می‌توانید مدیری را که این طرح را اجرا کرده است، شناسایی و از او تقدیر و تشکر کنید و به آن مدیری هم که بی‌توجه بوده است، محرمانه تذکر بدهید که اگر این وضع ادامه پیدا کند، شش ماه دیگر باید این جایگاه را واگذار کنید، در این صورت می‌توانید انتظار داشته باشید نهضتی ایجاد شود تا مدیران صف که باید حرف را از آسمان به زمین اجرا بیاورند، دنبال مهارت‌افزایی و دانش‌افزایی بروند و مهم‌تر اینکه لمس کنند ماندگار هستند و با تغییر وزیر، قرار نیست مدیر منطقه و مدرسه عوض شود. اما الان که اینطور نیست، وقتی وزیر عوض می‌شود، مدیر کل‌ها هم کار را تعطیل می‌کنند و منتظرند عوض شوند، چون این رویه به یک سنت تبدیل شده است. گاهی این پرسه‌ها حتی شش ماه، یک سال هم زمان می‌برد، بنابراین آن مدیر از لحاظ روانی آمادگی کار جدی و پیگیر را ندارد. نه تنها خودشان که حتی اطرافیان او هم این روحیه را دارند که منتظر هستیم ببینیم چه کسی سسر کار می‌آید. خوب وقتی در متن نظام اداری باشید، می‌بینید ما با این نظام سیاسی و نحوه انتخابات‌مان مشکلات جدی در کارایی مدیریت‌ها در کشور ایجاد کرده‌ایم.

اما گه سه ضلع برای داستان اعتراض‌ها قابل شوم، یعنی اعتراض‌کننده، اعتراض‌شونده و سیاست‌ری که اعتراض در آن روی می‌دهد، مثلاً رسانه‌هایی که قرار بوده اعتراض‌ها را مابین اعتراض‌کننده‌ها و اعتراض‌شونده‌ها منتقل کنند، در این سه ضلع چه نقشی دارید؟ مثلاً می‌توانیم بگوییم منتقل‌کننده‌های اعتراض- به عنوان مثال رسانه ملی- اگر مسئولیت خود را در انعکاس صدای گروه‌های مختلف به درستی انجام می‌دهند شاید داستان اعتراض‌ها به گونه دیگری نوشته می‌شود یا مثلاً می‌توانیم بگوییم معترض چقدر می‌توانم بدون اینکه در دام توهین بیفتیم، اعتراض خود را به درستی بیان کنم یا کسانی که می‌خواهد اعتراض‌ها را بشنود چقدر برای این کار تربیت شده است؟

در روابط انسانی و ساختارهای حکمرانی همه این آسیب‌ها وجود دارد اما پرسش این است که چرا اینها آسیب‌شناسی نمی‌شود؟ چرا کسی به دنبال اصلاح آن بر نمی‌آید. فرض کنید استانداری که فرمان این بچه‌ها هستند، فضای مدرسه چگونه است؟ محور آموزش و کلاس‌داری است؛ اینکه معلمان بیایند درس‌شان را بدهند و بروند. خوب مقام معظم رهبری همین مسائل را مورد توجه قرار دادند و روی این اصل، طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش نوشته و تصویب شد اما این طرح هنوز هم اجرا نشده است. شما می‌آید در آموزش و پرورش می‌بینی ۱۷ میلیون دانش‌آموز وجود دارد اما نهایتاً یک تا ۲ میلیون دانش‌آموز تحت پوشش تربیت دینی قرار دارند و تازه این تربیت هم ناقص است، چون این جوانی که تربیت دینی پیدا می‌کند، قدرت دفاع از منطق دینی را پیدا نمی‌کند و به راحتی می‌شود اعتقادات او را زیر سؤال برد.

با تصویری که ارائه می‌دهید، بدهی‌ترین سؤال این است که چرا ما کشور را اینطور اداره می‌کنیم، این همه روی تحول بنیادین آموزش و پرورش وقت و انرژی گذاشته می‌شود و در نهایت اجرا نمی‌شود.

این موضوعات باید وارد فضای بحث و بررسی شود که چرا ما این همه سندهای سیاستی خوب در شورای عالی انقلاب فرهنگی یا مجمع تشخیص مصلحت می‌نویسیم یا آن سیاست‌ها را به قانون تبدیل می‌کنیم اما چرا این سیاست‌ها از بالای هرم به پایین هرم نمی‌آید.

خب چرا به پایین هرم نمی‌رسد؟

به عنوان نمونه مدیران ما به واسطه نواقص مردم‌سالاری، مدت‌زمان خیلی کمی برای اصلاح روندها در اختیار دارند. وقتی کسی مدیر سازمان می‌شود، حتی اگر از مدیران رده پایین‌تر همان سازمان باشد، دست‌کم یک سال طول می‌کشد که بفهمد معضلات اساسی آن سازمان چیست و چه راهکارهایی دارد. وقتی شما این احساس را دارید که من در نهایت، یک سال را در اختیار دارم و وقتی مجلس جدید شکل بگیرد، من باید بروم، شما وقتی به لحاظ تفکر مدیر دوساله شدی، خواه‌ناخواه بپیکر پروژه‌های زودبازده می‌شوی که مردم نتایج‌شان را زودتر ببینند. کار زودبازده چیست؟ کارهای رونمایی و فیزیکی. مثلاً ساختن اداره را نقاشی کنیم، توجه می‌کنیم، می‌شغال می‌ما در کنار خیابان‌ها و مغازه‌هایی هستند که کار واسطه‌گری و دلالی دارند، یعنی کار تولیدی و اقتصادی ندارند. الان شما در خیابان‌های شهرها

چشم‌انداز روشن ارومیه در بازگشت آب به تالاب‌ها

کارزارش
حوربه‌ملکی

روشن از بازگشت تدریجی حیات به زیست‌بوم‌های آبی استان را نمایان کرده است؛ بارش‌هایی که نه‌تنها زمین‌های کشاورزی و منابع آب سطحی را تقویت کرده بلکه بار دیگر تالاب‌های فصلی و دائمی، به‌ویژه تالاب‌های اقماری دریاچه ارومیه را به‌مدار طبیعی خود نزدیک کرده است. افزایش رواناب‌ها، آبگیری مجدد تالاب‌هایی که سال گذشته خشک یا نیمه‌خشک بودند و بهبود شرایط اکولوژیکی زیستگاه‌های پرندگان مهاجر، تصویری تازه از اثر مستقیم بارش‌ها بر احیای سرسما به‌های طبیعی شمالغرب کشور ترسیم می‌کند. تالاب‌ها در آذربایجان غربی به‌عنوان یک پهنه آبی، حلقه‌ای حیاتی در زنجیرهٔ احیای دریاچه ارومیه هستند که مسئولیت مهار ریزگردها، تعدیل اقلیم محلی و حفظ تنوع زیستی منطقه را نیز بر عهده دارند. با این حال، کارشناسان و مسئولان محیط‌زیست تأکید دارند بارش‌های مناسب اگر چه فرصتی کم‌نظیر برای احیای تالاب‌ها فراهم کرده، اما تداوم این وضعیت منوط به مدیریت هوشمند منابع آب، تأمین پایدار حق آبه تالاب‌ها و مراقبت مستمر از این زیست‌بوم‌های حساس است؛ چراکه بدون حفاظت و مدیریت، این فرصت اقلیمی نیز می‌تواند به‌سادگی از دست برود.

■ ■ ■

آذربایجان غربی با برخورداری از ۴۰تالاب دائمی و فصلی و همچنین شش تالاب ثبت‌شده در کنوانسیون بین‌المللی رامسر، یکی از استان‌های کم‌نظیر کشور در حوزه تنوع زیست‌بومی تالابی محسوب می‌شود. بارش‌های زمستانی امسال، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود شرایط این تالاب‌ها، به‌ویژه تالاب‌های واقع در حوضه آبریز دریاچه ارومیه داشته است. افزایش سطح آب در این اکوسیستم‌ها، نه‌تنها به بازگشت تدریجی پوشش گیاهی کمک کرده، بلکه شرایط زیستی گونه‌های جانوری و پرندگان مهاجر را نیز به شکل محسوسی بهبود بخشیده است. هر بارش مؤثر، فرصتی تازه برای بازسازی اکوسیستم‌های آسیب‌دیده و تقویت تعادل طبیعی منطقه فراهم می‌کند؛ تعادلی که اثرات آن در کاهش گردوغبار، بهبود کیفیت هوا و ارتقای سلامت محیط‌زیست کاملاً ملموس است.

■ **تالاب‌های اقماری در مسیر احیا**

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست آذربایجان غربی با اشاره به تأثیر مستقیم بارندگی‌های اخیر بر وضعیت تالاب‌ها می‌گوید: «بعد از بارندگی‌های اخیر، تالاب‌های استان به‌ویژه تالاب‌های اقماری دریاچه ارومیه آبگیری شده‌اند و در حال حاضر شاهد شرایط مطلوب‌تری برای این زیست‌بوم‌ها هستیم. این وضعیت نشان می‌دهد؛ اگر بارش‌ها با مدیریت صحیح منابع آب همراه شود، امکان بازگشت تدریجی تالاب‌ها به چرخه طبیعی وجود دارد.»

چشم‌انداز روشن ارومیه در بازگشت آب به تالاب‌ها

احیای تالاب‌ها در آذربایجان غربی، هم‌زمان با حفاظت محیط‌زیست، مسیر جذب سرمایه گردشگری و رونق اقتصاد محلی را هموار می‌کند



علی‌اصلاحی | ایرنا

آبگیری شوند و به چرخه طبیعی خود بازگردند.»

■ **پیگیری حق آبه، شرط تداوم حیات**

جباری با تأکید بر نقش حیاتی حق آبه تالاب‌ها می‌گوید: «تأمین حق آبه زیست‌محیطی تالاب‌ها یکی از اولویت‌های اصلی ماست و شده‌اند نیز شرایط بهتری پیدا کرده‌اند. امیدواریم با تداوم بارش‌ها در هفته‌های آینده، این روند بهبود ادامه یابد.»

با وجود بهبود وضعیت بسیاری از تالاب‌ها، برخی زیست‌بوم‌های آبی استان هنوز به‌طور کامل آبگیری نشده‌اند. مدیرکل

حفاظت محیط‌زیست آذربایجان غربی در اینباره توضیح می‌دهد: «تالاب‌هایی مانند دورگه‌سنگی و قوی‌یاباغلی در شهرستان نقده هنوز به‌طور کامل آبگیری نشده‌اند که علت اصلی آن، کمبود بارندگی‌های پاییزه و زمستانه در سال گذشته بوده است.

این تالاب‌ها به‌شدت به رواناب‌ها و ذوب برف‌ها وابسته‌اند.» وی می‌گوید: «پیش‌بینی ما این است که با آب شدن برف‌ها و افزایش رواناب‌ها در ماه‌های پایانی سال آبی، این تالاب‌ها نیز دوباره

دریاچه ارومیه قرار دارند، در حال آبگیری هستند. تالاب‌هایی مانند قوی‌یاباغلی، کانی‌بrazان، قره‌گل، طالقان، حسنلو، سولدوز و درگه‌سنگی که سال گذشته خشک شده بودند، اکنون دوباره در مسیر احیا قرار گرفته‌اند.» وی تأکید می‌کند: «بر اساس تأکید دبیر کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه، برنامه آبگیری ۱۴ تالاب اقماری در استان در دستور کار قرار دارد و با توجه به بارش‌های مناسب اخیر، این روند تا پایان سال آبی ادامه خواهد داشت.»

■ **نقش مدیریت فنی در احیای تالاب‌ها**

بارش‌های زمستانی امسال، فرصتی ارزشمند برای احیای تالاب‌های آذربایجان غربی و تقویت روند نجات دریاچه ارومیه فراهم کرده است؛ فرصتی که ثمرات آن در آبگیری تالاب‌های اقماری، بازگشت پرندگان مهاجر و بهبود شرایط اکولوژیکی منطقه به‌وضوح دیده می‌شود. با این حال، کارشناسان تأکید دارند؛ تداوم این وضعیت، بیش از هفت تالاب مهم استان که اغلب در حوضه آبریز

■ **کار خبر**



مقاوم‌سازی مسکن‌های روستایی

■ **آذربایجان‌غربی**
مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی آذربایجان غربی اعلام کرد:

۹۴هزار و ۵۸۸ واحد مسکن روستایی در این استان مقاوم‌سازی شد. علیرضا مقدم، مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی آذربایجان غربی گفت: از ۱۵۷ هزار و ۵۸۸ واحد مسکونی روستایی نیازمند مقاوم‌سازی در استان تاکنون تعداد ۹۴ هزار و ۵۸۸ واحد مقاوم‌سازی شده است. وی با اشاره به وضعیت مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی روستایی در استان افزود: سهمیه تعیین‌شده برای سال جاری جهت مقاوم‌سازی ۱۲ هزار و ۱۶۱ است که تلاش می‌شود این میزان به‌طور کامل محقق شود. این مسئول درباره میزان تسهیلات پرداختی برای مقاوم‌سازی مسکن روستایی اعلام کرد: در حال حاضر به ازای هر واحد مسکونی ۴۰۰ میلیون تومان تسهیلات پرداخته می‌شود و برای سال آینده نیز رقم ۵۰۰ میلیون تومان به ازای هر واحد به تصویب رسیده است.

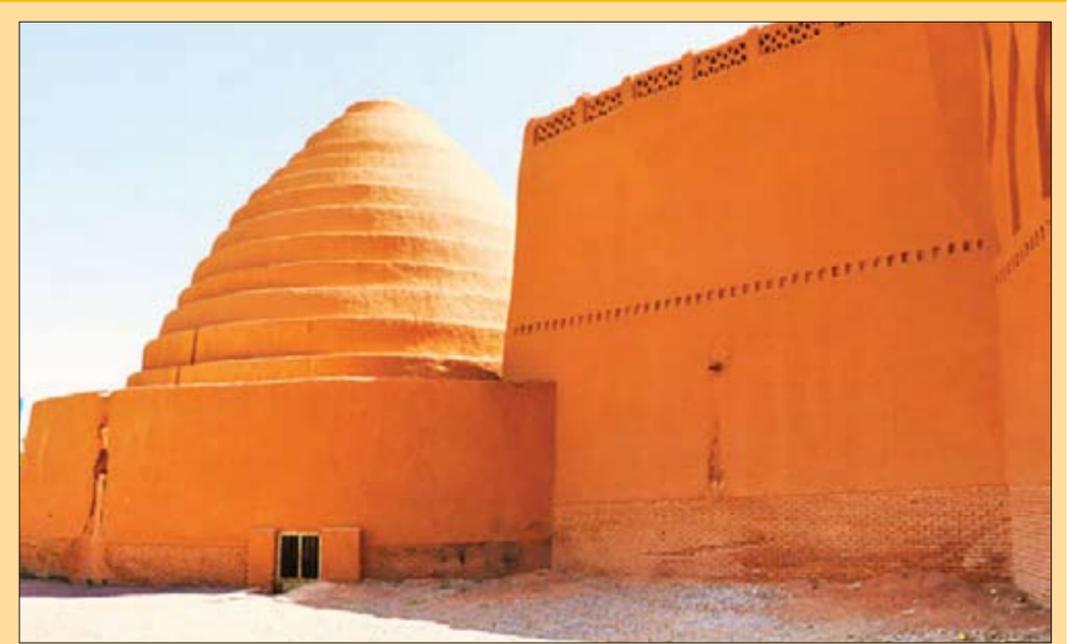
مقدم افزود: تسهیلات فردی به مبلغ ۴ هزار میلیون ریال با تضمین سفته زنجیره‌ای در روستاها و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر جمعیت پرداخت می‌شود. همچنین تسود دوران مشارکت این تسهیلات ۵درصد بوده و دوره ساخت آن ۲۰ساله در نظر گرفته شده است. وی با اشاره به حمایت‌های بلاعوض برای اقشار کم‌درآمد گفت: برای خانوارهای کم‌درآمد و مناطق محروم به ازای هر واحد بین ۳۰ تا ۷۰ میلیون تومان کمک بلاعوض پرداخت می‌شود. مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی آذربایجان‌غربی یادآور شد: بالا بودن هزینه‌های ساخت و عدم تناسب تسهیلات با هزینه واقعی ساخت، پایین بودن سرانه درآمدی روستاییان، کوهستانی و صعب‌العبور بودن راه‌های ارتباطی در روستاها و پایین بودن مبلغ تسهیلات مقاوم‌سازی از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو در این حوزه است.

آغاز طرح جهش تولید شالیزارهای شمال

■ **مازندران**

معاون‌بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی مازندران اعلام کرد: طرح جهش تولید در ۴ هزار هکتار از شالیزارهای این استان در حال اجراست. هادی باقری، معاون‌بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی مازندران با بیان اینکه طرح ملی جهش تولید که با تفاهم مشترک وزارت جهاد کشاورزی و ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) در سه استان شمالی مازندران، گیلان و گلستان در حال اجراست، افزود: این طرح به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین برنامه‌های توسعه اقتصاد کشاورزی استان محسوب می‌شود. وی با اشاره به آغاز طرح در سال گذشته، تأکید کرد: این طرح ابتدا در سطح هزار هکتار از اراضی شالیزاری هفت شهرستان استان پیاده‌سازی شد که با توجه به عملکرد بسیار خوب مجریان، سطح زیرکشت آن در سال زراعی جاری با چهار برابر افزایش به ۴ هزار هکتار رسیده و تمامی شهرستان‌های استان را تحت پوشش قرار خواهد داد.

یخچال میبد یزد، زیباترین سازه خشتی دست‌ساز



دارند و محوطه یخبند یخچال میبد، حوض گلی و عمق کم تقریباً نیم‌متری به مساحت تقریبی ۸هزار متر مربع است. سطح قاعده دایره‌ای این گنبد حدود ۳۰۰متر مربع ارتفاع گنبد حدود ۱۵متر است و پهنای دیوار خشتی گنبد از بالا به پایین به طرز ماهرانه‌ای دیوارهای بلند سسایه انداز با ضخامت ۲متر و ارتفاع ۸متر در سه جهت جنوبی با طول ۴۲متر، شرقی و غربی با طول ۲۰متر قرار

هنوز نمونه‌هایی از آن در شهرهای کرمان، کاشان، زواره، ناین، بهم، سیرجان، ابرکوه و میبد وجود دارد. در نکات بسیار مهم در طراحی و کاربری این سازه‌های آبی، همخوانی و هماهنگی آنها با زیست‌بوم منطقه است که در شمار سازه‌های «سبز» محسوب می‌شدند. دیوارهای بلند سسایه انداز با ضخامت ۲متر و ارتفاع ۸متر در سه جهت جنوبی با طول ۴۲متر، شرقی و غربی با طول ۲۰متر قرار

احداث واحدهای مسکونی برای واجدین شرایط خانه‌دار شدن



زودی در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد که ساخت این تعداد مسکن آمار قابل توجهی محسوب می‌شود.

نماینده دولت در استان مرکزی با بیان اینکه طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده، تمامی پیمانکاران متعهد شده‌اند اسکتلک واحدهای در دست اجرا را تا پایان سال تکمیل کنند، تصریح کرد: همچنین

چشم‌انداز روشن ارومیه در بازگشت آب به تالاب‌ها

مستمر حق آبه تالاب‌ها و مشارکت جوامع محلی در حفاظت از این زیست‌بوم‌ها وابسته است؛ چراکه تالاب‌ها، سرمایه‌های خاموشی هستند که بقای آنها، تضمین‌کننده تعادل محیط زیست و آینده زیست‌پذیر استان خواهد بود. مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان با اشاره به اقدامات اجرایی انجام‌شده، می‌گوید: «در سال جاری، لایروبی مسیرهای منتهی به تالاب‌ها یکی از اقدامات مهم بوده که با همکاری دستگاه‌های مرتبط اجرا شده است. تاکنون حدود ۴ کیلومتر از مسیرهای آبرسانی به تالاب‌های استان لایروبی شده تا جریان آب با سهولت بیشتری به یکره تالاب‌ها برسد.» وی ادامه می‌دهد: «این اقدامات در کنار مدیریت حق آبه و پایش مستمر وضعیت زیست‌محیطی تالاب‌ها، نقش مهمی در احیای تدریجی و پایدار این زیست‌بوم‌ها دارد.»

■ **از تنوع زیستی تا گردشگری طبیعی**

شش تالاب آذربایجان غربی در فهرست کنوانسیون رامسر ثبت شده‌اند؛ تالاب‌هایی که برخی از آنها در شهرستان نقده واقع شده و از زیستگاه‌های مهم پرندگان آبرزی و کنارآبرزی به‌شمار می‌روند.

تالاب‌های بین‌المللی حسنلو، یادگار لو، کانی‌بrazان و درگه‌سنگی در کنار تالاب‌های مهمی مانند سولدوز، زاویه‌سفلی، کونیکور و قره‌بولاق، زیستگاه گونه‌های نادر گیاهی و جانوری هستند و ورود سالانه پرندگان مهاجر، به‌ویژه قوها و فلامنیگوها، جایگاه این تالاب‌ها را در شبکه زیست‌محیطی منطقه تقویت کرده است. تالاب‌های آذربایجان غربی، فراتر از کارکردهای زیست‌محیطی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های گردشگری طبیعی و اقتصاد سبز استان شناخته می‌شوند. این استان با برخورداری از تالاب‌های بین‌المللی ثبت‌شده در کنوانسیون رامسر، از جمله کانی‌بrazان، حسنلو و درگه‌سنگی، هر ساله میزبان هزاران پرنده مهاجر است؛ ظرفیتی که می‌تواند به موتور محرک جذب گردشگران داخلی و خارجی تبدیل شود.

آبگیری مجدد تالاب‌ها در پی بارش‌های مناسب سال آبی جاری، زمینه رونق پرندنگری، اکوتوریسم، گردشگری روستایی و مشاغل خرد محلی را فراهم کرده است. حضور گردشگران در پیرامون تالاب‌ها، به‌طور مستقیم موجب افزایش تقاضای خدمات بومی، اقامتگاه‌های محلی، ایجاد اشتغال پایدار ایفا می‌کند. کارشناسان معتقدند؛ توسعه هدفمند گردشگری تالابی، علاوه بر کاهش فشار بر منابع طبیعی، می‌تواند به تنوع‌بخشی اقتصاد استان و افزایش درآمد جوامع محلی منجر شود. در این میان، حفاظت از تالاب‌ها، تأمین حق آبه زیست‌محیطی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گردشگری، شرط اصلی تبدیل این ظرفیت طبیعی به یک فرصت اقتصادی پایدار برای آذربایجان غربی است. مسئولان استانی در سیستمات وپلوجستان اعلام کرده‌اند؛ با بهبود وضعیت آبگیری، به‌ویژه در تالاب‌های کانی‌بrazان و سولدوز، شرایط برای پرندنگری و گردشگری طبیعی فراهم‌شده و انتظار می‌رود در ایام نوروز شاهد استقبال گردشگران از این ظرفیت‌های طبیعی باشند.

■ **کار خبر**



اجرای طرح جهادی آبرسانی به روستاها

■ **خوزستان**
فرمانده قرارگاه منطقه کر بلا نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی اعلام کرد: طرح جهادی آبرسانی به هزار و ۴۷۰ روستای استان خوزستان در حال انجام است.

سردار سرتیپ پاسدار احمد خادم سیدالشهدا، فرمانده قرارگاه منطقه کر بلا نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: در راستای خدمت‌رسانی و رفع مشکل تنش آبی در مناطق روستایی استان، طرح جهادی آبرسانی آسوی قرارگاه منطقه کر بلا نیروی زمینی سپاه در حال انجام است. وی افزود: هم‌اکنون عملیات اجرایی آبرسانی به هزار و ۴۷۰ روستای دچار تنش آبی از سوی قرارگاه کر بلا و با مشارکت سپاه حضرت ولیعصر (عج) خوزستان، شرکت آب و فاضلاب استان و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء در دستور کار قرار دارد. این مسئول ادامه داد: این طرح‌های آبرسانی با بهره‌گیری از دانش بومی و ازسوی متخصصان داخلی و گروه‌های جهادی در حال اجرا هستند. مدیرعامل آیفا خوزستان هم در ادامه با اشاره به بهره‌برداری از ایستگاه پمپاژ و خط انتقال آب در منطقه شرق شیبیه گفت: این طرح شامل اجرای ۶۰ کیلومتر خطوط انتقال است و همچنین در قالب این طرح، بازسازی تأسیسات آبرسانی شامل نصب چهار دستگاه الکتروپمپ، تابلو برق، ترانس، محوطه‌سازی و آب‌بندی مخزن انجام شد. اشفین حاتم‌ی تصریح کرد: با افتتاح پل اول این طرح، ۳۴ روستا در منطقه شرق شیبیه و منطقه دلم تحت پوشش شبکه آبرسانی پایدار قرار گرفتند و جمعیتی بیش از ۷ هزار نفر از نعمت آب شرب سالم و پایدار بهره‌مند شدند.

اهدای جهیزیه

به زوج‌های تحت حمایت کمیته امداد

■ **خراسان‌شمالی**
رئیس اداره حمایت‌های اجتماعی کمیته امداد امام خمینی(ره)

خراسان شمالی از اهدای هزار و ۲۵۵ ستری جهیزیه به زوج‌های تحت حمایت این استان خبر داد.

محرم چانداری، رئیس اداره حمایت‌های اجتماعی کمیته امداد امام خمینی(ره) خراسان شمالی با بیان اینکه حمایت از تشکیل و تحکیم بنیان خانواده از اولویت‌های کمیته امداد است، گفت: در راستای کمک به اسر ازدواج، برای هر یک از زوج‌های تحت حمایت مبلغ ۵۰ میلیون تومان به‌عنوان کمک هزینه ازدواج اختصاص می‌یابد که در قالب اعتبار خرید برای تهیه اقلام ضروری زندگی مشترک هزینه می‌شود. وی افزود: زوج‌های جوان می‌توانند با ثبت‌نام در سامانه «سپا» نسبت به انتخاب و خرید اقلام مورد نیاز خود اقدام کنند. این مسئول در ادامه با اشاره به عملکرد این نهاد از ابتدای سال جاری تاکنون تصریح کرد: هزار و ۳۵۰ سری جهیزیه در محل اعتبارات مرکز، هم‌افزایی منابع و مشارکت خیرین تهیه و به زوج‌های تحت حمایت اهدا شده است.

تحلیل
سید جواد شیخ الاسلامی

سازا هشت ساله بود و تازه اولین تبلت خود را گرفته بود. پیش از آن، دنیایش عروسک‌های پارچه‌ای بود که مادر بزرگ برایش دوخته بود و کتاب‌های مصوری که شب‌ها با مادر ورق می‌زد، اما از وقتی «بازی آرایشگر شاهزاده‌ها» را نصب کرده بود، دنیایش رنگ دیگری گرفته بود. مادرش زهرا، دانش‌آموزخته رسته روان‌شناسی، از همان هفته اول متوجه تغییراتی در دخترش شد. سازا دیگر مثل قبل با عروسک‌هایش حرف نمی‌زد. حالا ساعت‌ها انگشت روی صفحه می‌کشید و برای مدل‌های مجازی، رول‌پ و سایه چشم انتخاب می‌کرد. نگران‌کننده‌تر وقتی بود که سازا جلوی آینه ایستاد و گفت: «مامان، چرا چشم‌های من مثل مدل‌های بازی درشت و رنگی نیست؟» چند روز بعد، زهرا متوجه شد سازا با اصرار می‌خواهد کفش‌های نو بخرد، در حالی که کفش‌های سالم زیادی داشت. «توی بازی، هر روز لباس نو می‌خرم. چرا من نباید داشته باشم؟» این سؤال ساده اما عمیق، زهرا را به فکر فرو برد.

او تصمیم گرفت خودش بازی را تجربه کند. «فشن شو» نام داشت. در این بازی، سازا باید مدل‌ها را برای مسابقات مد آرایش می‌کرد. هر چه لوازم آرایشی گران‌تر و برندهای معروف‌تر استفاده می‌کرد، امتیاز بیشتری می‌گرفت. برای خرید لوازم بهتر، باید پول واقعی خرج می‌کرد یا ساعت‌ها بازی می‌کرد و تبلیغات می‌دید.

زهرا متوجه الگویی شد که در نگاه اول پنهان بود: بازی نه فقط سرگرمی که یک نظام آموزشی پنهان بود. به سازا یاد می‌داد که زیبایی یعنی مصرف، ارزشمندی یعنی داشتن لباس بیشتر و موفقیت یعنی رقابت در نمایش مد. دخترش داشت در یک مدرسه مجازی بزرگ می‌شده؛ مدرسه‌ای که درس‌هایش را برندها و سبک زندگی غربی می‌نوشته. شب وقتی سازا خوابید، زهرا به صفحه تبلت خیره ماند. در وترین فروشگاه بازی، لباس عروسکی با طرحی آشنا دید: شبیه لباس شخصیت‌های فیلم‌های هالیوودی. کنارش، ناخن‌های بلند کریستالی و لوازم آرایشی با نام‌های انگلیسی. او به یاد آورد که در همین بازی، گزینه‌ای برای لباس‌های محلی یا سنتی وجود ندارد. صبح روز بعد، سازا از خواب بیدار شد و گفت: «مامان، دیشب خواب دیدم توی بازی بودم. کلی لباس عروسکی خریدم، اما وقتی به خودم نگاه کردم، اصلاً شبیه خودم نبودم...»

این داستان، سارا، روایت هزاران دختر بچه در عصر دیجیتال است؛ روایت آینه‌های جیبی که به دست‌شان داده‌ایم یا آنکه بر سیده باشیم قرار است چه تصویری از خود در آن ببینند.

معرفی ژانر - بازی‌هایی با ادعای سرگرمی، با کارکرد هویت‌سازی

ژانر یا سبک بازی‌های «سبک زندگی دخترانه» طیف وسیعی از محصولات دیجیتال را شامل می‌شود که با هدف جذب مخاطبان کودک و نوجوان دختر طراحی شده‌اند. این بازی‌ها اغلب با پرچم‌هایی چون «آرایشی»، «مد و فشن»، «شبه‌ساز زندگی» و «ارجستان‌های تعاملی» در فروشگاه‌های اپلیکیشن عرضه می‌شوند. نمونه‌های شاخص این بازی‌ها عبارتند از:

- ۱- **Pou:** بازی مراقبت از یک موجود فضایی که نیاز به غذا، خواب، تفریح و تمیزی دارد. در نگاه اول بی‌آزار، اما با دقت بیشتر، نظامی از مصرف رایج کودک آموزش می‌دهد.
- ۲- **Fashion Show - Makeup, Dress Up:** بسا پیش از ۱۰ میلیون دانلود، یکی از محبوب‌ترین بازی‌های این ژانر است. بازیکن باید مدل‌ها را برای رویدادهای مختلف آرایش و لباس بپوشانی کند.
- ۳- **Wlinder Fantasy Makeover Salon:** ترکیبی از آرایش، مراقبت پوست و لباس‌پوشانی با رویکرد ASMR.
- ۴- **Makeup Kit - Makeup Girls:** بسا بیش از ۱۰ میلیون دانلود، شامل کارخانه لوازم آرایشی و سالن لباس‌شاهزاده‌ها.
- ۵- **Stylist Girl - Make Me Gorgeous:** بازیکن در نقش یک استایلیست حرفه‌ای، مدل‌ها را برای مسابقات مد آماده می‌کند.
- ۶- **Barbie Dreamhouse Adventures:** ورود به دنیای باریبی و تجربه فعالیت‌های روزمره او.

این بازی‌ها با فعالیت‌های موسیقی شاد و مکانیک‌های ساده، به سرعت توجه کودکان را جلب می‌کنند، اما پرسش این است: این سرگرمی‌های به‌ظاهر هیج‌زهر، چه پیام‌های عمیقی بر ذهن و هویت کودکان دارند؟

نقد از منظر علوم شناختی - چگونه بازی‌ها مغز را برنام‌ریزی می‌کنند؟

از منظر علوم شناختی، بازی‌های دیجیتال صرفاً سرگرمی نیستند، بلکه محیط‌های یادگیری قدرتمندی محسوب می‌شوند که می‌توانند معماری مغز را شکل دهند. برای درک تأثیر بازی‌های «دخترانه» بر ذهن کودکان، باید به چند مکانیسم شناختی توجه کنیم:

۱. سیستم پاداش و دوپامین

مغز انسان در مواجهه با پاداش‌ها یا دستاوردهای غیرمنتظره، دوپامین ترشح

می‌کند. بازی‌های مورد بحث با طراحی هوشمندانه، پاداش‌های مکرر و تصادفی ارائه می‌دهند؛ هر بار که برای مدل لباس جدیدی می‌خرید، هر بار که امتیاز بالاتری می‌گیرید، مغز دوپامین آزاد می‌کند و احساس لذت ایجاد می‌شود.

مشکل آنجاست که این پاداش‌ها به تدریج به «خرید» و «مصرف» گره می‌خورند. مغز کودک یاد می‌گیرد که لذت در گرو خرید است. این الگوی عصبی، زمینه‌ساز شکل‌گیری «هویت مصرفی» می‌شود؛ جایی که فرد برای تجربه لذت، به مصرف‌نیاز پیدا می‌کند.

۲. نظریه آینه‌های عصبی

نورون‌های آینه‌ای، سلول‌های عصبی هستند که هم هنگام انجام یک عمل و هم هنگام مشاهده همان عمل در دیگری فعال می‌شوند. این نورون‌ها پایه عصبی همدلی و یادگیری مشاهده‌ای هستند. در بازی‌های آرایشی، کودک مدام مدل‌هایی را می‌بیند که آرایش شده و لباس پوشیده‌اند. این مشاهده مکرر، الگوهای عصبی مرتبط با «زیبایی آرایشی» را تقویت می‌کند. کودک یاد می‌گیرد «خوب دیده شدن» نیازمند آرایش و لباس است. این یادگیری چنان عمیق است که بعدها در زندگی واقعی، همین الگوها فعال می‌شوند و رفتار را جهت می‌دهند.

۳. شکل‌گیری طر حواره‌های شناختی

طر حواره‌ها، چارچوب‌های ذهنی‌ای هستند که به ما کمک می‌کنند اطلاعات را سازماندهی و تفسیر کنیم. بازی‌های سبک زندگی دخترانه، طر حواره‌های خاصی را در ذهن کودکان ایجاد می‌کنند:

- **طر حواره زیبایی:** زیبایی برابر است با پوست روشن، چشم‌های درشت، اندام لاغر و لباس‌های مد روز
- **طر حواره موفقیت:** موفقیت یعنی برنده شدن در مسابقات مد و جلب توجه دیگران
- **طر حواره خوشبختی:** خوشبختی در گرو داشتن لباس‌های بیشتر و لوازم آرایشی بهتر است

۴. توجه و حافظه

بازی‌های مورد بحث با طراحی بصری پرجاذبه، توجه کودک را جلب و جذب می‌کنند، اما این توجه از نوع «توجه جلب‌شده» است، نه «توجه فعال». تفاوت مهم است: در توجه فعال، کودک انتخاب می‌کند به چه چیزی دقت کند، اما در توجه جلب‌شده، محرک‌های بیرونی کنترل را به دست می‌گیرند. این مکانیسم باعث می‌شود کودک به تدریج توانایی تمرکز فعال خود را از دست بدهد. از سوی دیگر، اطلاعاتی که با هیجان همراهند، بهتر در



هویت کاذب در آینه‌های جیبی

نقد و تحلیل بازی‌های سبک زندگی دخترانه از منظر علوم شناختی و مطالعات فرهنگی

حافظه بلندمدت ذخیره می‌شوند. از آنجا که این بازی‌ها هیچ‌انای طراحی شده‌اند، پیام‌های مصرف‌گرایانه عمیقاً در حافظه کودک نقش می‌بندند.

نقد از منظر مطالعات فرهنگی - مصرف به مثابه هویت

مطالعات فرهنگی به ما می‌آموزد که بازی‌های دیجیتال را باید در بستر فرهنگی و ایدئولوژیک آنها تحلیل کرد. بازی‌های سبک زندگی دخترانه، محصول و هم‌زمان بازتولیدکننده گفتمان‌های فرهنگی خاص هستند.

۱. مصرف‌گرایی به عنوان سبک زندگی

در این بازی‌ها، مصرف نه یک انتخاب که یک ضرورت است. در بازی Pou، برای بقای شخصیت باید مدام خوراکی بخردید. در بازی‌های آرایشی، برای پیشرفت باید مدام لوازم جدید بخرید. مصرف به شرط حیات تبدیل می‌شود.

این الگو، همان چیزی است که منتقدان فرهنگی «فرهنگ مصرف‌گرایی» می‌نامند؛ فرهنگی که در آن «داشتن» جایگزین «بودن» می‌شود. کودک یاد می‌گیرد که هویت او با داشتن است. تعریف می‌شود، نه با ویژگی‌های درونی‌اش.

۲. تحمیل استانداردهای زیبایی غربی

نگاهی به گزینه‌های موجود در این بازی‌ها نشان می‌دهد که همه مدل‌ها دارای ویژگی‌های ظاهری خاصی هستند: پوست روشن، چشم‌های درشت، موی بلند و لخت، اندام باریک. این تصویر، استاندارد زیبایی غربی را ترویج می‌کند و هر گونه تنوع نژادی، فرهنگی یا بدنی را نادیده می‌گیرد.

بازی‌هایی مانند **Stylist Girl** و **Fashion Show** مدل‌هایی با همین ویژگی‌ها ارائه می‌دهند. کودک کانی که با این تصاویر بزرگ می‌شود، به تدریج یاد می‌گیرد که زیبایی «واقعی» همین است و اگر خودش‌ان را ویژگی‌ها را ندارند، باید از بدن خود ناراضی باشند.

۳. ترویج الگوهای غذایی ناسالم

در بازی Pou، گزینه‌های غذایی شامل فست‌فودها، شیرینی‌های غربی و نوشابه‌هاست. بهای هر ماده غذایی نیز مانند بهای واقعی آن است. این طراحی، نه تنها مصرف‌گرایی بلکه الگوی غذایی ناسالم غربی را نیز ترویج می‌کند.

۴. کالایی شدن روابط انسانی

در بازی‌های مانند **Barbie Dreamhouse Adventures**، روابط انسانی به مجموعه‌ای از فعالیت‌های مصرفی تقلیل می‌یابد. دوستی یعنی خرید هدیه، خوشحالی یعنی پوشیدن لباس جدید، موفقیت یعنی برنده شدن در مسابقه مد. این بازنمایی، روابط انسانی را از عمق عاطفی تهی و به معاملات تجاری تبدیل می‌کند.

۱. ایجاد نیازهای کاذب

این بازی‌ها با طراحی خاص، نیازهایی را در کودک ایجاد

می‌کنند که پیش‌تر وجود نداشتند: نیاز به داشتن لباس‌های بیشتر، نیاز به آرایش بهتر، نیاز به برنده شدن در مسابقات مد. این نیازها که «کاذب» نامیده می‌شوند، ریشه در فرهنگ مصرفی دارند و به جای پاسخ به کمبودهای واقعی، خلأهایی ساختگی ایجاد می‌کنند.

۲. مقایسه اجتماعی

بسیاری از این بازی‌ها امکان رقابت با دیگران را فراهم می‌کنند. کودک یاد می‌گیرد خود را با دیگران مقایسه و ارزش خود را بر اساس این مقایسه تعریف کند. این مقایسه دائمی، منبع اصلی اضطراب و نارضایتی در دوران نوجوانی و بزرگسالی است.

۳. وابستگی عاطفی به برندها

با تکرار نام برندها و نمایش محصولات خاص، کودک به تدریج وابستگی عاطفی به برندها پیدا می‌کند. این وابستگی چنان عمیق است که بعدها در زندگی واقعی، برندها نه به دلیل کیفیت که به دلیل ارتباط عاطفی‌ای که با آنها برقرار شده، انتخاب می‌شوند.

۴. عادی‌سازی مصرف افراطی

در این بازی‌ها، خرید مکرر و مصرف بی‌رویه امری عادی و حتی ضروری جلوه داده می‌شود. این عادی‌سازی، مرمز میان نیاز و خواسته را از بین می‌برد و کودک را برای پذیرش فرهنگ مصرف‌گرایی در بزرگسالی آماده می‌کند.

۱. پیامدها - از کودکی تا بزرگسالی

تأثیر این بازی‌ها محدود به دوران کودکی نمی‌ماند و پیامدهای آن تا بزرگسالی ادامه می‌یابد:

۱. نارضایتی از تصویر بدنی
پژوهش‌ها نشان می‌دهند مواجهه مکرر با تصاویر غیرواقعی از زیبایی، به نارضایتی از تصویر بدنی منجر می‌شود. کودکانی که با این بازی‌ها بزرگ می‌شوند، در نوجوانی بیشتر در معرض خطر اختلالات خوردن، جراحی‌های زیبایی و اضطراب ظاهری هستند.

۲. مصرف‌گرایی افراطی

الگوهای مصرفی که در کودکی شکل می‌گیرند تا بزرگسالی پایدار می‌مانند. کودکانی که مصرف را با لذت و هویت پیوند زده‌اند، در بزرگسالی بیشتر در معرض خریدهای افراطی، بدهی و نارضایتی مالی هستند.

۳. بحران هویت

هویتی که بر مصرف استوار باشد، هویتی شکننده و وابسته است. این افراد همواره نیازمند تأیید بیرونی هستند و در مواجهه با نوسانات اقتصادی و اجتماعی، دچار بحران هویت می‌شوند.

۴. تضعیف پیوندهای اجتماعی

تمرکز بر ظاهر و مصرف، پیوندهای اجتماعی را تضعیف می‌کند. روابط بر مبنای «چه دارم» شکل می‌گیرد، نه «چه هستیم». این الگو، همبستگی اجتماعی را کاهش می‌دهد و به فردگرایی افراطی دامن می‌زند.

۱. نتیجه‌گیری - آینده را در پیام

بازی‌های سبک زندگی دخترانه، آینه‌های جیبی هستند که در دستان کودکان مان‌کرار داده‌ایم، اما این آینه‌ها، تصویری را باز می‌تابانند که ما انتخاب نکرده‌ایم؛ تصویری از زنی که هویت خود را در مصرف جست‌وجو می‌کند، زیبایی را در آرایش می‌بیند و خوشبختی را در رقابت با دیگران.

داستان سارا که در ابتدای این نوشتار آمد، داستان هزاران کودک امروز است؛ کودک کانی که در فضای مجازی بزرگ می‌شوند و هویت‌شان در تقابل با بازی‌هایی شکل می‌گیرد که از هزاران کیلوگرام آن‌سوی بران‌شان طراحی شده است.

نقد این بازی‌ها به معنای رد مطلق فناوری یا بازگشت به گذشته نیست. فناوری بخشی از زندگی ماست؛ بازی‌های دیجیتال می‌توانند ابزارهای یادگیری قدرتمندی باشند.

مسئله، محتوای این بازی‌ها و پیام‌های پنهان در آنهاست. راه‌حل، نه در منع و محدودیت صرف که در چند اقدام اساسی نهفته است:

یکم، تولید محتوای بومی: نیازمند تولید بازی‌هایی هستیم که ضمن جذابیت، ارزش‌های فرهنگی و هویت بومی را بازتاب دهند؛ بازی‌هایی که شخصیت‌های ایرانی داشته باشند، پوشش محلی را به نمایش بگذارند و الگوهای مصرف سالم را ترویج کنند.

دوم، تقویت سواد رسانه‌ای: کودکان و والدین باید توانایی نقد و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای را بیاموزند. سواد رسانه‌ای نه فقط توانایی استفاده از رسانه که توانایی پرسش از آن است.

سوم، توجه به نیازهای واقعی کودکان: بسیاری از جذابیت این بازی‌ها به دلیل خلأ عاطفی در زندگی واقعی کودکان است. اگر کودک در خانه و مدرسه، محبت، توجه و فرصت ابراز وجود کافی داشته باشد، کمتر به پناه بردن به دنیای مجازی نیاز پیدا می‌کند. چهارم، گفت‌وگو و همراهی: به جای نظارت صرف، والدین باید با کودکان خود گفت‌وگو کنند، بازی‌ها را بشناسند و با حضور فعال خود، به کودکان کمک کنند پیام‌های پنهان را تشخیص دهند.

در پایان، باید پرسید: چه تصویری از دختران مان در آینه‌های جیبی می‌خواهیم ببینیم؟ همان تصویری که از راه رسیده یا تصویری که ریشه در فرهنگ، تاریخ و هویت ما دارد؟ پاسخ به این پرسش، آینده فرزندان ما را شکل خواهد داد.



هشدار برای کسانی که به دنبال بافت یا صاف کردن مو هستند

برای حالت‌دهی - **جذب از راه دست‌ها:** افرادی که با این محصولات کار می‌کنند در معرض خطر بیشتری هستند

برخی از این ترکیبات مانند بنزن، سرطان‌زا هستند و سرب نیز سمیت عصبی دارد. نیاز به تحقیقات بیشتری وجود دارد، اما وجود این مواد در محصولات پرکاربرد، رنگ‌های جلدی است که باید بررسی و بر آن نظارت شود.

در دنیایی که زیبایی گاهی با سلامت معاوضه می‌شود، این پژوهش یادآوری می‌کند که شاید وقت آن رسیده‌نگاهی دقیق‌تر به محصولاتی بیندازیم که برای موهای مان استفاده می‌کنیم. آن گیس‌های بلند و زیبا، اگر ناخواسته حامل مواد سمی باشند، ممکن است بهای سنگین‌تری از آنچه فکر می‌کنیم داشته باشند.

زنان سیاه‌پوست عرضه می‌شود، هشدار داده‌اند. گزارشی در سال گذشته نشان داد در نمونه‌های ۱۰ برند محبوب موهای بافت‌ه مصنوعی، مواد سرطان‌زا یافت شده و ۹ نمونه از ۱۰ نمونه نیز به سرب آلوده بودند.

محصولات صاف‌کننده شیمیایی مومین خطرناک هستند. یک مطالعه در سال ۲۰۲۳ میلادی نشان داد زنانی که بیش از دو بار در سال از این محصولات استفاده می‌کنند، ۵۰ درصد بیشتر در معرض ابتلا به سرطان رحم قرار دارند. مطالعه دیگری نیز این خطر را بیش از دو برابر گزارش کرده است. این مواد شیمیایی می‌توانند از سه راه وارد بدن شوند:

جذب از راه پوست‌سرسر: ایجاد سوزش، فرم‌زنی و التهاب

استنشاق: به‌ویژه هنگام حرارت دیدن موها

اگر شما هم اهل بافت مو و اکستنشن هستید باید بدانید که نتایج یک تحقیق تازه از خطرات جدی این کار زیبایی حکایت دارد. پژوهشگران مؤسسه ساینس اسپرینگ در ماساچوست، ۴۳ محصول اکستنشن مو را که از فروشگاه‌های اینترنتی و محلی خریداری شده آزمایش کردند. آنها در مجموع ۱۶۹ ماده شیمیایی در این محصولات شناسایی کردند که ده‌ها مورد از آنها خطرناک بودند. از این میان، ۱۲ ترکیب در فهرست مواد سرطان‌زا و مضر قانون کالیفرنیا (معروف به Proposition ۶۵) قرار دارند که می‌توانند باعث نقص مادرزادی، سرطان و مشکلات باروری شوند. همچنین ۱۷ ترکیب مرتبط با سرطان پستان در ۳۶ نمونه از محصولات یافت شد. البته که در سال‌های اخیر، پژوهشگران بارها درباره محصولات مضر مو که عمدتاً به

لایحه تأمین امنیت زنان در نوبت صحن

لایحه امنیت زنان و طرح اصلاح مهره در مجلس از آن دست طرح‌ها و لایحه‌هایی هستند که هر خانم ایرانی دانش می‌خواهد از وضعیت آنها خبر داشته باشد چرا که یک جورهایی با سرنوشته همه ما خانم‌های ایرانی گره خورده است. اگر شما هم می‌خواهید از آخرین سرنوشته این دو موضوع مطلع شوید باید بدانید که زهرا خدادادی، رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس درباره لایحه تأمین امنیت زنان اینگونه توضیح داد: «با تعامل مناسب میان مجلس و دولت و همچنین همکاری کمیسیون اجتماعی، بخش عمده‌ای از اختلاف‌نظرهای پیشین برطرف شده و این لایحه در کمیسیون به تصویب رسیده و در نوبت بررسی در صحن علنی قرار دارد.»

به گفته و در جریان بررسی صحن نیز امکان ارائه پیشنهاد از سوی نمایندگان وجود دارد و امیدوارم خروجی نهایی قانون، حمایت مؤثری از زنان و در عین حال تحکیم بنیان خانواده را به همراه داشته باشد. خدادادی درباره اصلاحات مربوط به مهره نیز توضیح داد: «بخش عمده مواد مرتبط تصویب شده، اما یکی از مواد برای اصلاح به کمیسیون بازگشته است. با بازگشت این ماده به صحن، مجدداً امکان ثبت پیشنهاد وجود دارد و تصمیم نهایی پس از بررسی‌های تکمیلی اتخاذ خواهد شد.» وی تأکید کرد: «هدف ما این است که در چارچوب قانون، هم حقوق زنان حفظ شود و هم تصمیمات اتخاذ‌شده به نفع استحکام خانواده باشد.»



زهرا خدادادی، رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس درباره لایحه تأمین امنیت زنان اینگونه توضیح داد: «با تعامل مناسب میان مجلس و دولت و همچنین همکاری کمیسیون اجتماعی، بخش عمده‌ای از اختلاف‌نظرهای پیشین برطرف شده و این لایحه در کمیسیون به تصویب رسیده و در نوبت بررسی در صحن علنی قرار دارد.»

توقع اخلاق از فوتبال دوزاری نداشته باشید

آدم می‌ماند از بدون تماشاگر بودن مسابقات لیگ برتر فوتبال خوشحال باشد یا ناراحت. از یک طرف می‌گویم که ششور و هیجان فوتبال بدون حضور تماشاگر و هوادار کاملاً از بین می‌رود از طرف دیگر با دیدن رفتارهای جماعت فوتبالی در زمین مسابقه خدا را شکر می‌کنیم هواداری در ورزشگاه وجود ندارد تا از نزدیک شاهد رفتارهای زشت و زنده بزرگ

و کوچک فوتبال کنار زمین و داخل میدان باشد. آنچه یک‌شنبه شب در ورزشگاه انزلی رخ داد، نمونه بارز بی‌اخلاقی و افسار گسیختگی جماعت فوتبالی بود. وقتی مازن زارع در نقش سرمربی ملوان و خداداد عزیزی در سمت سرپرست تراکتور به‌طور وحشیانه به طرف هم حمله می‌کنند و با الفاظی زشت یکدیگر را خطاب قرار می‌دهند باید هزاران بار شکر کنیم که تماشاگری در ورزشگاه حضور نداشت. وقتی کاپیتان تراکتور همچنان با حرکات زشت خود حاشیه‌ساز می‌شود باید خوشحال باشیم هواداری در ورزشگاه حضور ندارد که کار از این افزایشی که هست، بالاتر بگیرد.

مدت‌هاست که دیگر حتی جرمه‌های انجمنی هم تأثیری بر رفتارهای زشت فوتبالی‌ها ندارد. انگار عادت کرده‌اند که هر غلطی دل‌شان می‌خواهد بکنند و بعد هم چیز را ماستمالی کنند. اصلاً نمی‌خواهیم که یک طرف را مقصر معرفی کنیم، اتفاقاتی که در ورزشگاه‌های بدون تماشاگر رخ می‌دهد به‌هیچ وجه قابل تحمل نیست. مربوط به یک یا دو بازی با یک شخص و دو شخص خاص هم نمی‌شود. بازی ملوان و تراکتور فقط یکی از آنها بود. همین هفته بازی فجر و شمس‌آذر را هم داشتیم که دست کمی از این بازی نداشت، وقتی سرمربیان دو تیم حسایی از خجالت هم درآمدند. در این میان یک نکته مهم از نظر بر گزار کنندگان لیگ نایده گرفته شده که به نظر می‌رسد باید آن را به جماعت فحاش فوتبال یادآور شوند و آن اینکه به این جماعت بی‌اخلاق و فحاش یادآوری کنید بازی بدون تماشاگر است و با توجه به سکوت سکوها از اجیفی که به زبان می‌آورند به راحتی به گوش می‌رسد. پس حداقل برای حفظ شخصیت نداشتن خودشان هم که شده قدری مراقب باشند تا بیشتر از این آبروی نداشته خود را به باد ندهند.

مورد مهم دیگر حضور برخی تماشاگر نماها در ورزشگاه‌ها، حتی در زمان انجام بازی بدون تماشاگر است. عده‌ای که ظاهراً همیشه باید باشند و همیشه حاشیه درست کنند. آنچه از حاشیه‌های بازی ملوان و تراکتور بیرون آمده، حضور عده‌ای از این افراد در ورزشگاه است که اتفاقاً با قدرت تمام در حال فحاشی هستند. عده‌ای که حتی تعداد اندکشان هم برای به جنجال کشیدن یک مسابقه کافیتست. البته ذکر این نکته لازم است که بازیکنان، مربیان، کادر فنی و سرپرستی تیم‌ها که القاب و عنوان‌هایشان را کامیون هم نمی‌کنند نباید به راحتی تحت تأثیر جو فرار بگیرند. هرچند که زیاد نمی‌توان از این جماعت «دوزاری» میلیار دیگر توقع صعه صدر و خوشبختاری داشت. باز هم می‌گویم که فوتبال با تماشاگر و هوادار فوتبال می‌شود، ولی امروز خوشحالی‌هم که حداقل این حجم از فحاشی و پرده‌داری مقابل چشم هواداران نمایش داده نمی‌شود.



مرد برزیلی پرسپولیس را متقاعد کرد

اوسمار امروز رسماً تمدید می‌کند

کرد. گزارش ارائه شده مورد قبول اعضای هیئت‌مدیره قرار گرفت و در همین راستا، بند تمدید قرارداد سرمربی فعال شد تا مسیر فنی تیم با تمرکز و انسجام بیشتری ادامه یابد. مدیران باشگاه بر این باورند که با آرامش، ثبات و حمایت از برنامه‌های فنی، روند تقویت تیم با نگاه کوتاه‌مدت و بلندمدت دنبال خواهد شد.»

الته هیئت مدیره پرسپولیس امروز هم قرار است تشکیل جلسه بدهد. جلسه‌ای با حضور پنج عضو (علیرضا آرا، مهدی احمد میرزایی، علی اینانلو، پیمان حدادی و مهدی همتی) جهت بررسی هرچه بیشتر و نهایی تمدید قرارداد با اوسمار و اعلام رسمی آن. سرمربی که نیم‌فصل نخست را با امید و انسجام به پایان برد، اما در نیم‌فصل دوم بر خلاف انتظار چنان زمین خورد که بحث پایان همکاری با او چند روزی نقل محافل شد. با وجود این اوسمار با ارائه برنامه‌هایش، مسئولان پرسپولیس را مجاب به ادامه همکاری و همچنین تمدید قراردادش کرده است. مسئله‌ای که قرار است در پایان جلسه امروز رسماً اعلام شود. تصمیمی که با توجه به اتفاقات اخیر نمی‌توان با اطمینان گفت درست است یا غلط.

اوسمار سرزنش‌ناگه به پرسپولیس بازگشت و توانست این تیم را از پریشانی تسلاوی‌های متعدد خلاص کند و در مسیر پیشرفت و موفقیت قرار دهد. او ساختار را سرو سامان بخشید و با تکانی اساسی به پرسپولیس، جایگاه این تیم را در جمع مدعیان تثبیت کرد، اما همانطور که موفقیت‌ها به نام سرمربی نوشته می‌شود، بجران‌ها و ناکامی‌ها نیز به عهده اوست. به همین دلیل اگر بازی‌های پرسپولیس در نیم‌فصل دوم با تماشاگر بر گزار می‌شد، بی‌شک همان‌هایی که از نیمه فصل نخست تا پایان آن برایش سوت زده و هورا کشیده بودند، علیه‌اش شعار می‌دادند. به همین دلیل اگر چه نسبت یکی از عوامل موفقیت محسوب می‌شود، اما تا زمانی که اوسمار نشان نداده به عنوان سرمربی هم به پختگی لازم رسیده که بتواند از بزنگاه‌های حساس به سلامت عبور کند، نمی‌توان گفت تصمیم باشگاه پرسپولیس به ادامه همکاری با او درست بوده یا غلط.

دلخوری از بی‌ثباتی تند و تیز باشگاه و صورت برافروخته اوسمار در پاسخ به اصحاب رسانه بعد از باخت به خیبر، بحث جدایی سرمربی برزیلی از جمع سرخپوشان را استارت زد.

درست بعد از تصمیم اسکوپچ به جدایی از تراکتور و احتمال شدن جدایی ساینینو، بحث پایان همکاری اوسمار با پرسپولیس هم بر سر زبان‌ها افتاد. مربی که در بازگشت مجدد به جمع سرخپوشان تهرانی توانسته بود ناکامی‌ها و تسلاوی‌های بی‌پایان هاشمیان را جبران و پرسپولیس را بار دیگر به عنوان مدعی این فصل معرفی کند، اما درست بعد از باخت دراماتیک بر تراکتور در جام حذفی، ورق برگشت و پرسپولیس اوسمار وارد بحرانی به مراتب بدتر از دوران هاشمیان شد، چراکه پرسپولیس در زمان هاشمیان حداقل یک امتیاز از بازی‌های گرفت، اما پرسپولیس اوسمار در نیمه دوم بد روی دور باخت افتاد. مسئله‌ای که باشگاه را به واکنش واداشت و نتیجه این واکنش توبیخ و جریمه تیم بود. مسئله‌ای که اوسمار را چنان برآفت که تصور می‌شد خود پیشقدم جدایی شود.

چهره اوسمار بعد از باخت به خیبر رانمی‌توان به این زودی‌ها فراموش کرد. به‌زعم او باخت به خیبر نتیجه تصمیم و شوکی بود که باشگاه به تیم وارد کرد و نتیجه عکس داد و این را چندین مرتبه در لاف‌های بیان کرد و حتی گفت که اگر هواداران او را نخواهند، جدایی قابل مذاکره است. همین چند جمله کوتاه کافی بود که بحث جدایی‌اش از جمع سرخپوشان پررنگ و پررنگ‌تر شود. در همین راستا طی روزهای گذشته نام‌های مختلفی هم مطرح شد و برخی تقریباً حضور حسین عبدی را در پرسپولیس محتمل و قطعی می‌دانستند. با وجود این باشگاه پرسپولیس برای پایان دادن به تمام شایعات مطرح شده، از تصمیم به فعال کردن بند تمدید قرارداد با اوسمار برزیلی خبر داد. خبری که خط بطلانی بر تمام حواشی مطرح شده بود.

صبح روز گذشته باشگاه پرسپولیس در پی برگزاری جلسات متعدد مدیریتی و فنی که بررسی روند همکاری با اوسمار ویرا یکی از موارد مهم آن بود، اعلام کرد که تصمیم به فعال کردن بند تمدید قرارداد این مربی گرفته است. تصمیمی که برای پایان دادن به تمام شایعات و احتمالات، رسماً روی خروجی سایت این باشگاه قرار گرفت: «جلسات تخصصی و فترده‌ای میان مدیرعامل باشگاه و سرمربی بر گزار شد که طی آن، اوسمار ویرا برنامه‌ای تحول‌خواه و توسعه‌گرا برای پایه‌ریزی «پرسپولیس نوین» ارائه کرد. مقرر است جزئیات این برنامه در نشست هیئت‌مدیره نیز ارائه شود تا چارچوب اجرایی آن با هماهنگی کامل دنبال شود. مدیرعامل باشگاه ضمن ارائه گزارش کامل از این جلسات و برنامه‌های ارائه شده، بر ضرورت ایجاد ثبات فنی برای اجرای این طرح تأکید

وزارت ورزش کاهش پاداش‌ها را پیگیری می‌کند

نامه اعتراضی مدال‌آوران ناشنوا به پزشک‌شان



کاهش پاداش‌های وعده داده شده داد مدال‌آوران ناشنوا را درآورد. مراسم تجلیل از قهرمانان پارالمپیک، نایب‌نایان و ناشنوایان با حضور رئیس‌جمهور بر گزار شد و از ۴۸۹ مدال‌آور که امسال و سال گذشته در میدان بین‌المللی روی سکو رفتند، تجلیل به عمل آمد. بر گزاری مراسم جداگانه برای مدال‌آوران رشته‌های پارالمپیک، ناشنوا و نابینا برای نخستین‌بار اقدامی ارزشمند از سوی مسئولان بود. با این حال تغییرات صورت گرفته در میزان پاداش‌ها حاشیه‌ساز شده است. گویا کاهش مبالغ پاداش‌ها باعث ناراحتی مدال‌آوران ناشنوا شده و حتی برخی از آنها در همان مراسم این مسئله را به گوش دکتر پزشک‌شان رساندند. اینطور که سرپرست فدراسیون ناشنوایان گفته ورزشکاران نامه‌ای هم به رئیس‌جمهور دادند.

محمد اسد مسجیدی در گفت‌وگو با تسنیم ضمن تأیید این موضوع، از پیگیری وزارت ورزش خبر داده است: «پس از مراسمی که بر گزار خواهد شد، جلسه‌ای با تعدادی از مدال‌آوران در محل فدراسیون بر گزار شد تا موضوع را پیگیری کنیم. این ورزشکاران نامه‌ای که به رئیس‌جمهور داده بودند را به من نشان دادند. در نهایت مقرر شد دو نفر از این افراد به عنوان نماینده ورزشکاران همراه من به وزارت ورزش برویم، رایزنی کنیم و اطلاعات و اخبار لازم

را ارائه دهیم و بگویم که این مبلغ تعیین شده است. من در جریان این مبالغ و امتیازها نبودم. ورزشکاران می‌گویند قرار بوده ۶۰ درصد پاداش ورزشکاران شنوایان آنها داده شود، اما این اتفاق نیفتاده است. کامیاب سلطانی، مدیر کل دفتر مشترک فدراسیون‌ها در وزارت ورزش تماس گرفت و گفت که همه مستندات را به آنها ارائه دهیم، چراکه دنیامالی دستور بررسی این موضوع را

داده است. قرار است هر چه اطلاعات و مکاتبات داریم را به دفتر سلطانی ببریم. این پاداش را دولت به مدال‌آوران می‌دهد و کار مربوط به آن را وزارت ورزش پیش می‌برد. فدراسیون فقط لیست مدال‌آوران و نوع مدال کسب شده را ارائه می‌دهد. به همین دلیل من اصلاً اطلاع ندارم و فقط می‌خواهم به این بچه‌ها کمک کرده باشم. همه مستندات را همراه او در دفتر به وزارت ورزش می‌برم.»



اتلتیکو روی هوادارانش حساب می‌کند، المپیاکوس روی طارمی دست و پازدن افعی‌ها برای صعود

حسرت صعود به یک‌هشتم نهایی این فصل لیگ قهرمانان امشب به دل چهار تیم می‌ماند. دور برگشت یلی آف این رقابت‌ها با انجام چهار دیدار امشب شروع می‌شود و اینترمیلان و اتلتیکومادرید اصلاً دوست ندارند در این مرحله با لیگ قهرمانان وداع کنند.

صدرنشین سری آ تحمل حذف از اروپا، آن هم به دست یک تیم نرورزی را ندارد. اینترمیلان با تمام قوا در لیگ ایتالیا می‌جنگد و در نیمه‌نهایی کویا ایتالیا نیز حضور دارد. فرصت کسب دو جام قهرمانی برای کریستین کیوو اهمیت زیادی دارد، ولی هواداران نرورزی انتظار دارند تیم محبوب‌شان در اروپا نیز قدرت‌نمایی کند. اینترمیلان هر چه تلاش کرد نتوانست مستقیماً صعود کند و حریف بوده گیملت شد. تیم نرورزی در بازی رفت طوری شاگردان کیوو را چمیز کرد که همه شوکه شدند. باخت ۳ بر یک در نرورز کار افعی‌ها برای جبران را سخت کرده است، چراکه لاتورا مار تینز، کاپیتان و بهترین گلزن اینتر در بازی رفت مصدوم شده و فعلاً نمی‌تواند پا به توپ شود.

شانس صعود اینترمیلان پیش از این دیدار لچه را برد تا با ۶۴ امتیاز و خیال راحت از صدرنشینی روی بازی اروپایی خود تمرکز کند. این نهمین برد خارج از خانه اینتر در سری آ بود و روحیه تیم را بالا برد. منتها کیوو، سرمربی اینتر هم می‌داند جبران باخت بازی رفت آسان نیست: «از سختی‌ها آگاهیم. باید همه چیز را در زمین به دست بیاوریم و هیچ چیز را قطعی ندانیم. امشب بازی برگشت را در خانه انجام می‌دهیم. باید بهترین نسخه خودمان باشیم، چون صعود هنوز کاملاً ممکن است و هنوز هیچ چیز قطعی نشده است.»

ضعف اتلتیکو تیم دیگو سیمونونه با ضعف‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کند و گویا شاگردان سرمربی آرژانتینی فقط راه پیروزی بر بارسلونا را بلدند. اتلتیکومادرید در بازی رفت خود برابر کلوب بروژ با تساوی ۳-۳ متوقف شد. این در حالی است که تیم اسپانیایی در نیمه اول ۲ بر صفر پیش بود، دو گل در نیمه‌دوم دریافت کرد، سپس گل سوم، زده ولی در آخرین سقوط کرد.

تغییرات والیبال به گردن سرمربی افتاد

پیاتزا خواستار تحول بود

تقریباً سه روز بعد از تغییرات گسترده و سؤال‌برانگیز در تیم ملی والیبال، دبیر سازمان تیم‌های ملی والیبال تأکید کرد که تحولات ایجاد شده به درخواست سرمربی تیم بوده است. والیبال ایران هفته را با اتفاقات جالب توجهی آغاز کرد؛ در تغییرات گسترده در بدنه تیم ملی. محمدرضا تندروان و عبدالرضا علیزاده که در سال ۲۰۲۵ به عنوان دستیاران ایرانی پیاتزا در تیم ملی والیبال مشغول به فعالیت بودند از کادرفنی کنار گذاشته شدند و قرار شد سرمربی از میان چند گزینه، دو مربی را به عنوان اعضای جدید کادرفنی خود معرفی کند. اما تغییرات ایجاد شده در تیم ملی صرفاً به کنار گذاشتن این دو مربی محدود نشد و علاوه بر تندروان و علیزاده، پیشک‌نمست، مسئول تدارکات و حتی امیر خوش‌خبر، سرپرست تیم هم کنار گذاشته شدند! تحولاتی سؤال‌برانگیز که تقوی، رئیس فدراسیون والیبال تأکید داشت بر اساس امیل پیاتزا، این تغییرات صورت گرفته و به معنای ناکارآمدی نفرات قبلی یا ضعف عملکرد آنها نبوده، در واقع مرد ایتالیایی تیمکت تیم ملی خواسته تا با این تغییرات، انرژی و انگیزه متفاوتی در تیم ایجاد کند. بعد از توضیحات تقوی، حالا امیر خوش‌خبر، دبیر سازمان تیم‌های ملی والیبال ایران نیز می‌گوید هدف اصلی این تغییرات ایجاد خانه‌تکانی و شوک مثبت، به‌ویژه برای بازیکنان جوان است تا با روحیه تازه وارد یک مسیر و پروسه جدید شوند و نتایج سال گذشته را پشت سر بگذارند. «در خصوص دستیاران پیاتزا هنوز فرد خاصی مدنظر نیست و قرار است گزینه‌ها توسط سرمربی و فدراسیون مورد بررسی قرار گیرند. سال آینده سال بسیار سختی برای والیبال ایران است. هم لیگ ملت‌ها را داریم و هم رقابت‌های قهرمانی آسیا را. مسابقاتی که نخستین مرحله انتخابی المپیک ۲۰۲۸ هم به حساب می‌آید و برای والیبال ایران اهمیت زیادی دارد، به همین دلیل باید انتخاب دستیاران و اعضای کادرفنی با دقت و حساسیت بیشتری انجام شود تا خواسته سرمربی تیم محقق شود. البته برخی تغییرات ممکن است موقتی باشد. پیاتزا ناآرامی وسواسی است و این موضوع را قبلاً هم در انتخاب کاپیتان تیم ملی نشان داده بود. الان هم قطعاً برای انتخاب دستیارانش حساسیت زیادی نشان خواهد داد، چراکه دستیارانش در کنار او در تیمکت تیم ملی هستند و باید به او کمک کنند و اطلاعات بدهند.»





سارق ۲۵ تانیه‌ای پرشیا با یک نامه به دام افتاد

■ **غلام‌فاسکنی**
مرد جوانی که خودروهای پرشیاای مجهز به دزدگیر را در کمتر از ۲۵ ثانیه سرقت می‌کرد، پس از ماه‌ها سرقت سریالی در خیابان‌های تهران با یک نامه مرموز لو رفت. کار آگاهان پلیس آگاهی پایتخت با دریافت سر نخ‌ی غیر منتظره، سارق سابقه‌مداری را بازداشت کردند که از موبایل قاپی به سرقت حرفه‌ای خودرو رسیده بود و خودروهای مسروقه را به باند مالخوران در شهرهای مرزی می‌فروخت.
چندی قبل مرد جوانی سراسیمه وارد کلاتری یکی از خیابان‌های شرقی پایتخت شد و از سرقت خودروی پرشیاای خود شکایت کرد. این مرد در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «هر روز با خودرویم به محل کارم می‌روم و آن وارد یکی از خیابان‌های اطراف پارک می‌کنم. خودرو منچیز به دزدگیر است و از بابت سرقت خیالم راحت بود. اما ساعتی قبل وقتی به سراغش رفتم، متوجه شدم سرقت شده است.»

■ **ورود پلیس آگاهی به پرونده**
با ثبت این شکایت، پرونده به دستور قاضی امیر حسین شریفی‌وند، باز پرس دادرسی ویژه سرقت، در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت و تحقیقات تخصصی آغاز شد.
در حالی که بررسی‌ها ادامه داشت، مأموران با پرونده‌های مشابه دیگری روبه‌رو شدند؛ سرقت‌های سریالی خودروهای پرشیا در خیابان‌های مختلف تهران.
■ **سارق تک‌رو و مبهارت بالا**
بررسی‌های پلیسی نشان داد بیشتر خودروهای سرقت شده دارای سیستم ایمنی و دزدگیر بوده‌اند، موضوعی که فرضیه حرفه‌ای بودن سارق باسارقان را تقویت کرد.
بازبینی دوربین‌های مدار بسته نیز نشان داد تمامی سرقت‌ها توسط یک سارق تک‌رو انجام شده و تنها در آخرین سرقت، فردی به‌عنوان همدمت او راهمراهی کرده است.

طبق تصاویر ثبت شده، سارقان با ماسک و کلاه اقدام به سرقت می‌کردند. یکی از آنها با مهربانی بالا در کمتر از یک دقیقه خودرو را روشن می‌کرد و از محل متواری می‌شد.

■ **نامه‌ای که معما را حل کرد**
در حالی که تحقیقات برای شناسایی این سارق حرفه‌ای ادامه داشت، چند روز قبل یکی از مالباختگان با سرنخی تازه به اداره پلیس مراجعه کرد.
او گفت: «در حال رفتن به محل کارم بودم که مرد موتورسوار کلاه به سری به من نزدیک شد، نامه‌ای داد و به سرعت دور شد. وقتی نامه را باز کردم، داخل آن نوشته شده بود سارق خودرویم مردی به نام آرش است، حتی مشخصات و نشانی محل زندگی‌اش هم درج شده بود.»

سارق نامه را در اختیار مأموران قرار داد. بررسی‌ها نشان داد فرد معرفی شده به نام آرش از سارقان سابقه‌دار است که پیش‌تر نیز بارها به اتهام سرقت‌های زندان شده‌است.

■ **کشف کامپیوترهای سرقتی در خانه متهم**
با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران در عملیاتی فاغفگیرانه آرش را بازداشت کردند. در بازرسی از محل زندگی او، تعداد زیادی کامپیوتر خودروی پرشیا کشف و ضبط شد.
متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی خودروهای پرشیا اعتراف کرد.

در ادامه به دستور باز پرس پرونده، متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت تا با تعداد دیگر این سرقت‌های سریالی روشن شود.

■ **سرقت در ۲۵ ثانیه**
آرش، سارق سابقه‌مداری است که خودروهای پرشیاا مجهز به دزدگیر را در یک چشم بهم زدن و در کمتر از ۲۵ ثانیه سرقت می‌کند.

آرش سابقه داری؟
بله، چند باری به اتهام سرقت به زندان رفته‌ام. البته سال‌های قبل موبایل قاپی می‌کردم، واقعبینش با سرقت موبایل وارد جرگه خلافکاران شدم.

چه شد که سارق شدی؟

من تئاتر کار می‌کردم و از دوران کودکی عاشق تئاتر بودم. با اینکه حرفه‌ای نبودم و پول زیادی هم گیرم نمی‌آمد، اما دوست داشتم و ادامه دادم تا اینکه دوران کرونا کار و کاسبی ما هم کم‌کام شد و مدتی بیکار شدم. در آن اوضاع و احوال در رفت و آمد با دوستان نابدمی شدم و بعد تصمیم گرفتم برای هزینه‌مواد سرقت کنم. اولین بار موبایل زن جوانی را داخل خیابان قاپیدم و قرار کردم نزدیک بود گیر بیفتم، اما سارق موتورسواری‌ها به دم رسید و مرا سوار کرد و گریختم.

چرا از سرقت موبایل به سرقت خودروی پرشیا رو آوردی؟

یکبار که دستگیر شدم با سارق کهنه‌کاری که به قول خودش پایش لب‌گور بود هم‌سلول شدم. او در یک چشم بهم زدن خودرو را سرقت می‌کرد و خیلی حرفه‌ای بود. از من خوشش آمد و گفت به دلیل ناراحتی قلبی‌اش شاید نتواند سرقت را ادامه بدهد و به من آموزش سرقت خودروداد.

درست است که در ۲۵ ثانیه خودروی پرشیا را سرقت می‌کنی؟

بله، حتی خودروی پرشیاایی که مجهز به سیستم ایمنی باشد من اپتنا در کابوت راباز می‌کنم و در عرض چند ثانیه دزدگیر را از کار می‌اندازم و در یک چشم بهم زدن خودرو را روشن و سرقت می‌کنم.

خودروهای سرقتی را چندان می‌فروختی؟

بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان به مالخر می‌فروختم و او هم خودروهای سرقتی را در شهرهای مرزی به قیمت بالاتری می‌فروخت.

چه شد که به دام افتادی؟
من تک‌رو بودم، اما تصمیم گرفتم یکی از دوستانت‌م را در آخرین سرقت با خودم ببرم و آموزش بدهم. پس از سرقت طمع کردم پولی را که گیرم آمده با او نصف‌کنم. وقتی به او کم‌دادم، کینه‌تزد و مرا به مالباختن معرفی کرد.

دومین جلسه رسیدگی به پرونده «کوروش کمپانی» برگزار شد

مرز باریک اقتصاد پرریسک و جرم سازمان‌یافته بررسی شد



■ **حسین فصیحی**

در صبحی که سالن دادگستری استان تهران بار دیگر میزبان صدای هم‌زمان اعتراض، دفاع و قضاوت بود، دومین جلسه رسیدگی به پرونده «کوروش کمپانی» برگزار شد؛ پرونده‌ای که از دل تبلیغات پرزرق‌وبرق و وعده فروش موبایل زیر قیمت بازار آغاز شد و اکنون با هزاران شاکی، اتهام کلاهبرداری شبکهای صدها میلیارد تومانی و روایت خرید خودروها و جت‌اسکی‌های لوکس در کیش، به یکی از بحث‌برانگیزترین محاکمات اقتصادی سسال‌های اخیر بدل شده‌است.

دومین جلسه رسیدگی به اتهامات متهمان پرونده «کوروش کمپانی» به ریاست قاضی چوکر ابراهیمیان، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه کیفری یک استان تهران، صبح روز گذشته برگزار شد؛ جلسهای که ادامه روند دادرسی درباره شرکتهای خود را آغاز کرد و اکنون با شکایت هزاران نفر روبه‌روست. پرونده‌ای با بیش از ۶ هزار شاکی که در آن ۹ متهم به مشارکت و معاونت در کلاهبرداری شبکهای از طریق پیش‌فروش گوشی تلفن همراه و کالاهای دیجیتال به مبلغ حدود ۳۳۸ میلیارد تومان متهم‌اند. بنا بر کیفرخواست، این شرکت که از سال ۱۳۹۹ فعالیت خود را آغاز کرده‌بود، با تبلیغات گسترده و وعده فروش موبایل با قیمتی بسیار پایین‌تر از بازار (از جمله ایفون ۱۳ به قیمت ۲۰ میلیون تومان) بدون داشتن مجوز واردات، اقدام به پیش‌فروش گسترده کرد و بخش قابل توجهی از تعهدات خود را ایفا نکرد. طبق اعلام دادستانی، بخشی از جوه در یافتی صرف خرید خودرو، جت‌اسکی و املاک در داخل و خارج کشور شده و برخی متهمان نیز متواری هستند.

در آغاز جلسه، قاضی اعلام کرد نماینده دادستان تا آن لحظه در دادگاه حضور نیافته و هیئت دادگاه حضوری را در این مرحله ضروری ندانسته‌است. شکات با توجه به ابلاغ‌های قبلی در جلسه حاضر بودند و داد‌گاه با اعلام رسمیت، وارد مرحله اخذ دفاعیات شد.

■ **متهمان متواری و دفاع و کلا**

در این جلسه نیز همانند جلسه پیشین، متهمان ردیف اول و دوم در جایگاه حاضر نشدند و در زمره متواریان معرفی شدند. دفاع از آنان به وکلایشان واگذار شد. قاضی با اشاره به دفاعیات جلسه قبل، این‌بار از وکیل متهم ردیف دوم خواست در جایگاه حاضر شود.

اتهام منتسب به متهم ردیف دوم، مشارکت در تشکیل شبکه کلاهبرداری از طریق پیش‌فروش بیش از ۳۱۷ میلیارد تومان تلفن همراه و دستگاه‌های الکترونیکی عنوان شد. وکیل تسخیری وی با اشاره به عدم دسترسی به موکل خود، دفاعیاتش را مبتنی بر متواری بودن پرونده اعلام داد.

او مدعی شد شرکت در سال ۱۳۹۹ با «حسن نیت» و با هدف فعالیت تجاری مشروع تأسیس شده و بحران ایجادشده ناشی از گسترش ناگهانی تقاضا و ناتوانی در ایفای تعهدات بوده‌است، نه قصد

پرونده پیچیده آدم‌ریایی مرد ۴۴ ساله با هدف اخذی ارزی، با اقدام سریع کارآگاهان پلیس آگاهی در کمتر از ۷۲ ساعت کشف شد و گروگان از چنگ آدم‌ربایان نجات یافت.
به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه مرتضی نزاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: پس از گزارش کلاتری ۱۰۲ پاسداران و شکایت همسر یک مرد ۴۴ ساله درباره ناپدید شدن وی، مشخص شد این فرد اواخر بهمن ماه پس از خروج از محل کار با خودروی ال ۹۰ مشکلی رنگ، ناپدید شده‌است. بررسی‌ها نشان داد ساعتی بعد خودروی مرد گمشده با شیشه‌های

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کرانه نیلگون لاق به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۴۰۲۰۲ و به شماره ثبت ۴۱۹۹۶۷
به استناد صورت‌جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد موسسه حسابرسی کوثر بنیاد تعاون بسپج به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۱۸۶۶۰ به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی موسسه بهداد روش امین به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۹۶۱۵۶ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند و زمانه کنترال انتشارش جوان جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
ترانز نامه و حساب‌سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۳۰ به تصویب رسید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۳۷۰-۱۳۷۲)



قبلی برای فریب، وی با استناد به تحویل بیش از ۱۰ هزار دستگاه گوشی، این اقدام را نشانه فقدان سونیت دانست و تأکید کرد در کن معنوی جرم کلاهبرداری در این پرونده مخوش است.

قاضی در پاسخ، پرسشی کلیدی مطرح کرد: «چه انگیزه‌ای موجب می‌شود کالایی با چنین اختلاف قیمتی فروخته شود؟» وکیل پاسخ داد اگر هدف بردن مال غیر بود، بخش عمده تعهدات اجرا نمی‌شد. اما قاضی یادآور شد اجرای بخشی از تعهدات می‌تواند ابزاری برای جلب اعتماد عمومی باشد.

■ **روایت خرید خودرو و جت‌اسکی در کیش**

یکی از بخش‌های مهم جلسه‌اظهارات متهم ردیف چهارم بود، فردی که نسبت خانوادگی با متهم ردیف اول دارد. او با رد اتهام مشارکت در شبکه کلاهبرداری گفت هیچ نقشی در شرکت نداشته و از جزئیات فعالیت‌هایی اطلاع بوده‌است. در پاسخ به پرسش‌های درباره حضورش در کیش، توضیح داد فردی با او تماس گرفته و گفته چند خودرو با وکالت به نامش ثبت شده‌است. به گفته او، پس از

مراجعه به کیش متوجه شده‌س خودرو به نامش منتقل شده و آنها را بازگردانده‌است. او همچنین تأیید کرد خودروها و جت‌اسکی‌هایی در کیش وجود داشته که توسط متهم ردیف اول خریداری شده و برای اجاره در اختیار شخصی قرار گرفته‌بود وکیل وی تأکید بر این‌باره که موکلش در تأسیس یا مدیریت شرکت نقشی نداشته، اعطای وکالت را دلیل بر مشارکت در جرم ندانست و خواستار صدور حکم برات شد.

■ **کارمندان با شرک‌ا؟**
در ادامه، متهمان ردیف پنجم، ششم و هفتم نیز در جایگاه حاضر شدند. وجه مشترک دفاع آنان، تأکید بر «کارمند بودن» و فقدان نقش در تصمیم‌گیری‌های کلان بود. متهم ردیف پنجم اظهار کرد حدود ۹ ماه در بخش اداری فعالیت داشته و ماهانه ۱۵ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کرده‌است. با گفته‌او، تمامی تصمیمات درباره

مجزور

در بخش دیگری از جلسه، برخی شکات‌با‌حضور در جایگاه، برش‌های درباره نحوه صدور مجوز برای شرکت مطرح کردند. یکی از آنان پرسید چگونه فردی که کارت پایان خدمت نداشته توانسته مجوز بگیرد و چرا مرجع صادرکننده پاسنخگو نیست. برخی دیگر نیز نسبت به میزان وثیقه متهمان در مقایسه با رقم ادعایی کلاهبرداری تعیین تکلیف‌کنند

شکسته و به‌صورت رها شده در حوالی خیابان عرفی شیوازی کشف شد. با توجه به احتمال خطر جانی، پرونده به‌سرعت برای رسیدگی تخصصی در دستور کار اداره چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های میدانی و بازبینی دوربین‌های مدار بسته منجر به کشف لباس‌های خون‌آلود فرد بوده‌شده شد. همچنین مشخص شد شش فرد نقاب‌دار با استفاده از دو خودروی هیوندای پرنگ، خودروی وی را متوقف کرده و پس از ضرب‌وشتن، او را رها کرده‌اند. در شاخه دیگری از بررسی‌ها رصد گسترده دوربین‌های شهری و جاده‌ای نشان داد پلاک خودروهای مورد استفاده جعلی بوده‌است.

آگهی فقدان سند مالکیت
سند مالکیت هفت و نیم هکتار دو وجه شهرداریک پلاک ثبتی ۱۳۷۱۰ واقع در بخش ۲ ثبت اسفهان بنام خانم مونس بی‌وق در فرزند رضا به شماره شناسنامه ۱۰۲-۱۰ صدحه ۴۰۲ دفتر ثبت شماره ۳۹۹ سابقه ثبت سند داشته و سند صادره است که در حال حاضر نامبرده به موجب گواهی حصر وراثت شماره ۵۳۵ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۵ شعبه دوم شورای حل اختلاف اسفهان در قید حیات نمی‌باشد وراثت حین القوم عبارتند از زوج آقای ابراهیم شیرکئی و هشت فرزند به‌نامهای اسفهر، ملیحه، رسول شهرت همگی شیرکئی بر وی، محبویه، زهره حسن، علی، شهرت همگی بر توی فر که احد از ورثان حسین بر توی فر ضمن درخواست صدور سند مالکیت به شماره ۲۹۹۱۲-۲۳۰۲۲۱۷۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ با ارائه دو برگ استشهاد شهود با رمز تصدیق ۹۶۵۷۱۷ شماره یکتا ۱۴۰۱۳۲۶۴۰۰۱۳۰۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ دفتر خانه شماره ۴۰۶ اسفهان درخواست‌المنتهی نموده‌و اعلام کرده سند مذکور بر اثر سهل‌انگاری مفقود گردیده‌است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ذیل ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد. از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید تا مراتب صورت‌تعلیق و اصل سند مالکیت به ارائه‌کننده سند مسترد گردد. بدیهی‌است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسد یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت‌المنتهی طبق مقررات خواهد شد. ضمناً به موجب نامه شماره ۴۴۴۶۴۳۳۸-۱۰۹۹۹۰۰۱۳۲۱۱۲۲/۱۴۰۱/۱۲/۱۲ اتساعیه اول اجرای احکام مدنی اسفهان در بازداشت می‌باشد که شعبه مزبور طی نامه شماره ۵۷۶۰۹۵-۱۴۰۲/۰۹/۰۹-۱۴۰۴/۱۱/۱۸ اعلام‌نمود صدور سند‌المنتهی با حفظ حقوق آن مرجع بلااعتی می‌باشد.

سیداسدالله موسوی - مدیر واحد ثبت اداره ثبت‌انگه‌ا و املاک مرکزی اسفهان

از طرف سالار جهانگیری

شناسه آگهی: ۲۱۳۴۶۵

قتل باجناب

با شلیک ۵ گلوله

آرمین بینا

قرار بود اختلاف مالی دو باجناب پشت در یک خانه در تهرانپارس حل‌وفصل‌شود، اما صدای شلیک گلوله‌ها، ساکنان محل را سراسیمه به‌کوچه کشاند. مرد ۶۰ ساله‌ای مقابل چشمان همسرش با شلیک پنج گلوله به قتل رسید و عامل جنایت که با ساکی آماده فرار آمده بود، از صحنه گریخت.

ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه چهارم اسفند، صدای شلیک چندتیر در یکی از خیابان‌های منطقه تهرانپارس در شرق تهران، ساکنان محل را سراسیمه‌از خانه‌هایشان به‌داخل‌کوچه‌کشاند.

رهگذران و اهالی محل با جسد غرق در خون مرد میانسانی مقابل یک آپارتمان مسکونی مواجه شدند، در حالی که زنی بالای سسر او فریاد کمک‌خواهی سر می‌داد. با تماس شهروندان، لحظاتی بعد نینروهای اورژانس و مأموران پلیس در محل حاضر شدند. تیم پزشکی اورژانس پس از معاینه در صحنه حادثه اعلام کرد مرد میسال بر اثر شلیک گلوله و خونریزی شدید جان باخته‌است.

ورود باز پرس ویژه قتل به صحنه

با اعلام خبر این قتل، قاضی صادق تبریزی، باز پرس ویژه قتل دادرسی‌امور جنایی تهران، در رأس کمیی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی در محل حادثه حضور یافت و تحقیقات خود را آغاز کرد.

بررسی‌ها نشان داد مقتول مردی ۶۰ ساله به نام اسد است که مقابل در خانه باجنابش با شلیک پنج گلوله به قتل رسید. اسد، گفته‌های همسر مقتول که شاهد حادثه بود، نشان می‌داد قاتل مردی به نام «سعید» و باجناب مقتول است که پس از حادثه، در حالی که ساکدستی همراه داشته‌از محل گریخته‌است.
اختلاف مالی: جرقه یک جنایت
تحقیقات اولیه همچنین حاکی از آن بود که قاتل و مقتول از مدتی قبل با یکدیگر اختلاف پیدا کرده بودند و قرار بود روز حادثه درباره این اختلاف با هم گفت‌وگو کنند.

همسر مقتول در حالی که گریه‌ها مانش نمی‌داد، در توضیح حادثه خونین گفت: «مدتی قبل شوهرم با شوهر خواهرم اختلاف مالی پیدا کرد خیلی ناخک کریم اختلاف آنها راحل کنیم و حتی من و خواهرم بارها با هم دوی آنها صحبت کردیم، اما هرگز فکر نمی‌کردم روزی شوهر خواهرم به خاطر یک اختلاف مالی جزئی، شوهرم را با شلیک گلوله به قتل برساند.»

وی ادامه داد: «اختلاف آنها ادامه داشت تا اینکه تصمیم گرفتم جلسه‌ای بگیرم و موضوع را حل کنیم، به همین دلیل او با همسرم تماس گرفت و ما را به خانه‌اش دعوت کرد تا مقابل من و همسرش با شوهرم درباره اختلافنا صحبت کنند و ما هم بشنویم و برای حل و فصل آن کمک کنیم. من و همسرم راهی خانه خواهرم شدیم و به آنها تلفنی خبر دادیم. وقتی زنگ در را زدیم شوهر خواهرم در را باز کرد. من تصور می‌کردم به پیشواز ما آمده‌ام اما ناگهان اسلحه‌کلت‌کمری از جیبش بیرون آورد و به سمت شوهرم گرفت. هر دوی ما شده‌شده بودیم که او شروع به تیراندازی کرد و تیرها به بدن شوهرم خوردند و او رانقش بر زمین کرد. من هنوز از شوک خارج نشده بودم که قاتل فرار کرد. داد و فریادم، همسایه‌ها را به‌داخل‌کوچه‌کشاند، اما قاتل فرار کرده‌بود و وقتی در باز کرد ساکی همراه داشت و الان فهمیدم که از قبل تصمیم به قتل شوهرم گرفته و وسایلش را برای فرار آماده کرده‌بود.»

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، جسده به دستور باز پرس جنایی برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل شد. مأموران در تلاشند قاتل فراری را بازداشت و زوایای پنهان حادثه را افش کنند.

سناریوی اخذی یک میلیون دلاری در تهران ناکام ماند

چهار چوب اتاق بسته شده بود، آزاد شد. در این عملیات، یکی دیگر از متهمان نیز دستگیر و در ادامه، متهم اصلی پرونده طی عملیات همزمان شناسایی و بازداشت شد. متهم اصلی در بازجویی‌ها به طراحی و اجرای این آدم‌ربایی با هدف دریافت یک میلیون دلار اعتراف کرد.

سرهنگ نزاری گفت: با آزادی گروگان و دستگیری شش نفر از عوامل دخیل در این پرونده، رسیدگی در کمتر از ۷۲ ساعت به نتیجه رسید و متهمان برای طی مراحل قانونی به دادرسی‌امور جنایی تهران معرفی شدند.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه مالکیت آقای حسین استسکی یارده فرزند بیک محمد شماره شناسنامه ۴۷۰ تاریخ تولد صادره از دارای شماره ملی با جز سهم ۱۴ سهم ۶ بعنوان کارچهار دانگ عرصه و امعیاک پلاک ۱۵۴۸۸ بخش ۵ ثبت اسفهان با شماره سند مالکیت ۱۱۴۳ تاریخ ۱۳۸۴/۰۲/۱۷ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره جایی ۵۰۴۸۵ سر۱۵۰ سال که در صفحه ۳۵۹ دفتر املاک جلد ۴۷ ذیل شماره ۱۱۱۹۵ ثبت گردیده‌است. حقوق از تقاضی و محدودیت ندارد و نامبرده بنا بر استنشاده به شماره رمز تصدیق ۲۹۹۸۰۵-۱۴۰۲/۱۱/۲۷ دفتر خانه ۱۸۲ اسفهان گواهی شده اعلام کرده سند مالکیت مذکور در اثر جابجایی مفقود گردیده و اکنون تقاضای صدور سند مالکیت‌المنتهی نموده‌و اعلام کرده سند مذکور بر اثر جابجایی مفقود گردیده‌است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ذیل ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود، چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد. از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید تا مراتب صورت‌تمجلس شده و اصل سند مالکیت به ارائه‌کننده مسترد گردد بدیهی‌است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسد یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت‌المنتهی خواهد شد.

حمیدرضا خسروی - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه شرق اسفهان

شناسه آگهی: ۲۱۳۴۶۶



کمیک موشن «هیسطوری» روی آنتن شبکه امید رفت

کمیک موشن «هیسطوری» از یک‌شنبه ۳ اسفند همزمان با شب‌های ماه مبارک رمضان روی آنتن شبکه امید رفت. کمیک موشن «هیسطوری» به کارگردانی مجید محمودی و تهیه‌کنندگی امید مرندی محصول مرکز انیمیشن سوره از روز گذشته یک‌شنبه ۳ اسفندماه روی آنتن شبکه امید رفته است. «هیسطوری» با قصه‌ای از تاریخچه استعمار در جهان در قالب رئال – کمیک‌موشن، همزمان با آغاز پویش سراسری «هیسطوری» برای نوجوانان، در ۳۲ قسمت به‌صورت شبانه در ایام ماه رمضان ه‌رشب ساعت ۲۱:۳۰ و تکرار آن روز بعد ساعت ۹:۳۰ صبح روی آنتن شبکه امید رفته است. در این مجموعه سعی شده‌است با مرور صفحات و داستان‌های تاریخی مطرح در مجموعه ۱۵ جلدی سرگذشت استعمار؛ سیراندیشه‌های استعمارگران و جهان بینی آنان برای مخاطبان بازخوانی شود. بیان این سرگذشت از طریق روایتگری رقم خواهد خورد.
رای داستان‌ها علاوه بر روایتگری، ابعاد بیشتری را برای مخاطبان بازگو و تحلیل می‌کند. همچنین همزمان با پخش این کمیک موشن، از تیزر این اثر که ساخت آن برعهده مهدی اولادوطن است، رونمایی شد.

دومین دوره پویش ملی «۱۴ کتاب؛ ۱۴ روز بهاری» برگزار می‌شود

کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان یاهدف ترویج فرهنگ کتابخوانی وغنی‌سازی اوقات فراغت کودکان ونوجوانان،دومین دوره پویش ملی «۱۴ کتاب؛ ۱۴ روز بهاری» را بر گزار می‌کند. کودکان ونوجوانان علاقمنددر سراسر کشور می‌توانند بامراجعه به مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان، ۱۴ جلد کتاب را به‌صورت هم‌زمان امانت بگیرند و در مدت ۱۴ روز مطالعه کنند. این پویش با عنوان «فرق ملی کتابخوانی کودکان ونوجوانان از رمضان تا نوروز» اجرا می‌شود و تلاش دارد باایجاد فرصتی شیرین و انگیزه‌بخش، زمینه مطالعه مستمر و تقویت عادت به کتابخوانی را در این روزها فراهم کند.
استفاده از ظرفیت کتابخانه‌های کانون پرورش فکری در سراسر کشور و تشویق اعضا به‌رهمندی بیشتر از منابع مطالعاتی، از دیگر اهداف اجرای این طرح عنوان شده است.
علاقه‌مندان تا پایان روز ۱۴ فروردین ۱۴۰۵ فرصت دارند با مراجعه به نزدیک‌ترین کتابخوانی‌های آ‌سوی اداره کل آفرینش‌های فرهنگی کانون برگزار می‌شود، شرکت کنند.

آغاز اکران آنلاین مستندی با موضوع بحران آب

اکران آنلاین مستند «فاصله ۲۸۰» با موضوع بحران تالاب بختگان به کارگردانی محمد جواد آرمان مهر و سید حسین آزادی از دوشنبه ۴ اسفند آغاز شد. مستند «فاصله ۲۸۰» به کارگردانی محمدجواد آرمان مهر و سید حسین آزادی و تهیه‌کنندگی محمدجواد آرمان مهر با نگاهی به وضعیت بحرانی تالاب بختگان (طشک، بختگان و کمجان) دومین تالاب بزرگ ایران در شرق استان فارس اکران می‌شود. تالاب بختگان که زمانی زیستگاه هزاران گونه گیاهی و جانوری، به‌ویژه پرندگان مهاجر و بومی بود، در دوران پراپی خود میزبان بیش از یکمیلیون پرنده از ۱۸۵ گونه مختلف بوده‌است؛ آماری چشمگیر که اهمیت این پهنه آبی را در چرخه زیستی منطقه و حتی در مقیاس ملی نشان می‌دهد. با این حال، درگونی‌های گسترده در حوزه آبریز، سرسوزن این تالاب (طشک، بختگان و کمجان) و نشت تغییر داده‌است. سدسازی‌های بیاب، گسترش بی‌رویه اراضی کشاورزی و برداشت بی‌رویه آب در بالادست، حیات دومین دریاچه بزرگ ایران آب‌ناهدیدی جدی روبرو کرده و آن را به مرز خشکی کامل رسانده است.

«فاصله ۲۸۰» تلاش می‌کند با روایت تصویری از گذشته پر آب و امروز کم‌جان بختگان، مخاطب را با ابعاد محیط‌زیستی، اجتماعی و انسانی این بحران آشنا کند؛ بحرانی که تنها یک تالاب را نشانه نرفته، بلکه معیشت جوامع محلی و تنوع زیستی منطقه را نیز تحت تأثیر قرار داده‌است. علاقه‌مندان می‌توانند این مستند ۵۴قیقه‌ای که در سال ۱۴۰۳ تولید شده‌است، از تاریخ ۴ اسفند ساعت ۱۷ در پلتفرم هاشور آنلاین تماشا کنند.

تولیدون



| روزنامه جوان | شماره ۷۵۳۲ | شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴ | ۶ رمضان ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ | غروب آفتاب: ۱۷:۵۵ | اذان مغرب: ۱۸:۱۳ | شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴ | اذان صبح: ۵:۱۶ | طواف آفتاب: ۰۶:۴۰

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌وران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهیداکبر زرجانی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری

Public@JavanOnline.ir

حکمت

پیامبر صلی الله علیه و آله:

نشانه توبه کننده چهار مورد است: عمل خالصانه

برای خدا، رها کردن باطل،

پایبندی به حق و حرصی

بودن بر کار خیر.

تحف العقول، ص ۲۰

گفت و گوی «جوان» با زینب افراخته درباره جایگاه زن در شاهنامه فردوسی

زن در شاهنامه نجیب، خردمند و جنگاور است

سید سحر علی‌نژاد، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت: «زن در شاهنامه فردوسی، خردمند و جنگاور است»

مذهبی ما روایت می‌شود که سعی دارد از منظر وجهه دینی و مذهبی زن کویده شود و شخصیت او مورد خدشه قرار بگیرد، واقعیت این است که مروجان چنین مسائل غیر واقعی و دروغ‌پردازانه‌ای می‌خواهند این اظهارات دروغین به مثابه دوله یک قیچی عمل کنند و فرهنگ و تمدن ایران زمین و همچنین دین اسلام و مذهب مترقی شیعه را ضد زن یا در بهترین شکل خود، تحقیرکننده‌نر نمایش بدهند. معمولاً این افراد سعی می‌کنند تا یک بخش از یک جمله یا کلام معصوم را به‌صورت پرینده نافی منتشر کنند و نتیجه دلخواه خودشان را بگیرند، این در حالی است که وقتی به اصل آن صحبت یا ماجرا مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که کلام معصوم که در ادامه‌اش یک تحلیل دقیق ارائه شده، کاملاً مفهوم و مراد بر عکس آنچه دارد که مورد استناد تحریف‌کنندگان قرار گرفته‌است. البته این گونه اقدامات در صدر اسلام با آیات کلام الله مجید هم صورت گرفته‌است و پیرویان نابرابر قول خود قرآن کسانی بودند که جایگاه کلمات را تغییر یا تحریف می‌کردند. همین اتفاق در مورد برخی آثار ادبی ما از جمله شاهنامه هم رخ داده‌است و برخی افراد مغرض و مریض سعی داشته‌و دارند فرهنگ و تمدن ریشخدار باستانی ایران را ضد زن و زن ستیز نمایش بدهند. البته ما می‌دانیم که همه ادبیات فارسی یا همه سنت‌های ادبی ما نگاه یکسانی به زن ندارند، اما این مسئله در مورد بسیاری از همین آثار ادبی ما و مشخصاً شاهنامه حکیم فردوسی به وجه صافق نیست. کسانی که اصلاً آشنایی با این اثر ندارند، حتی اگر داستانی از شاهنامه را خوانده باشند، می‌بینند که چنین ادعایی در مورد شاهنامه درست نیست.

کاراکترهای زن شاهنامه در آن داستان‌ها و وقایع، راجع به مفاهیمی مثل خرد زنانه‌است و در لابه‌لای قصه‌ها مفاهیمی مثل مهر و مفهوم‌هایی که راجع به جنس و جنسیت زنان هستند، صحبت می‌کند. افراخته در ادامه می‌افزاید: کسی که به شاهنامه آشنا باشد، می‌داند نگاهی که این متن تاریخی ادبی و حماسی به زنان و دختران دارد، شاید همین امروز و در سال ۲۰۲۶ در بین اغلب جوامع مدعی فمینیسمی و رعایت حقوق زنان هم وجود ندارد و هنوز به این نگاه و تبیین جایگاه زن نزدیک هم نرسیده‌اند. این در حالی است که حکیم ایرانی و مسلمان دختر جنگجویی که کماندار بوده و به عنوان مرزبان ایران خدمت می‌کرده و در این راه از خودش شجاعت و غیرت به خرج می‌دهد و به دل‌میان می‌زند، نشان می‌دهد که چگونه از خرد زنانه‌اش در این مسیر استفاده می‌کند و اتفاقاً ورق بازی را به نفع ایران بر می‌گرداند. هر کدام از این

کاراکترها به اقتضای داستان‌شان ویژگی‌هایی مثل مادی و هنرمند جنگاوری زنانه دارند. در کنار این نکات ویژگی‌های دیگری نسبت به آن بستر که داستان در حال وقوع و جریان است، هم وجود دارد. البته معمولاً در دین و فرهنگ ما این‌جورهای زن تعریف شده‌است و از نظر ذهنی و به نظر احساسی جایگاه والایی برای آن دیده و تعریف شده‌است. ■ **اشعار زن ستیزانه منتسب به شاهنامه**
این شاهنامه‌پژوه با تأکید بر اینکه متأسفانه سعی می‌شود با انتساب اشعرهای به فردوسی و پی بردن کم کاراکترهای مرد در مقایسه با کاراکترهای زن در شاهنامه خیلی کمتر است، ولی همین تعداد کم کاراکتر و شخصیت زنان که در شاهنامه وجود دارد از نظر کیفی بسیار کاراکترهای جذاب و مؤثر هستند. همین زنان در داستان‌هایی که حضور دارند نگاه و منظرگاه فردوسی به زن در همین تعداد کم

رویکرد شاهنامه زنان

زینب افراخته، مروج شاهنامه با اشاره به اینکه شاهنامه متنی است که هزار سال قدمت دارد و یک کتاب حماسی است، در مورد جایگاه زنان و نگاه فردوسی به آنها به «جوان» می‌گوید: طبیعتاً متن و محتوای آن راجع به جنگ و جنگ‌آوری و جنگجویین است. طبیعی که تعداد کاراکترهاوشخصیت‌های زن در آن به همین دلیل کم باشد. نسبت حجم کاراکترهای زن در شاهنامه خیلی کمتر است، ولی همین تعداد کم کاراکتر و شخصیت زنان که در شاهنامه وجود دارد از نظر کیفی بسیار کاراکترهای جذاب و مؤثر هستند. همین زنان در داستان‌هایی که حضور دارند نگاه و منظرگاه فردوسی به زن در همین تعداد کم

سیروس مقدم:

هیچ اطلاعی از اقدام تلویزیون برای ساخت فصل ۸ پایتخت ندارم



پیش تولید، درباره اینکه چرا تولید این سریال به رمضان امسال نرسید، گفت: پس از تصویب طرح و فیلمنامه، تلویزیون از همان ابتدا اعلام کرد که تولید این سریال از اولویت خارج است. بنابراین، ما هم استقبال کردیم تا از این فرصت و زمان بیشتر برای کیفیت کار، به ویژه بخش‌های مربوط به جلوه‌های ویژه و متن بهره ببریم.

مقدم درباره مقدمات این سریال ماورایی همچنین یادآور شد: من شخصاً سه تا چهار سفر به استان گرگان داشتم، لوکیشن‌های مورد نظر از جمله روستایی را که مد نظر داشتم، شناسایی کردم و گزینه‌های مدنظرم برای بازیگران نیز مشخص بودند. به نظر می‌رسد این پروژه با به سال آینده موکل شود یا اساساً منتفی است. من قضاوتی در این خصوص ندارم، اما تیم سازنده کار خود را ادامه می‌دهد. آقای افخمی نگارش فیلمنامه را پیش می‌برد و قرارداداش نیز منقذ شده‌است. در پاسخ به این پرسش که

نما احسن کشنگار



رادیو



گفت‌وگوی «جوان» با تهیه‌کننده برنامه «ضیافت نور»

جای مباحث نظری صرف

به سراغ تبیین مفاهیم قرآن و نهج‌البلاغه رفتیم

هماهنگ کردید با معیار تان برای انتخاب گوینده چه بود، بیان کرد: در این برنامه، ما بر «هم‌فکری پیش از اجرا» تأکید داشتیم. پیش از آغاز ماه رمضان، چارچوب محتوایی برنامه مشخص شد و درباره رویکرد طرح مفاهیم قرآنی و پاسخ به پرسش‌های دینی مخاطبان به جمع‌بندی رسیدیم. این باعث شد هر بخش از برنامه هدفمند در امتداد یک مسیر مشخص حرکت کند.

وی افزود: حضور کارشناسان برجسته مذهبی در برنامه نیازمند هماهنگی دقیق محتوایی بود. ما سعی کردیم گفت‌وگوها از حالت کلی‌گویی خارج شود و به‌مسائل کاربردی مورد نیاز جامعه بپردازد. در انتخاب گوینده، بیش از هر چیز به باورمتناسب، نگاه به برنامه و توانایی مدیریت بحث‌های عمیق دینی را داشته‌باشد. برای ما مهم بود که گوینده صرفاً اجراکننده نباشد، بلکه درک درستی از محتوای برنامه داشته باشد و بتواند فضای فکری گفت‌وگو را هدایت کند. این تهیه‌کننده درباره اینکه چه بخش‌ها یاویژگی خاصی از برنامه را برجسته‌تر قوت آن می‌دانید و چرا، تأکید کرد: من فکر می‌کنم نقطه قوت اصلی برنامه، رویکرد مسئله‌محور آن است. ما تلاش کردیم مفاهیم قرآنی و آموزه‌های نهج‌البلاغه را در نسبت با مسائل عینی زندگی فردی و اجتماعی بررسی کنیم. از اخلاق فردی گرفته تا مسئولیت‌پذیری اجتماعی. برنامه سعی دارد نشان دهد که معارف دینی محدود به فضای آیینی نبوده‌اند، بلکه می‌توانند به‌فهمی، رفتار تان و حتی نوع مواجهه ما با چالش‌های روزمره جهت بدهند. اگر این حس خدمات مالی و بانکی محسوب می‌شود. اهالی فرهنگ و هنر می‌توانند با ثبت آثار خود در وبسایت www.esalatasar.ir نسبت به دریافت شناسنامه اصالت اثر هنری اقدام کنند. سپس با مالکان آثاری که دارای شناسنامه اصالت اثر هستند، می‌توانند آثار خود را در این سامانه ثبت و آن‌ان به عنوان وثیقه برای انجام خدمات مالی بانک صادرات ایران برای آنان فراهم می‌شود.

خبر

آثار هنری وارد نظام وثیقه بانکی شدند

امکان بهره‌برداری از آثار هنری به عنوان دارایی قابل توثیق در فرآیندهای تأمین مالی را فراهم کرده‌است و زمینه استفاده از ظرفیت دارایی‌های نامشهود در نظام مالی کشور را ایجاد کرده‌است.
پژمان در پایان خاطرنشان کرد: فراهم شدن امکان توثیق آثار هنری در این شناسنامه اصالت اثر، گامی مهم در جهت به رسمیت شناختن آثار هنری به عنوان دارایی مالی معتبر و تسهیل دسترسی هنرمندان و فعالان حوزه فرهنگ و هنر به خدمات مالی و بانکی محسوب می‌شود. اهالی فرهنگ و هنر می‌توانند با ثبت آثار خود در وبسایت www.esalatasar.ir نسبت به دریافت شناسنامه اصالت اثر هنری اقدام کنند. سپس با مالکان آثاری که دارای شناسنامه اصالت اثر هستند، می‌توانند آثار خود را در این سامانه ثبت و آن‌ان به عنوان وثیقه برای انجام خدمات مالی بانک صادرات ایران برای آنان فراهم می‌شود.

موسیقی

فریدون ناصحی آثار شوپین و لیست را می‌نوازد

لیست، آهنگساز، نوازنده و مدرس پیانو مجارستانی و اتودهای ۲۳، ۴ و ۲۴ از فردریک شوپن موسیقیدان نوازنده برجسته پیانو لهستانی اجرا خواهد شد. بخش دوم نیز به اجرای دو بخش از اتودهای شش‌گانه باگاینی اختصاص دارد. فرانتس لیست این اتودها را بر اساس آثار نیکولو باگاینی آهنگساز می‌دهد. ناصحی با اجرای «آپاسیوناتا» (Appassionata) و «سوناتا پیانو فریدون ناصحی سه‌شنبه (پنجم اسفندماه) ساعت ۲۰ در تالار رودکی بر گزار می‌شود.

برای نخستین‌بار امکان توثیق آثار هنری دارای شناسنامه اصالت اثر در نظام بانکی فراهم شد. به گزارش «جوان» از روابط عمومی مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر، سیدصادق پژمان مدیرعامل مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر، از فراهم شدن امکان ثبت آثار هنری دارای شناسنامه اصالت اثر به عنوان وثیقه در سامانه «ست» بانک صادرات ایران خبر داد و گفت: در چارچوب آیین‌نامه جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و با پیگیری‌های تخصصی مؤسسه، امکان توثیق آثار هنری در بخش فرهنگ و هنر سامانه «ست» فراهم شده‌است. وی افزود: بر این اساس، هنرمندان و مالکان آثاری که دارای شناسنامه اصالت اثر هستند، می‌توانند آثار خود را در این سامانه ثبت و آن‌ان به عنوان وثیقه برای انجام امور بانکی و دریافت خدمات مالی استفاده کنند. این اقدام

پیگیری برای تولید در سال جاری صورت نگرفت. مقدم در بخش دیگری از این گفت‌وگو، درباره آخرین وضعیت تولید فصل هشتم مجموعه «پایتخت» اظهار کرد: به مجموعه «پایتخت» یک پروژه ملی است و به هیچ‌کس تعلق ندارد، نه به من، نه به حسن یا تابنده و نه به مدیران. این اثر متعلق به تمام مردم است و طیف‌های مختلف با سلیق و اعتقادات گوناگون با آن ارتباط برقرار کرده‌اند. اما درباره ساخت فصل هشتم در سال آینده، باید تأکید کرد که من اطلاعی از هیچ اقدام جدی از سوی تلویزیون برای آغاز عملیات تولید یا انعقاد قرارداد ندارم. در تمام سال‌هایی که این مجموعه تولید شد، همواره مورد استقبال مردم و حمایت مدیران قرار گرفت، اما در حال حاضر، از تاباط ما با عوامل «پایتخت» تیم تولید و همچنین سازمان صداوسیما برای تولید «پایتخت» جدید تقریباً به تمام کادر تولید شده‌است.